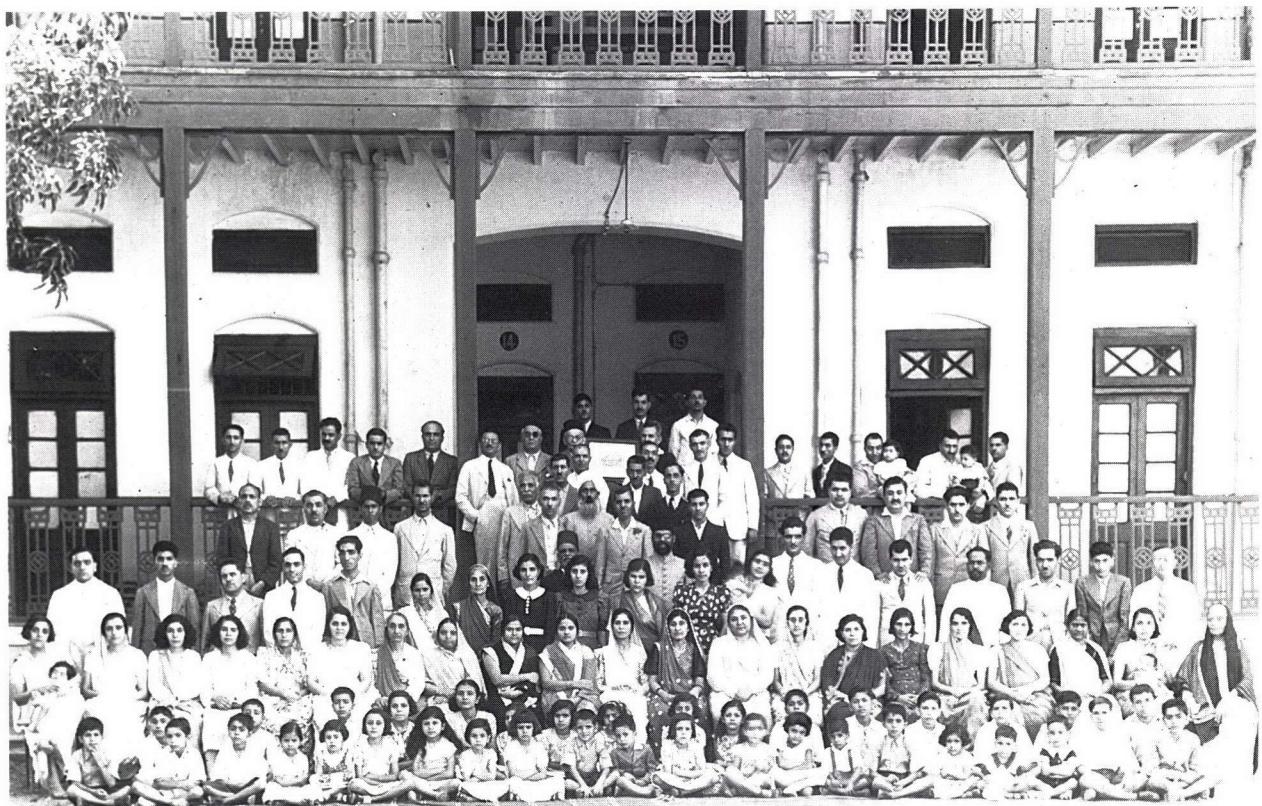


عندليب





THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Department of the Secretariat

۱۴۹ شهرالشرف

۱۹۹۲ ژانویه

'Andalib magazine
7200 Leslie Street
Thornhill, Ont. L3T 2A1
Canada

دامت تائیداتها

میث مُجلَّه تحریریَّه مجلَّه عنديب

با توجه به نفاست و مرغوبیت استثنایی کتاب محبوب عالم که اخیراً به ممت والای اعضاي آن میث مُجلَّه به زیور طبع آرامته گشته چنین به نظر رسید که ارسال نسخای از اين اثر شمين به کتابخانه مرکز مطالعات بهائي در دانشگاه مریلند بسيار مناسب و مطلوب خواهد بود. چنانچه مطلعند مقدمات تأسیس کرسی مطالعات بهائي درباره صلح جهانی در آن دانشگاه از مدتی قبل فرامم گشته و اين مرکز در روز ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲ طی مراسمی مخصوص رسماً افتتاح خواهد گردید. بنابراین شایسته چنان است که به مناسبت آغاز اين مشروع مهم نسخای از کتاب گرانقدر محبوب عالم که حاوی آثار نفیسه مباركه و مقالات مهم مفیده و صور و تصاویر بسيار ارزشده میباشد از طرف آن میث مُجلَّه به مرکز مذبور اهدا گردد.

آدرس جناب دکتر مهیل بشروئی که ریاست اين مرکز را بعده خواهند داشت ذیلاً
مندرج است.

موقع را برای اپراز سرت و شادمانی معهد اعلى به مناسبت انتشار اين اثر ممتاز مقتنم میشمارد و مراتب خرسندي و رضایت آن ساحت رفیع را به اين وسیله ابلاغ میدارد. خدمات و ساعي چندین ساله آن میث مُجلَّه و همه نقوص دیگري که به نحوی از انحصار اين کتاب نفیس مشارکت داشته اند از هر حیث مایه تشکر و قدردانی وفیر است.

با تقديم تحييات
از طرف دارالانشاء بيت العدل اعظم

از طرف نیروت دروان

عبدالیب

نشریه محل و حلقی ملی بحث ایان کا ندا
ہر بیان فارسی

شماره ۴۵ «سلسل»

NO. 45

سال دوازدهم

Volume 12

نیستان ۱۴۹ پیغم

سال مقدس

۱۳۷۱ شمسی ۱۹۹۲ میلادی
1992

‘Andalib

7200 Leslie Street, Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مدرجات

صفحه

۱. دو لوح از جمال قدم جل جلاله	۱
۲. دو لوح از حضرت عبدالبهاء	۲
۳. پیامهای معهد اعلی	۲
۴. سرمقاله (از هر دری سخنی)	۴
۵. دلبر میثاق	۵
۶. شعر، تضمین از غزل حافظ	۶
۷. تاریخ زرین شهادت	۷
الف . جناب یدالله صابریان	۲۵
ب . جناب یدالله محبوبیان	۳۶
۸. گزارش دو مین کنگره جهانی بهانی	۲۸
۹. سنگهای گویا	۴۲
۱۰. شعر الف . بر آرامگاه حضرت شوقي	۴۴
ب . سنگهای گویا	۴۵
۱۱. پاسخ	۴۶
۱۲. شعر و ادب فارسي (ذره)	۵۶
۱۳. شناساني و بشارات حضرت ادريس پیغمبر	۵۷
۱۴. قسمت جوانان الف. قفس بشکن	۶۲
ب . بسوی یك اتحاد جهانی	۶۴
۱۵. اخبار و بشارات امریه	۶۹
۱۶. اخبار مصور	۷۲
۱۷. نامه هانی از دوستان	۷۸

عکسها:

روی جلد: صحنه‌ای از کنگره عظیم جهانی نیویورک

داخل روی جلد: میس مارثا روت در میان عده‌ای از احبابی طهران

پشت جلد: شرکت کنندگان در آکادمی هندوستان

داخل پشت جلد: کانونشن ۱۹۴۰ در پونه هندوستان

ابن اسمی اصدق علیهم السلام و آله و سید آل ابی حی

بسم الله تعالى شأنه الحکمة والبيان

بشنوشن قلم علی از اعلی مقام عالم نداشته باشد و میراث را ان از اعلی افق امکان
مشرق و مغارب تا قوت بخشند و قوادم رجای عطا نمایند تا در هوا محبت و دوست یکجا طران نمایند
و متوجهین ای عینی نهودی که پر ناشان بطین او هم آکوده است با اسم حق ظاهر نمایند و پر از بسیار مومی
یا ابن اسمی عیک بسانی و عنایت این ایام حضرت کلیم صعود نمود و عبد حاضر در برخواهید
و لسان عظمت بآیات ناطق و از ندیده ملکوت کل شی عطا میفرماید و احمد نیکند گمی خوب نباشد
باید و امر الله بشانی مستقیم باشد که حوادث و سطوت افیما شارا ضعیف نماید لله باشد
للهم چویند حق باشما بوده و خواهد بود و نخواهد بود و قدرت کلمه علی را ضوضای علیا فهمتا
منع نموده و نخواهد نمود یا ابن اسمی اگر عالم روح بتمامه بقوه سامعه تبدیل شود میتوان کنست
لایق چغا، این بیانست که از قلم رحمن جاری گشته و آلا اداهای مشهود قابل این ندا
بنوده و نخواهد بود الاعداده معدودات از حق بطلب با بصیرت بخشند و قوه سامعه عطا فرماد
که شاید عباد مسکین از نفعات یوم آئی محروم نماند اهل ارض غافلند امر نهاد را ماند سایر ممکن

و از ته و میدانند تباً لحم و سخاً لحم زود است مشاهده نمایند آنچه را که حال منکرد و اقبال نمایند
 آنچه را که از ادمعرضند گلوایی بی داشته باز زور اتوجه نمایند تا قصر ملک المدوك امشاده کنند شاید پذیر
 گیرید و فی احتمله متبنه شوید و شوکت و شروت و عظمت و غرت "ویوم شمار ارغعت دامنه و غمته باقیه مائد
 سماویه منع نماید و محروم شزاده قسم بسفینه برنا که با مردم برجبریان جاری است این مظلوم آنچه
 گفته کوچه شدید بوده گلو بر خود حجم کنند و بر مغافات قیام نماید و می رفت و امروز هم میرد این پایداری
 پیک ائمی است کل را آگاه ننماید و خبر میدهد شاید تبارک تمام قصد مقصد مقام نمایند منادی "
 کل حین از جست عرش نداشته باشد و بعایت و شفقت تمام نصیحت ننماید که شاید عبا و اظلم بدل از
 اعتضاب باضاف اربع شوند یا ابن اسکن از برای تو تایید مطلبم که باقی ایام در خدمت مالک نام صدر
 نمانی بشانی که سرا و این امر عظم و بنا عظیم است لازم اقبال و توجه و قیام آنچه بدبی الوجه مذکور را
 گرده راهیت دیگر باید و استقامت دیگر انشا به بعد تخصیص حدید عنایت حق حل جلاله مرین باشی و با نوار عرش
 مثور اویا ایکسر برسان شاید ارکلمه ای شغل شوند و بنا عینی لا یارمه قیام نماید آنچه امر فر لازم و حواب
 اکثر از قلم علی نازل اتحاد و اتفاق نهوس معلوم بوده که بطر از تخصیص فائزه و پیشین سایر احباب طوبی اربا
 نفسی که با صفات امداد ائمی فائز شد و بار و ته میگردند البهاء المشرق من افق سما و جمی علیک و علی اذین
 عملو ابها امر و ابه من لدی له رب العالمین .

جناب صادق علیہ السلام

بسم المیمن علی الامم

حمد مالک حب و سلطان وجود را لایق و سراست که بیک کلمه عالم را بور طهور منور فرمود
و آن عالم را با صفا قداتی الرحمن مزین داشت طوبی از برای نفعی که فائز شد و مقرب عرش
راه یافت . یا ایها المد کور لدی لمظدوام یک کلمه از کلامی که در اول یوم ظهور ازل خلقت
جاری و ارجحت اعلای فواد نازل منجی و حافظ و ناصر نعمین کل است و آن کلمه کلمه محب که
یغسل مایش است و سبب زوال آن اینکه هر مقصی خود را بین کلمه علیا از طفون او هام حفظ
نماید و حتی راحنمایی را از بعضی مع افراد بین کلمه ذکر نمودند آنچه را که سبب حزن ملا علی گشت
بگوای عباد بر خود رحم نماید ، در آنچه ظاهر شده تقدیر کنید و با اشاره توجه نماید ثم ره سده
مبادر که آثارش بوده و بست طوبی للعائرين یا اویانی بحکمت و بیان خلق را بصراطیم
آئی نادی شوید ولکن آنچه لازم و مقدم است تطییر وجود است بکوثر صاحب ازفاده
نزاع ضعیف نه و بعضی حق چنین گفته و چنین فرموده طوبی للعلمین و طوبی للمسعین و
طوبی للمسعین .

هُوَ لِهُ

ای آوارگان سبیل آتی از وطن مالوف بسب طفیان هر سکار عسوف دور و محور شد
دور راه خدا آواره از هر سکر مغروگ شتید این پر شانی هر چند بلانی ناگمانی بود ولی در سبیل
حضرت حمانی و محبت جمال یزدانی بود لهد اشیرین و کوار است هر بلاد که سبیل نص و همی باشد
آن درون و حجمیت و هر استاد که بسب ایمان و هدایت شد نفسیم مقسم دستاچ و شمر باین نظر کرد
نه در حال حاضر مانند هر بی بصر عقریب ملاحظه نماید که پر جم علم تقدیس اجتایی آتی موج بر
آفاق زند و این اشراق خاور و نجاسته را روشن نماید و علیکم الحمیة و لاشنازع

هُوَا لِهُ

ای روئی تو سوی حق چه خوش دی و خوش خدمی و مبارک و فرشته و محرومی
بودی که بگویی جانان پی بردی این افضل و اطاف بکریان حضرت یزدان بود و
من دتو دوبینو اکنجی و این فضل و عطا کنجی محس لطف و احسان است که مثل منی مثل
توئی دوبینو ادبی سرپا دوسکین دوفیری دوبی سامان را در درگاه خویش قبول
فرمود و اطریمان هزا و اسرور امن ذلك عبد البهاء عباس

ترجمه

پیام بیت العدل اعظم

موافق ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲

خطاب به بهائیان سراسر عالم

|

از زمان تأسیس عهد و پیمان حضرت بهاء الله و آغاز ترویج آن یک قرن کامل میگذرد ، لذا این مشتاقان تحییات محبت آمیز خود را به اعضای جامعه متسب به جمال اقدس ابھی که اموز در کنگره جهانی در نیویورک و در کنفرانس‌های اقماری آن در جمیع قارئات اجتماع نموده‌اند و یا به انحصار دیگر در این مراسم یادبود منوی مشارکت دارند ابلاغ میدارند .

موجب بسی خوشوقتی است که این فرصت مخصوص فراهم آمده تا لحظاتی چند با تفاق آن سالکان سبیل ایمان در نظر آریم که از سال ۱۸۹۲ تا حال چه حاصل کرده ایم و از این پس به کدام مقصد روانیم . این تأمل و تمعن خود رمز نشانه ای است که بالطبعیه قصد و هدف عهد و میثاقی را مجسم میسازد که منظور واضح آسمانی اش از ایجاد آن وحدت اقوام و ملل روی زمین است .

بررسی تاریخ پر هیجان و پیشرفت حیرت بخش حاصله در این صد سال قلوب را دستخوش عواط و احساسات عالیه روحانی میسازد . جامعه بهائی در زمان صعود حضرت بهاء الله فقط محدود در پانزده کشور بود و اکثر پیروانش در ایران یعنی موطن آن جمال مبارک میزیستند . اکنون جامعه بهائی سراسر کره ارض را در بر گرفته است . روح وحدت و یگانگی که مداوماً د اثر نحوه کار و فعالیت نظم ادای بهائی که ولید میثاق است تجلی و تحکیم میابد مایه سرور موفور است . مجموعه تجاری است که تابحال اندوخته شده تأثیر واهیت عهد و میثاق ا بوضوح به اثبات رسانده است وحدت و اتحادی واقعی که تاکنون قوه عهد و میثاق الهی بوجود آورده این امید و انتظار را شدیداً تقویت میماید که وحدت و یگانگی نوع بشر امکان پذیر است و مسلماً تحقق خواهد یافت .

در دورانی که جهان شاهد تغییرات شگرف و تکان دهنده ای است که خصائص جامعه بشری را بشدت دگرگون ساخته و آن را به نحوی بی سابقه به ورطه نگرانی و سرگردانی کشانده ، ما اهل بهاء تلاشی را

آغاز کرده ایم تا جامعه‌ای جدید بوجود آوریم ، در حقیقت دنیا در شرائط کنونی در اثر فشار نیروهایی که نه قادر به درک آنها است و نه آنها را مهار تواند کرد طاقت و توانایی خود را از دست داده است . این دورانی است که دودمان‌های سلطنتی و امپراطوریها به سرعت یکی پس از دیگری سقوط کرده و منقرض شده‌اند . دورانی است که عقاید و تفکراتی نیومند قلوب واذهان ملیونها نفر را تسخیر کرده و سپس به رسوانی منتفی گشته‌اند و بالاخره دورانی است که در طی آن در جنگ جهانی بر آنچه که در ابتدای قرن بیستم زندگانی متمدن محسوب میشد ویرانی و دمار باریده است .

در پی این چنین نا بسامانی‌ها و اضطرابات هولناک ، پیشرفت‌های بی نظیری در قلمرو علوم و فنون و سازمان اجتماعی حاصل گردیده و داشت بشری واقعاً فوران کرده است . اما جالب‌تر از همه شکوفائی بی‌سابقه در بیداری و قیام انبوه مردمانی است که قبلًا خاموش مینمودند این جماعات در جامعه ملت‌های جهان که وسعت بسیار یافته خواستار وضع و موقعیت مشروع خود هستند . همزمان با پیشرفت و توسعه ارتباطات و مخابرات که به سرعت برق انجام میگیرد و حمل و نقل که سرعت صوت یافته . جهان چنان بهم مرتبط شده است که گونی مردم گیتی در واقع در همسایگی یکدیگر یست میکنند و بی‌درنگ از احوال هم‌دیگر با خبر می‌شوند و با یکدیگر باسانی دسترسی دارند . با اینهمه پیشرفت‌های معجزه آسا و پیدایش سازمان‌های بین‌المللی و بالاخره کوشش‌های متهرانه و موفقیت‌های درخشنان در همکاریهای بین‌المللی ، ملل‌عالی به عداوتی تاسف انگیز مبتلا و مردم در گیر و دار بحرانهای اقتصادی به تشنج و فشار گرفتار و اقوام و نژادها بیش از پیش نسبت به یکدیگر بیگاه گشته و به عدم اعتماد و ترس و تحیر دچار شده‌اند .

به موازات این تحولات ، اضمحلال مؤسسات دینی و سیاسی که بنا بر سنن معمول مرجع هدایت و مرکز ثبات جامعه بودند بچشم میخورد . حتی پایدارترین این مؤسسات چون گرفتار بی‌انضباطی و عدم نظم درونی هستند چنینی بنظر می‌آید که اعتبار خود را از دست داده و میدهند . این دگرگونی‌ها توجه ما را به خلانی که در صحنه اخلاقیات بوجود آمده و احساس بیهوده‌گی و آشتفتگی که در زندگانی شخصی پدیدار گشته معطوف می‌سازد . مفسران صاحب نظر از سقوط فرهنگ و ناپدید شدن ارز‌ها و فقدان تمامیت و کمال در زندگانی درونی انسای و نیز از تمدن صنعتی که با بحرانی روز افزون مواجه است با نگرانی شدید یاد می‌کنند . آثار آنان همچنین مشعر بر آن است که خرد نوع انسان به بن بست رسیده ، توانانی اداره امور را از دست داده و به خرد و بصیرتی الهی نیازمند است . اما روح انسانی از تشخیص و درک این احتیاج بسی دور و مهجور است .

تفسیر و نظریات یا س آوری از این قبیل حاکی از عواقب عالمگیر ناشی از عدم ادراک مقصد الهی از خلق انسان است . ابن محبثی است که امر حضرت بهاء الله مخصوصا بر آن انواری بدیع تابانده ، افکار ما را نیروئی جدید می بخشد و ادراکات ما را وضوح و وسعت میدهد . تعالیم حضرت بهاء الله قلب ما را از محبت بی پایان خداوند به مخلوقاتش سرشار میسازد ، ضرورت رعایت عدالت را در روابط انسانی خاطر نشان میکند ، و اهمیت تمسک به اصولی اساسی را در جمیع امور تأکید مینماید و ما را متذکر میدارد که « جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده اند » و « شان انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود . »

اعضا جامعه بهائی با مداومت در تبلیغ امر حضرت بهاء الله به مرحله ای از رشد و بلوغ رسیده اند که بخوبی میتوانند سرنوشت جریانات گوناگون تغییراتی را که طی این قرن روی داده در یابند . تعالیم بهائی به ما هشدار میدهد که « این صعود و نزول و تالیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله اش مستمر و محسوس انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه اعظم اقدس ابهی است . نقشه واحد و غیر قابل انفصالی که مبدنش غیب مکنون و مؤسس و موجده شارع این امر اعز اعلی و دایرہ تصرفاتش بسیط غبرا و مقصد و هدف نهاییش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه انان است . » (ترجمه)

عدم وحدت و اتحاد اس اساس جمیع مشکلاتی است که کره ارض بکمال شدت از آن در رنج است . این عدم وحدت در جمیع شئون زندگانی نفوذ و رسوخ کرده و مبنای جمیع منازعات اساسی بین ملل و اقوام عالم است . از آن و خیم تر عدم اتحادی است که در بین ادیان و نیز در داخله ادیان شیع دارد و سبب تباہی تأثیر و نفوذ روحانی و اخلاقی میگردد ، تأثیر و نفوذی که ایجاد آن هدف اصلی ادیان است . حضرت بهاء الله میفرمایند : « اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد . نیز عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند . »

در بیان کیفیت این عواقب وخیم تعالیم بهائی صراحة دارد : « که چون در نتیجه فساد بشری چراغ دین خاموش شود و خلعت معنوی که بایستی زینت هیکل انسانی باشد از او خلع گردد ناچار انحطاط تأسف انگیزی در سرنوشت بشر فی الفور بوجود میآید و با خود هر نوع شری را که از یک شخص خاطی

منحرف سر زدنی باشد همراه می‌آورد . و در چنین حالی است که انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مؤسسات متعلق به انسان به بدترین و نفت بار رین وجهی ظاهر و آشکار گردد و ماهیت انسانی تدبّر یابد ، اعتماد و اطمینان سلب شود ، رشتة انضباط از هم بگسلد ، ندای وجدان خاموش شود ، شرم و حیا از میان بر خیزد ، مفاهیم وظیفه شناسی و هم بستگی و احترام و رفتار متقابل و وفاداری ، تعبیرات غلط گیرد و عواطف عالیه آرامش و سکون و شادمانی و سرور و امیدواری از میان بر خیزد . » (ترجمه)

اسفا که در عصر حاضر ، هم مؤسسات و هم افراد انسانی به چنین حالتی دچارند . بر اساس درک این حقیقت ، ضرورت و لزوم عهد و میثاق الهی بیش از پیش حائز اهمیتی حیاتی میگردد . تردیدی نیست که جامعه بهانی برای مقابله با این وضع باید به سرعت بسوی مرحله بعدی تکامل خود پیش تازد ، مرحله ای که در آن امر حضرت بهاء الله ضرورة باید منتظر مواجهه با قوائی باشد که با چنان بی بند و باری گمراه کننده ای بر جهان چیره شده اند . لذا باید این فرصت مبارک را برای بررسی تأییرات عهد و میثاق که موجب تحرك و پایداری در اقدامات ما میشود مغتنم شمريم .

پایه و اساس عقیده ما مبنی بر اقرار به سلطنت الهی است ، ذاتی که ورای شناسانی و صانع قدیر است وظیفه ما تسلیم به اراده و مشیت او است که در این عصر و زمان بوسیله حضرت بهاء الله نازل شده است . شناسانی فرستاده خداوند در یوم الله و متابعت از اوامر و تعالیم وی دو ظیفه اصلی و تفکیک ناپذیری است که هر انسانی برای وصول به آن خلق شده است . انسان این دو تکلیف توأم را بنابر تمایل و انتخاب شخصی بجا می‌آورد و اقدام او در این مورد را باید عالیترین جلوه آزادی و اختیار انسانی بشمار آورد ، موهبتی که خالق مهریان به نوع انسان عطا کرده است . در این عصر درخشنان وسیله حصول موفقیت در انجام این دو تکلیف توسل به عهد و پیمان حضرت بهاء الله است . عهد و میثاق وسیله ای است که از طریق آن ایمان به مظہر ظھور الهی بصورت اعمال و رفتار مفید و ثمریخش جلوه گر میشود .

وحدت عالم انسانی محور اصلی و هدف نهانی رسالت الهی حضرت بهاء الله است . مفهوم حقیقی این اصل بمراتب وسیعتر از ایجاد روحیه برادری و خیرخواهی بین مردم بوده و « مسلطزم آنست که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیک) صورت پذیرد که شبیهش را چشم عالم ندیده است ». (ترجمه) عهد و میثاق حضرت بهاء الله متضمن مفهوم ، وسیله و روش لازم برای وصول به این هدف اساسی است . حضرت

بهاه الله علاوه بر كتاب احکامش که مبانی نظم جدید جهانی را هم شامل است ، در كتاب عهد خود نیز انتساب نجل جلیلش حضرت عبدالبهاء را به عنوان مبین کلام و مرکز عهد و پیمان خود تشییت فرموده اند. حضرت عبدالبهاء در سمت مبین ، لسان ویای كتاب الله و مفسر کلام الهی است و به عنوان مرکز میثاق ، مرجعی مصون از خطأ است که کم الهی را با اتخاذ وسائل و لوازم عملی برای بنای تمدن و فرهنگی بدیع به موقع اجرا میگذارد . بنایین عهد و میثاق پدیده الهی بی سابقه ای است که حضرت بهاه الله بواسطه آن نه تنها به حضرت عبدالبهاء اختیارات لازم را برای تحقق بخشیدن به آنچه لازمه مقام فرید ایشان است عطا فرموده بلکه فضائل و کمالاتی در شخصیت فردی حضرتش به ودیعه گذارده تا جامعه انسانی همواره بتواند به این قدوه پاینده تأسی و از این مثال تابنده تبعیت نماید . در هیچیک از تواریخ گذشته چنین ترتیبی برای تضمین تحقیق مقصود و منظور مظهر امر الهی ثبت نشده است .

این عهد و پیمان ضامن ممانعت از تفرقه و تشعب است . بدین دلیل افرادی که گاه گاه میکوشند تا شکافی در جامعه ایجاد کنند بالمال با شکست کامل مواجه میشوند . بهمین نحو و اضطرهارات و تضییقات بلا انقطاعی که جامعه بهانی در موطن حضت بهاه الله در متجاوز از یک قرن مجبور به تحمل آنها بوده توانسته است هویت آنرا مضمحل و یا وحدت حیاتی جامعه مزبور را زائل سازد . نتیجه و حاصل نهائی پرشکوه این تدبیر تضمین تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین است که در کتب مقدسه قبل و عده داده شده و حضرت بهاه الله نیز شخصاً آن را اعلام فرموده اند .

حضرت بهاه الله به صراحة اعلام میفرمایند که « يوم موعد فرا رسید و آنکه ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده باعلى النداء من فی الارض و السماء را باين خطاب اعلى مخاطب میسازد : لا اله الا هو الهيمن القيوم . تالله قد ظهر ما كان مخزناً فی ازل الازال فی علم الله عالم الغیب و الشهود ، طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که بوجه الله رب ماکان و ما یکون توجه کرد . » (ترجمه)

حقیقت این است که ظهور حضرت بهاه الله دنیا را به عصر جدیدی وارد نموده و آغاز رابطه کاملاً بدیعی را بین انسان و صانع اعلایش ممکن ساخته است . خصوصیات این ارتباط در عهد و پیمانی خلاصه و متجلی است که در هنگام صعود حضرت بهاه الله در یک قرن قبل آغاز گردید . قوای محركه و نیروی مؤلفه روحانی این میثاق و اصول وحدت بخش آن و همچنین تأسیس مبادی و نظامات عملی مودوعة در این عهد و پیمان الهی به منزله طریقی برای بهبودی از عوارضی است که جوامع از هم پاشیده و نظامات ناقص

و نارسای اجتماعی امروز بدانها مبتلاست . عهد و میثاق حضرت بهاء الله مفهوم جدیدی به تاریخ پر تلاطم بشیت بخشیده و بمساعی انسان جهت و تحرّ تازه ای میدهد . حضرت عبدالبهاء میفرمایند : « عهد و میثاق مانند شریان در هیکل عالم نسان در طپش و نبضان است ». (ترجمه) تأثیر و سریان این عهد و میثاق تا اعماق آشفتگیهای امور جامعه بشری نافذ و سبب انتقالی پرشتاب از نظمی کهن به نظم جدید جهانی است . همان نظمی که حضرت بهاء الله آن را این چنین پیش بینی فرموده اند : « زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد » و در توضیح آن میفرمایند : « قد اضطراب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البديع الذي ما شهدت عين الابداع شبهه » .

چه بجاست کسانی که بنحو جدی به وضع و سرنوشت جهان علاقمندند به دعوت حضرت بهاء الله توجه لازم مبذول دارند و دریابند که طوفانهایی که پایه و اساس جامعه را در هم میکوبد آرام نخواهد نشست مگر زمانی که در جستجوی راه حل برای مشکلات اجتماعی ، مبانی و اصول روحانی ب نحوی فعال و مؤثر بکار گرفته شوند . ما پیروان حضرت بهاء الله باید مساعی خود را در انجام وظائف مقدسی که برای آشنا ساختن جمیع افراد جامعه انسانی با مقصد جان بخش احکام جهان آرای حضرت بهاء الله بر عهده داریم مضاعف نمائیم . سعی کنیم تا مردم دریابند که « امر بهائی مقصداش هرگز آن نیست که شالوده جامعه کنونی عالم را زی و زیر نماید بلکه آنست که بیناش را وسعتی بیشتر بخشد و به مؤسساتش شکل تازه ای دهد که موافق و مطابق با حوانج این جهان دائم التغییر باشد ». (ترجمه) ما باید با صبر و شکیباتی و فروتنی به سوالاتی که از روی تردید و یا برای مقابله مطرح میشود در حالی که مقصد احکام الهی را بیان میکنیم پاسخ گوئیم و بکوشیم تا مردم بدانند که « این تعالیم و قوانین حضرت بهاء الله با هیچ تابعیت و سر سپردگی مشروعی تناقض ندارد و وفاداری های صادقانه را تضعیف نمی کند . مقصداش آن نیست که شعله وطن دوستی سالم و خردمندانه را در دلهای مردمان خاموش سازد یا نظام خود مختاری ملی را از میان بردارد زیرا هم با آفت مرکزیت افراطی در اداره امور و هم با متحد الشکل و یکنواخت بودن شنون عالم مخالف است ». (ترجمه)

باید بگفتار و کردار نشان دهیم که امر بهائی « تفاوت در نژاد ، آب و هوا ، تاریخ ، بان و سنت ، طرز فکر و عادت که ملل و نحل عالم را ونه گون ساخته نادیده نمیگیرد و در صدد محظوظ نابودی آنها بر نمیآید ». (ترجمه) و بالاخره بکوشیم تا مردم عالم تصدیق کنند که امر حضرت بهاء الله « منادی وفاداری وسیعتر و آمالی گسترده تر از آنچه تا کنون نسل بشر را الهام بخشیده ، میباشد » و « تاکد بر آن دارد

که منافع و انیزه های ملی باید تابع احتیاجات مبرم جهانی متحدد شود « امر بهائی » از یک سو تمرکز افراطی را در نظام جهانی مردود میشمارد و از سوی دیگر هرنوع تلاش برای یکنواختی و همانندی را رد میکند « ، زیرا « شعار آئین بهائی وحدت در کثرت است ». (ترجمه)

فی الحقیقہ قابل ملاحظه است که همزمان با سال مقدس بهائی امور بسیار مهم دیگری نیز مورد تکریم و بزرگداشت قرار میگیرند که از قرنها پیش آغاز شده و مقدار بوده است که اثمار با شکوه آنها در روز موعود الهی حاصل گردد . میتوان دریافت که حل و فصل نهانی مسائل مهمی که این جریانات بوجود آورده و بمرور زمان تحول یافته اند در نظام جهان آرای حضرت بهاء الله تحقق خواهد یافت .

حال افکار خود را به تاریخ سفر حماسه اثر حضرت عبدالبهاء به غرب مخصوصاً امریکای شمالی معطوف میداریم که در نیویورک برا پیروان غربی خود مفهوم واقعی عهد و میثاق حضرت بهاء الله را تشريع فرمودند . این اقدامات به یک معنی جنبه تجدید حیاتی داشت که تحکیم مبانی وحدتیین دنیای قدیم و جدید بصورت واحدی جهانی را بشارت میداد . اینک نیویورک که حضرت عبدالبهاء بدان لقب « مدینه میثاق » عطا نمودند واقعه هشتاد سال قبل را منعکس میسازد . در آن زمان نیویورک آستانه اصلی ورود به « ارض موعود » برای میلیون ها مردمی بود که در جستجوی آفاقی جدید بودند . حال نیز آن مدینه محل اجتماع پیشوایان ملل و مرکز بین المللی مساعی مربوط به حصول اتحاد در قلمرو سیاست است و در فضای آن آمال دنیانی موج میزند که در جستجو است تا امورش را انتظام بخشد . مروز قلوب بهائیان در سراسر جهان متوجه مدینه میثاق است که در آن هزاران نفر از خواهران و برادران روحانی آنان از جمیع جهات کره ارض در دو میلیون کنگره جهانی بهائی گرد آمده اند . حضور چنین جمعی که نماینده تنوع وسیع نژاد بشری است قدرت وحدت آفری عهد و میثاقی را اثبات میکند که این نفوس برای ستایش و تکریم آن گرد هم جمع شده اند .

در این فصل آغازها و بزرگداشت آغازها ما بهائیان برای مساعی خود ملک و میان جدیدی تعیین میکنیم که بسی دلیرانه تر و پایدارتر از قبل است . امید چنانست که مبانی وحدت الهی ، وحدت ادیان و وحدت نوع انسان را گفتار ما بیان کند و رفتار ما نشان دهد و علیرغم قلت عدد ، وظیفه خود را در آستان جمال قدم و عهد و میثاق حضرتش و بالاخره در قبال همه جامعه انسانی به انجام برسانیم .

بیت العدل اعظم

ترجمه پیام بیت العدل اعظم

مورخ ۳ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به بهائیان عالم

کنگره جهانی بهائی که در نیویورک منعقد گردید دو مین واقعه مهم سال مقدس بود و در یوم میثاق با جلوه و شکوهی آسمانی خاتمه پذیرفت. کنگره مزبور به مراتب بالاتر از آنچه خوشبین ترین افراد میتوانست انتظار داشته باشد تجلی گاه مظفرانه ور و حالی بود که در آن دوستان بهائی در پنج قاره عالم، علیرغم تنوع عظیمان، ناظر وحدت و اتحاد جامعه جهانی بهائی بودند. چنین درجه ای از اتحاد و همبستگی جهانی برای یاران الهی امری کاملاً بی سابقه و جدید بود. قلوب از شوق و شعف بی پایان پر هیجان و لسان از بیان مسرت و امتنان از شمول آشکار تأییدات رب منان ناتوان، چه که مراسم تجلیل و تکریم و ابلاغ عمومی عهد و پیمان جمال قدم جلّ ذکرہ الاعظم با جلوه و جلالی عظیم تحقق یافت.

وحدت و یگانگی حاصله در بین بیست و هفت هزار نفر از شرکت کنندگان گوناگون در این موتمر عظیم که از قدریب یکصد و هشتاد کشور مختلف گرد هم آمده بودند قوه محركه جدیدی را ظاهر ساخت که از آغاز مرحله دیگری که در سیر تکامل امر الهی حکایت میکد، مرحله ای که قبلًاً آشکار نبوده است. با نهایت رضایت شاهد تاثیرات جاذبه و تحول بخش تجلی وحدت و یگانگی که منبعث از کیفیت روش و رفتار افراد احبا است بودیم. روح وحدت و اتحادی که در کنگره جهانی بصورت همگانی و در ابعادی بسیار وسیع تحقق یافت، بدون تردید حاکی از بروز و جلوه جدیدی از حالات نفوسی است که تحت تاثیر حقایق و فضائل امر حضرت بهاء الله پرورش مییابند. با تجلی چنین روحیه ای در حقیقت یکی از موهاب پایدار سال مقدس را برای العین ملاحظه می نماییم.

از افرادی که استعدادها و تخصص های خود را صرف تأمین وسائل مربوط به تهیه مقدمات و اجرای برنامه این اجتماع وحدت بخش کردند و هزاران نفر داوطلب مشتاقی که در امور کنگره همکاری نمودند بی نهایت تحسین و صمیمانه تقدیر میشود.

امید آنکه پیروان جمال قدم جلّ اسمه الاعظم که در اثر ظهرور و بروز قوای مکنونه در عهد و میثاق الهی در کنگره جهانی روحی تازه یافته اند در هر جا که هستند و در هر شرایط شخصی که زندگی میکنند برای

پیش برد قوه محركه اي که در اثر موفقیت اعجاب انگیز اعلن امر الهی در مدینه میثاق تقویت گردید جرأت و شهامتی تازه یابند و عزم و اطمینانی جدید از خود به منصه ظهور رسانند .

بیت العدل اعظم

ترجمه ابلاغیه بیت العدل اعظم

مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به عموم محافل روحانی ملی

یاران عزیز الهی

با ابراز مسرت تصمیم به تأسیس « دفتر ترقی و تقدّم نسوان » را به عنوان یکی از دوائر جامعه بین المللی بهانی اعلام میداریم . این دفتر با ایجاد روابط متقابل با مؤسسات بین المللی که علاقمند به امور مربوط به حقوق و مقام و رفاه زنان هستند به ترویج اصول امر بهانی خواهد پرداخت . دفتر مزبور همچنین در باره طرح ها و برنامه هانی که مشارکت جامعه بهانی در آنها بتواند موفق کوشش هانی برای تحقیق تساوی رجال و نساء گردد به محافل وحانی ملی نظر مشورتی خواهد داد .

تأسیس این دفتر در این موقع بیشتر در اثر حصول دو موفقیت رضایت بخش بوده است : یکی توسعه قابل ملاحظه اقدامات دفتر جامعه بین المللی بهانی در سازمان ملل در زمینه مسائل مربوط به زنان ، و دیگری توفیق اقدامات مزبور در دوائر بین المللی که موجب افزایش حیثیت جامعه بهانی گردیده است . مایه خشنودی است که مثلاً مسئولیت ترتیب دادن جلسات مجمع حامیان تأمین خواربار برای آفریقا از سال ۱۹۸۸ به جامعه بین المللی بهانی تفویض گردیده است . مجمع مزبور متشكل از سازمان های غیر دولتی و مؤسسات وابسته به سازمان ملل و هیئت های همکاری بین دول مختلف است که در سال ۱۹۸۶ تشکیل شده تا بر میزان آشنائی و آگاهی زنان که متصدی تولید و تهیه اکثر مواد غذائی در خانواده ها هستند بیافزاید . یا مثلاً نماینده جامعه بین المللی بهانی که متخصص امور مربوط به زنان است به عضویت هیئت تنظیم برنامه مجمع سازمان های غیر دولتی انتخاب شده که قرار است در سال ۱۹۹۵ همزمان با چهارمین کنفانس جهانی زنان در پکن تشکیل گردد . نماینده مزبور همچنین ریاست کمیته ای را بر عهده دارد که سازمان های غیر دولتی در نیویورک برای اعتلاء مقام نسوان انتخاب کرده اند . این سمتی است که در جامعه سازمان های غیر دولتی وابسته به سازمان ملل حائز اهمیت و حیثیت مخصوص است . بعلاوه روابط

جامعه بین المللی بهائی با صندوق سازمان ملل برای ترقی زنان (یونی فم Unifem) چنان مایه جلب اعتماد متقابل شده که سبب گردید (یونی فم) برای طرحهایی که در سه مملکت آفریقا به منظور ترویج تغییر طرز رفتار زنان و مردان نسبت به یکدیگر به اجراء درآمده است با جامعه بین المللی بهائی همکاری نماید . در هر سه طرح مذبور جامعه بهائی در سطوح محلی و ملی و بین المللی مشارکت دارد .

افتتاح دفتر ترقی و تقدّم نسوان بعنوان یکی از دفاتر جامعه بین المللی بهائی در نیویورک قدم بارز و مهم دیگری در اداره امور خارجی جامعه امر محسوب میگردد و بدون تردید موجب آنست که جامعه بهائی بکیفیتی بارز و قابل ملاحظه در اجرای یکی از اصول اساسی امر حضرت بهاء الله سهیم گردد .

باتحیات ابدع ابهی - بیت العدل اعظم

ترجمه ابلاغیه بیت العدل اعظم

مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به بهائیان عالم

شروع سومین مرحله اجرای طرحهای ساختمانی جبل کرمل را با مسرت و شرف اعلام میداریم . در بین مذاکرات طولانی با مقامات شهرداری حیفا مجوزهای لازم برای خاک برداری محل ساختمان دارالتبیغ بین المللی و شروع ساختمان طبقات فوق مقام اعلی در سپتامبر ۱۹۹۲ کسب گردید و قراردادهای جدیدی بالغ بر پنج و نیم میلیون دلار ترتیب داده شد و در روز نهم دسامبر ۱۹۹۲ خاک برداری برای هر دو ساختمان آغاز گردید .

اطمینان داریم که پیروان جمال اقدس ابهی در سراسر عالم به تقدیم بی دریغ تبرعات خود به این مشروع تاریخی ادامه خواهند داد و بدین ترتیب پیشرفت بلا انقطاع امور ساختمانی را تضمین خواهند نمود .

در آستان قدس الہی برای اجرای سریع این مشروعات عظیم جهت تأسیس مقز موسسات بین المللی امر بهائی بر این جبل مقدس از صمیم قلب طلب تأثید میکنیم .

بیت العدل اعظم

از هر دری سخنی

فردا جبرانش ممکن الحصول است . چه شاید که از پس امروز فردانی دیگر نباشد .
سعدها دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست
میان این و آن فرصت شمار امروز را

البته پوشیده نیست که طرق خدمت گوناگون است و مراتب ذوق و شوق و حب یاران جوراچور . لذا هرکس میتواند به سائقه وجودان پاک ، راه محبت جمال جانان پوید و در میدان عبودیت و خدمت سمند همت تازد و گوی عنایت از میدان برباید و خود را مشمول عنایات لانهایه حق سبحانه و تعالیٰ سازد .

ولی در این برھه از زمان باعتقد این خادمان نیاز جوامع سرگشته و پریشان حال بشری بهداشت و رستگاری است لذا امری اعظم و اهم از هجرت و تبلیغ نیتوان تصور کرد . و همچنین لزوم تبرعات کریمانه زائد بر استطاعت تا سرحد فداکاری به منظور پیشرفت و تسریع در اتمام اینیه قوس کوه کرمل نیز در این عصر و زمان خدمتی است بزرگ و عندالله دارای اجری جزیل و از وظائف کلیه اهل بھاء است .

مطلوب دیگر اینکه بهداشت معهد اعلیٰ و عنایت حق سبحانه و تعالیٰ کنگره عظیم مدینه میثاق (نیویورک) با شرکت قریب سی هزار نفر از دوستان ممالک سراسر عالم از اقوام و قبائل مختلفه با آداب و سنت و لوان متنوعه در نهایت جلال با نظم و ترتیبی بی شبه و مثال که زبانزد خاص و عام بود

یاران عزیز الهی :

سننه مقدس نزدیک بانتها است و دقایقش بسی گرانبهاست و جلال و عظمت این سننه ممتاز سرنوشت ساز در نظر یاران هوشیار چون صبح صادق روشن و آشکار .

در این عصر نورانی خدمت بامر الهی در جمیع شئون زندگانی بهمه حال جالب و جاذب تائیدات لانهایه جمال اقدس ابھی است .

چون این سننه مقدس بپایان آید خادمان امرالله در میادین خدمت و هجرت و مبلغان پیشگام و آنان که بنحوی از انحصار باستان دوست یکتا خدمت نموده اند از کرده خود شاد و مسرورند و از انجام کار راضی و خشنود .

از این گفتار مباد گرد ملال بر دل صاحبدلان که بعلت اشتغال و یا تفافل توفیق خدمتی نیافته اند نشیند و اندوهگین شوند چه که ، در آینده نیز نقشه دیگری در پیش است و فرصت خدمت موجود و جبران مافات مقدور . هرچند مواهب الهیه غیر محدود است و ابواب عنایاتش همواره باز و هرکس بقدر استعداد و همتیش تواند از این مواهب نصیب برد ، ولکن دقایق عمر کوتاه است و اغتنام فرصت در حیات فانی محدود و زمان پایان آن غیر معلوم . اگر امروز خدمتی ننمودیم نمیتوانیم بگوئیم

در خور مجله عنديليب باشد و شايسته مقام عظمت سنّه مقدس لذا با مصلحت و مشورت تهيه كتابى را كه فضلي امر در سرتاسر عالم در آن سهمي داشته باشند در نظر گرفته شد و چون انتشارش نياز باذن و اجازه معهد اعلى داشت مراتب بعرض آن مقام رفيع البنيان رسيد در دستخط مبارك ۱۰

شهر العزه ۱۴۷ بدیع چنین میفرمایند :

« . . . معهد اعلى مقرر فرمودند مراتب سرور و رضایت ساحت رفيع با لجهنے مجللہ بمناسبت چنین تصمیم مبارکی ابلاغ و بتاکید یادآوری شود که نظر به عظمت شأن سنّه مقدس مذکور مسلماً آن خادمان غیور آستان جمال قدم کمال سعی و دقت را مبذول خواهند فرمود که نشریه مزبور از هر حیث مکمل و آراسته باشد تا شايسته تقدیم بچنین واقعه خطیری گردد . ضمناً از آنجا که سنّه مقدس برای تجلیل و تکریم دو واقعه عظیم مخصوص گشته اگر میسر گردد که نشریه مستقل دیگری نیز بمنظور تعظیم و تفهمیم عهد و میثاق بدیع الهی تدوین و تنظیم گردد بسیار مطلوب و پسندیده خواهد بود . . . »

با توجه به عنایت غیر منظره بدون استحقاق خادمان عنديليب با استظهار به شمول تائیدات سبحانی و توجهات ساحت رفيع مرجع کل شروع بکار نمودند . حال بفضل الهی و عنایات مرجع کل كتاب سنّه مقدس بنام « محبوب عالم » در متجاوز از ۶۵۰ صفحه انتشار یافت و بسیاری از دوستان با

تشکیل و پایان یافت . جای همه دوستانیکه بجهاتی توانسته بودند در این کنگره بزرگ شرکت نمایند واقعاً خالی بود . این کنگره عظیم نمایانگر عظمت ظهور جمال مبارک و نشانه ای از نظم بدیع جهانی این امر نازینین بود که بهداشت مرجع کل باهل عالم ارانه گردید و حجت بر آنان بالغ شد .

و همچنین در آثار الهیه ذکر شده که اهل بهاء نباید « اجر احدی را انکار نمایند » بنابراین هرگز نباید از نظر دور داشت که مساعی عالیه جلیله محفل مقدس روحانی ملی بهانیان امریکا شیدالله ارکانه در سرپرستی کنگره و نظم و ترتیب آن شایان تکریم و تجلیل است . و همچنین فداکاری و زحمات هیئت های مجلله منتخبه سزاوار تقدیر و تمجید .

از آنجا که در این شماره عنديليب مختصر شرحی که یکی از دوستداران و مشتاقان عنديليب راجع بکنگره مدینه میثاق مرقوم داشته درج گردیده و عکسهايی نیز از مرکز جهانی واصل در قسمت اخبار مصوّر چاپ شده لذا از این مبحث میگذریم چون این مبحث را پایانی نیست .

ياران باوفای اسم اعظم :
شما عزيزان شماره ۴۲ و ۴۴ مجله عنديليب را که راجع به عهد و میثاق نير آفاق بود حتماً خوانده و از مقالات آن حظی وافر برده ايد . شرح اين تغيير سبك بر خلاف روش متداوله عنديليب بدین گونه است که قبل از آغاز سال مقدس اين خادمان نظر باهمیت و عظمت سنّه مزبور بفکر خدمتی افتادند که

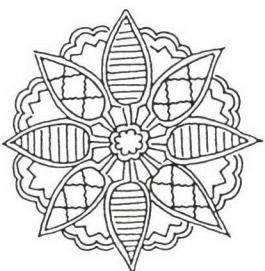
حاضر مجله مربوط باغاز دوازدهمین سال انتشار مجله است ، حمد جمال قدم جل اسمه الاعظم را سرزاست که توفیق خدمت فرا راه داشت که در این مدت طولانی هیچ حائلی مانع نشد تا وقفه و تعطیلی در انتشار عنديليب حاصل آيد و آواي اين مرغ خوشگو در اين مدت باقطار شاسعه عالم رسيد .

حال سعى اين هيئت بر آنست که در امور مجله بهبود و پيشروختي قابل توجه حاصل آيد که مورد پسند دوستداران عنديليب و اهل ذوق و احبابی الهي قرار گيرد . هرچند تاخير انتشار مجله گاهي دوستان زود رنج مشکل پسند را دلگير نموده ولی باز با انتشار آن خوشنوش و شادمان شده اند .

انشاء الله از سال ۱۲ به بعد اميدواريم با رفع مشكلات مرتبا هر فصل يك شماره مجله انتشار يابد و مشتاقان عنديليب و احبابي عزيز الهي مطالب مندرجه آن را مورد استفاده قرار داده و اين ضعفا را از دعای خير محروم نفرمایند .

باتقدیم تحيات بهائي

هيئت تحريريه عنديليب



دریافت آن و مذاقه در نفاست و آثار منتشره ، این ضعفا را مورد تشویق و تفقد قرار داده و اظهار امتنان و قدردانی کرده اند از محبت و لطف اين نفوس روشن ضمير پاکدل متشرک و ممنونیم .

ولي آنچه بيسير اين خادمان را سرافراز و شادمان نموده توجه و عنایت معهد اعلى است که در مرقومه خطاب به محفل مقدس ملی بهائيان کانادا اظهار رضایت فرموده اند (متن انگلیسي اين مرقومه در نشریه محفل مقدس ملی بهائيان کانادا انتشار یافته) و همچنین در دستخط شریفی صادره از دارالاشهاء خطاب به هيئت تحريريه عنديليب مراتب خرسندی و رضایت آن ساحت رفيع بمناسبت انتشار كتاب محبوب عالم ابلاغ گردیده که دستخط مزبور در داخل صفحه اول مجله عينا گراور گردیده تا دوستان الهي و مشتاقان عنديليب در اين سرور و شادمانی با ما شريك و سهيم شوند .

بعلاوه انتشار شماره مخصوص عهد و ميثاق ، در خور وسع و استطاعت اين ضعفا در مقام شان و جلال و عظمت و اهميت عهد و ميثاق انتشار یافت (شماره ۴۴ و ۴۵ مجله عنديليب) و در اين شماره نيز مجدد راجع به اهميت عهد و ميثاق الهي در اين دور رحماني مباحثي اندراج یافته است .

بنابر جهات معروضه شكر خدا را که اين ضعفا به تأييد الهي از عهده انجام اين دو امر خطير در ظل توجهات و عنایت معهد اعلى برآمدند .

دوستان عزيز و مشتاقان آواي عنديليب شماره

نبوده بحسب مقتضيات زمان و مکان و بحکمت الهی بوده است و فضیلت و اكمیلت تعالیم الهی در این دور مقدس نبایستی ایجاد سوء تفاهم و گمان باطل وجود نقص را در ادیان گذشته تقویت نماید.

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه مفرماید ،

« مظاهر کلیه الهیه چون محیط بر کائنات من حیث الذات و الصفاتند و فائق و واجد حقایق موجوده و متحقق بجمعیع اشیاء لهذا علم آنان علم الهی است نه اكتسابی یعنی فیض قدسی است و انکشاف رحمانی لهذا شرایعی تأسیس نمایند که مطابق و موافق حال عالم انسان است زیرا شریعت روابط ضروریه است که منبعث از حقایق کائنات است مظہر ظہور یعنی شارع مقدس تا مطلع بحقائق کائنات نباشد روابط ضروریه که منبعث از حقایق ممکنات است ادراک نماید البته مقتدر بوضع شریعتی مطابق و موافق حال نگردد . انباء الهی مظاهر کلیه اطباء حاذقند و عالم امکان مانند هیکل بشري و شرایع الهیه دوا و علاج »

(مفاوضات مبارک م)

اول : دوره حضرت موسی عليه السلام :
پس از آنکه بنی اسرائیل با هدایت و راهنمائی آنحضرت از قطر مصر مهاجرت نموده و در اراضی مقدسه ساکن شدند تا خاتمه زمان و سلطنت حضرت سلیمان بالنسبه متحده و متفق بودند و لکن پس از فوت حضرت سلیمان ۱۲ سبط بنی اسرائیل

دلبر میثاق

۲ - تاریخچه عهد و میثاق : در این مبحث طولانی فقط بذکر رؤس مطالب اکتفا میشود . حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداه در اینمورد میفرماید : « در هر عهد و عصر مظاهر مقدسه الهیه نه عهدی و پیمانی ونه ایمانی و میثاقی ، در عصر حضرت ابراهیم در حق اسحق برکت دعائی و در عصر موسوی یوشع بن نون را از لسان حضرت مختصر مرح و ثنائی و در ظهور عیسیوی در حق شمعون بانت الصخره و علی هذه الصخره ابني کنیستی » بیان مجملی و در طلوع شمس محمدی در غدیر خم « من کنُت مولاه فهذا علی مولاه عبارت مختصری و در این کور اعظم و دور اقوم ظهور حق و طلوع شمس حقیقت که بجمعیع شئون متاز از سائر اکوار و مُشرق بر جمیع ادوار است . . . باشر قلم اعلی تأکید و توضیح و تشریح نموده تا مقر امر در این کور اعظم واضح و مبرهن گردد . »

(مکاتیب مبارک جلد اول صفحه ۲۴۲)

در اینجا ذکر این نکته مهم برای رفع هرگونه سوء تفاهم لازم است که بعقیده ما بهانیان هرکدام از ادیان و شرایع الهی در دور و زمان خود کامل و عاری از هرگونه نقص بوده اند و اگر نصوص خاصی مربوط به مسئله عهد و میثاق و جانشینی

محفوظ گردانید و بعداً موبidan از روی آن استنساخ می نمودند اسم کتاب نازلۀ حضرت زردهشت اوستا (یعنی اساس و بنیان) است . زند تفسیری است که برای اوستادر زمان ساسانیان نوشته شده و لکن چون زند بزبان پهلوی و مشکل بود بعداً تفسیری بر آن در پاورقی بزبان اوستائی نوشته اند که بنام پازند است . تفسیر بزرگ بر اوستا بنام دینکرد است که بقلم مؤبدان میباشد و در حقیقت دائرة المعارف زردهشتی است متأسفانه اسکندر که در سال ۲۲۱ قبل از میلاد تخت جمشید را آتش زد تمام آنها سوخت و نسخه دیگری از دینکرد که در آذربایجان بود باقی ماند ، بعداً در زمان نورون و مقارن همان زمانی که انجیل نوشته میشد بعلت اختلاف بین مؤبدان بدستور اردشیر ساسانی و پسرش شاپور یکی از مؤبدان آنچه را که صحیح میدانست جمع کرده و اوستای تازه ای نوشت و بدین جهت بعضیها او را زردهشت ثانی نام نهاده اند . این شخص (مؤبد مؤبدان بنام آذرید) نویسنده خرده اوستا نیز هست . بعد از حمله اعراب زردهشتیانی که بهندوستان مهاجرت کرده بودند با باقیمانده کتب و صحائف خود و آنچه که در سینه داشتند آثار حضرت زردهشت را مجدداً نوشتند . بنابراین ملاحظه میفرمایید که اصولاً نصّ صحیح و دقیقی از آنحضرت نمانده است و هم اکنون بین زردهشتیان یزد و کرمان و طهران و هندوستان هم در اصول و هم در فروع و انجام مراسم اختلافاتی موجود است .

بمخالفت یکدیگر قیام نموده و بالاخره ده سبط آنان طرفدار یارِ عام بن نبات که از نسل حضرت یوسف بود شدند و دو سبط دیگر رَحَبَعام پسر حضرت سلیمان را انتخاب نمودند و یارِ عام در مدینه سامرہ مذبح و گوسله زرین (گوسله سامری) مشهور را بنا کرد که جریان مفصل آن در کتب تاریخ موجود است و بالاخره قوم یهود بازهم به فرق مختلفی تقسیم شدند از قبیل فریسیون Pharisees (آنها حسیدیم) یا اسیدین Assidean نیز میگویند که بقیامت و بقای روح معتقدند و چندان در فعالیتهای سیاسی دخالت نمیکنند و بیشتر بعبادت مشغولند) و صدوقيون Saducees (که اهل مذبح و کیسه Temple و اداره آن هستند اینجا بقیامت و بقای روح معتقد نیستند و اهل دنیا و سیاست اند) و اسینيون Essenes (که گوشه گیرند و ازدواج هم نمیکنند) و غیره که شرح آن مفصل است . علت اصلی این انشعابات دو موضوع است یکی عدم نصّ و دیگری وجود اجتهاد و تعبیر و تفسیر .

دوم : دوره حضرت زردهشت :

كتب و آثار هیچ دیاتسی در تاریخ باندازه آثار حضرت زردهشت دستخوش حوادث و تغییرات نگشته است جاماسب (داماد حضرت زردهشت) بیانات حضرت زردهشت را ابتدا با طلا بر دوازده هزار چرم گاو بزبان دین دبیره که میگویند اختراع خود حضرت زردهشت است نوشته و در گنج شاهانه

هر مجمعی که بین مسیحیان بوقوع می پیوست فرقه جدیدی اضافه میشد . اختلافات عمدۀ مسیحیان اغلب در باره شعائر سبعه است که عبارتست از عشاء ربانی Communion . غسل تعمید Confirmation . اعتراف بگناه Confession . تأیید Baptism .

(طفل طی مراسمی رسماً عضو کلیسیا میشود) .
· Anointing . تدهین Marriage . ازدواج
دستگذاری Ordination (انتخاب خدام کلیسیا)
تعداد فرق مسیحی زیاد و شرح آن از حوصله این مقاله خارج است .

جناب دکتر قدیمی روحی لخلوشه الفدا کتاب مفصلی در این باره مرقوم و منتشر نموده اند طالبین لطفاً مراجعه فرمایند .

چهارم : دوره اسلام :

قرآن مجید در حدود بیست سال بر قلب ممرد حضرت رسول اکرم ص نازل شد . کتاب متعددی در نوشتن آیات نازله پیغمبر اکرم را کمک نیمودند از جمله ابی بن کعب انصاری زید بن ثابت ، عبدالله بن سعد بن ابی سُرْح . عثمان بن عفان . معاویه و غیره تقریباً دو سوم قرآن در مکه و یک سوم آن در مدینه نازل شده . آیات مکیه بیشتر راجع باصول دین و مسائل اخلاقی است و آیات مدینه بیشتر راجع بقوانين و احکام است . از ۱۱۴ سوره و ۶۶۶ آیه قرآن (آیه قرآن که نفر و دلکش است ۶۶۶ است) فقط حدود ۲۰۰ آیه

سوم : دوره حضرت مسیح علیه السلام :

تعداد مؤمنین بحضرت مسیح در موقع شهادت آنحضرت حدود ۱۲۰ نفر بودند ، بعد از شهادت آنحضرت اشخاص زیادی اقدام بنوشتند یادداشت‌هایی از بیانات مبارک که در سینه داشتند نمودند و میگویند حدود ۶۰ انجیل نوشته شده که بالآخره ۴ عدد از آنها عمومیت یافته و مقبول واقع شده . انجیل متی بوسیله لاوی نوشته شده که شغل قبلی او با جگیری بوده . انجیل مرقس میگویند بوسیله مرقس و تحت نظر پطرس نوشته شده انجیل لوقا بوسیله لوقا که یک طبیب یونانی بوده نوشته شده و میگویند که رساله اعمال رسولان را نیز او نوشته است . این سه انجیل چون شبیه هم هستند بآنها همنوا میگویند . انجیل یوحنا مفصلتر است و سبک آن با دیگران فوق دارد و میگویند مکاشفاترا او نوشته که آخرین قسمت عهد جدید است . در ابتدا همه مسیحیان از پاپ که جانشین پطرس بود بمصدق خطاب تو سنگ هستی و من کلیسیای خود را بر روی تو بنا میکنم تبعیث میکردند و لکن بعد از آن که قسطنطین کبیر که با ایمان خود باعث رواح مسیحیت گردید پایتخت خود را در اسلامبول قرار داد اسقف بزرگ قسطنطین را مجبور بر اطاعت پاپ نمیدانست و بالآخره کلیسیای شرق از غرب جدا شد (کاتولیک و ارتودوکس) سپس اختلافات زیادی بین کشیشهای مسیحی در مسئله تثلیث (آب - ابن - روح القدس) افتاد و خلاصه در طول تاریخ بعد از

معروف حافظ :

جنگ هفتاد و دو ملت را همه عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زند

شاهد آنست. شیعیان از نظر اعتقادی بسه طبقه اصولی، اخباری و شیخی تقسیم میشوند و ۷ فرقه اصلی آن ها عبارتست از غلّة (که در حق حضرت امیر غلو کرده اند و میگویند ما علی را خدا نمیدانیم از خدا هم جدا نمیدانیم) حنفیه یا کیسانیه (طرفداران محمدحنفی برادر امام حسین ع) زیدیه (طرفداران زید برادر کوچک امام محمد باقر ع)، اسماعیلیه (طرفداران اسماعیل پسر ارشد امام جعفر صادق ع) . واقفیه (معتقد بغیت امام موسی کاظم هستند) ، صوفیه (بین سُنّی و شیعه مشترکند) ، شیخیه (طرفداران شیخ احمد احسانی) .

سُنّی ها در طول زمان بفرق متعددی از قبیل مالکیه و شافعیه و حنبلیه و غیره تقسیم گشته اند . بطور خلاصه ازاین تاریخچه چنین تیجه میتوان گرفت که بعلت عدم وجود نصّ قاطع در مسئلله جانشینی و بالنتیجه بعلت اجتهاد و تعبیر و تفسیر و دخول تمایلات بشری در دین آلهٔ شرایع مقدسه قبل در طول تاریخ اتحاد واقعی خود را از دست داده و گرفتار تفرقه و اختلاف گشته اند . حال ببینیم در این دور مبارک وضعیت چگونه است و بچه وسیله از بروز انشقاق جلوگیری گردیده .

مریوط باحکام و بقیه تاریخ و سرگذشت انباء میباشد. اولین آیه نازله بر پیغمبر اکرم « اقراء باسم ربک الذي خلق است و آخرین آیه الیوم اکملت لكم دینکم میباشد و هر دو این آیه ها در وسط قرآنند . کلمه سوره در زمان پیغمبر وجود نداشته و بعداً مُصحّفین هرچند آیه را جمع کرده و نام سوره بر آنها نهادند و جمله بسم الله الرحمن الرحيم را نیز باول هر سوره اضافه کرده اند (اصولاً کلمه سوره فارسی است = زوره) اسم قرآن را نیز از اسم که در متن آیات نازله وجود داشته (قرآن - فرقان - فصل الخطاب - ذکر) انتخاب کرده اد . اعراب گذاری قرآن بوسیله ابوالاسود و بدستور والی بصره انجام گرفت و نقطه گذاری آن در زمان عبدالملک مروان بوسیله نصر بن عاصم و یحییٰ یعمر که از شاگردان ابوالاسود بودند انجام شد .

بلافاصله پس از فوت حضرت رسول اکرم ص ملت اسلام پس از شرح واقعات مفصلی که ذکر ش از حوصله این مقال خارج است بدوگروه سُنّی و شیعه تقسیم شدند .

سُنّی ها روش شوری و انتخاب را انتخاب کردند و پیروان خلیفه شدند و شیعیان بحکم بیان حضرت محمد ص در غدیر خم که راجع بحضرت امیر فرمودند کسی را که من مولای او هستم این علی مولای اوست ایشان را پیشوا و امام دانستند که امامت در فرزندان ایشان نسل به نسل ادامه یافت و لکن پس از فوت هر امام پیروان دچار اختلاف و انشقاق شدند که شامل ۷۲ ملت است و شعر

میفرماید : « لایجوز العمل الآثار النقطه » و همچنین در باب ۱۱ از واحد چهارم میفرماید : « و من يتتجاوز عن حد البيان فلا يحكم عليه حكم الإيمان » پس بر طبق این دو آیه باید فقط احکام بیان را اجرا نمود ذیلاً نمونه ای از آن احکام ذکر میشود :

۱ - باب دهم از واحد پنجم بیان فارسی « لایجوز التدريس فی کتب غیر البيان الا اذا شاء فيه مما يتعلق بعلم الكلام »

۲ - باب پنجم از واحد پنجم « فی بیان حکم اخذ اموال الّذین لا یدینون بالبيان . . . شرط تجانس طهارت دین است نه دون آن »

۳ - باب ششم از واحد ششم « فی حکم محمو الكتب كلها الا ما انشأت او تنشئی فی ذلك الامر »

۴ - باب ۱۶ از واحد هفتم « فی ان الله قد فرض على كل ملك يبعث فی دین البيان ان لایجعل احدا على ارضه من لم یَدِن بذلك الدين و كذلك فرض على الناس كلهم اجمعین . . . ملخص این باب آن که بر هر صاحب اقتداری ثابت بوده و هست من عند الله بر این که نگذارد در ارض خود غیر مؤمنین به بیان را »

۵ - باب ۴ از واحد ششم « ما اذن الله ان یسكن على قطع الخمس غير حروف البيان » (فارس - آذربایجان - خراسان - مازندران و عراق)

۶ - باب ۸ از واحد نهم « فی حرمة تربیک و المسكرات و الدوا مطلقاً »

ما معتقدیم که نزول این احکام برای این بوده که

۲ - عهد حضرت باب اعظم : (عهد اعلی) حضرت باب در اکثر آثار خود اشاره بظهور من یُظہرہ اللہ فرموده اند . در ۲۰۰ مورد از بیان فارسی و در ۸۰ مورد از بیان عربی اشاره بظهور من یُظہرہ اللہ شده است بعضی اسامی دیگر متراوف با من یُظہرہ اللہ که در بیان ذکر شده عبارتند از: بقیة الله ، لقاء الله ، ظهور يوم قیامت ، شجره مدلہ علی الله ، شجره حقیقت ، نور حقیقت ، حقیقت اوّلیه ، مشیت اوّلیه ، کینونت ربانته ، طلعت قدم ، بهاء الله و غيره . ما بهائیان معتقدیم که منظور از من یُظہرہ اللہ جمالقدم جل اسمه الابھی است . ناقضین عهد ابھی و تعداد اندک بابیانی که در گوشہ و کنار وجود دارند معتقدند که شریعت بیان بایستی تا ۲۰۰۱ سال (سنه مستغاث) اجراء شود وسپس موعود بیان ظاهر شود ، اثبات مظہریت جمالقدم بر طبق نصوص بیان از حوصله این مقال خارج است و لکن محض استحضار خاطر خوانندگان عزیز بچند نکته اشاره می شود :

اول ادامه شریعت بیان بمدت ۲۰۰۱ سال با در نظر گرفتن احکام بیان که جنبه موقت داشته و فقط بمنظور مستعد کردن خلق برای پذیرش احکام من یُظہرہ اللہ نازل شده غیر عملی است زیرا نه فقط جنبه جهانی و عمومیت نداشته و فقط با مذاق و روحیه شیعه اثنی عشری ۱۵۰ سال پیش سازگار است بلکه اجرایش برای شیعیان بابی شده نیز صعب بلکه غیر ممکن است .

مثالاً در باب ۱۶ از واحد سوم بیان فارسی

ازاهل بیان شود بعد اجرای این حکم را مشروط فرموده بارتفاع امر من یُظہرہ اللہ و یا ارتفاع امر بیان و قبل از ارتفاع یکی از این دو امر نہی دارد. جان کلام در اینجا اینست که حضرت باب اول ارتفاع امر من نظره بالحق را ذکر میکند بعد ارتفاع امر بیان را و میدانیم که همانطور واقع شد . در قرآن مجید سوره زمر آیه ۶۸ میفرماید « و نفح فی الصور و انصعق من فی السموات و الارض الا من شاء اللہ ثم نفح فیه اخیر فاذاهم قیام ینظرون واشرقـت الارض بنور رتهـا » که کاملـاً صاعقه آسا بودن نفحـه اول و جهانگـیر بودن نفحـه دوم با دو ظہور حضرت باب و حضرت بهاءالله مصدق دارد . در بیان آیاتی هست که دلالت بر زندگی و حیات عنصری من یظہرہ اللہ در زمان حضرت باب میکند مثلاً

باب اول از واحد نهم بیان فارسی « و هر مجلس عزی که منعقد گردد بلا عدل سزاوار است که مکان عدد واحد را خالی گذارد که اگر آن ساعت من یظہرہ اللہ با حروف حـی ظاهر گردند (دلیل بر زندگی عنصری من یظہر همزمان با حروف حـی) کسی مقتنـن نگردد بجواهـریکه از بیان اخذ میشود در آن ظہور و اگر مجلس وسیع نباشد محل یک نفس اذن زیاده داده نشده و همچنین هر مقعدی محل یک نفس سزاوار است خالی گذارند زیرا که دیده میشود در بیت خود من یظہرہ اللہ هم این قسم ظاهـر است که از مقعد آن منع مینمایند او را چون نمی شناسند او را در احترام باسم او ولی او

توجه مردم را از فروعات منحرف و بظهور قریب الوقوع آتیه منعطف فرمایند . بعلاوه آثار زیادی از آنحضرت دال بر این است که نه فقط ظہور من یظہرہ اللہ نزدیک است بلکه او ممکن است در زمان آنحضرت حاضر و ناظر باشد و حتی ظہور من یظہر . قبل از ظہور خود حضرت باب منتشر شود . جمالقدم جل اسمـه الاعظم در کتاب اقدس اشاره بمطلب اقتران فی البیان فرموده و از آن استدلال بر انتشار امر خود قبل از انتشار بیان میفرمایند بدینطريق :

« قل لايحل الاقتران ان لم يكن في البيان و ان يدخل من احد يحرم على الآخر ما يملك من عنده الا و ان يرجع ذلك بعد ان يرفع امر من نظره بالحق او ما قد ظهر و قبل ذلك فلتقرن لعلكم بذلك امرالله ترافقون » . . . قد صرـح نقطـه البـیان فـی هذه الاـیه بارتفاع امرـی قبل امرـه یـشهـد لـذلك كلـ منصف عـلـیم »

در مورد ترجمه این آیه از بیان ، مرحوم ناطق اردستانی علیه غفران اللہ و بهائے عبارتی نوشته اند که مقبول واقع شده و آنرا عیناً جناب عزیزالله سلیمانی از یادداشت خود برای حقیر دیکته نموده‌اند و آن اینست :

حلـل نـیـست اـقـترـان و تـزوـیـج اـگـر هـر دـو طـرف اـز اـهـل بـیـان نـبـاشـنـد و اـگـر اـز یـک طـرف دـخـول در تـزوـیـج وـاقـع شـد کـه اـجـنبـی باـشـد بر آـن طـرف کـه اـزـاهـل بـیـان اـسـت حـرام اـسـت آـنـچـه رـا اـز زـوـج خـود تـمـلـیـک مـیـگـیرـد مـگـر آـن کـه آـن اـجـنبـی بر گـرـدد و

« قل يا مطلع الاعراض دع الاغماس ثم انطق بالحق
بين الخلق تالله قد جرت دموعي على خودي بما
اراك مقبلاً الى هواك و معرضاً عتا خلقك و سواك ،
اذكر فضل مولاك اذ ربيتاك في الليل والليالي و الايام لخدمة
الامر اتق الله و كن من التائبين ، هبني اشتبه على
الناس امرك هل يشتبه على نفسك خف عن الله ثم
اذكر اذكنت قائماً لدى العرش و كتبت ما القيناك
من آيات الله المهيمن المقتدر القدير ، اياك ان
تمنعك الحميّة عن شطر الاحدية توجه اليه و لاتخف
من اعمالك انه يغفر من يشاء بفضل من عنده لا اله
الا هوالغفور الكريم ، اتنا ننسحك لوجه الله ان اقبلت
فلنفسك و ان اعرضت ان رتك غنى عنك و عن
الذين اتبعوك بوهم مبين ، قد اخذ الله من اغواك
فارجع اليه خاضعاً خاشعاً متذللاً انه يكفر عنك
ستياتك ان رتك لهوالتواب العزيز الرحيم »

كتاب اقدس چاپ طهران صفحه ۱۷۲

يعني اي مطلع اعراض اغماس را رها كرده و مابين
مردم بحق گفتگو کن قسم بخدا چون می بینم که
تو بهوي و هوس خود رو آورده و از خداوندي که
تورا خلق کرده و از ديگران سوا کرده اعتراض
میکني اشك بر گونه هایم جاري میشود . بیاد آور
فضل مولای خود را هنگامی که در شب و روز
برای خدمت امر تو را تربیت مینمودیم از خدا
بترس و توبه کن . گیرم امر تو بر مردم اشتباه شده
آیا برای خودت هم اشتباه شده است ؟ از خدا
بترس و بیاد آور هنگامی را که در مقابل عرش

می شناسند کل را و میخندد بر عبادی که از
برای اسم این نوع اعظم واحترام ملاحظه مینمایند
ولئی يوم ظهور او از او محتجب میمانند »

در این آیه ملاحظه میشود که علاوه بر این که من
یظهره الله در زمان حیات عنصری آن حضرت و
حروف حق حاضر است حتی بعضی از منسوبيين و
مجالسيين با او نيز از مقام او اطلاع ندارند .
شواهد و آيات بيان در اين مورد متعدد است و
مخصوصاً بيان مبارك طوبی لمن ينظر الى نظم بها
الله و يشكر ربه (باب ۱۶ از واحد سوم) مستلزم
توضيحات مفصلی است که از موضوع اين مقاله
خارج است .

ازل در حقیقت هم ناقض عهد بيان است و هم
ناقض عهد جمالبارك ، اين شخص که از سizerde
سال از حضرت بها الله کوچکتر بوده و آنحضرت
وپرا منزله فرزند خود در دامن لطف و مكرمت
خویش پرورش دادند باغوای معلم و یار باوفایش
سید محمد اصفهانی چنان ظلمی بخود و بابیها نمود
که در تاريخ اديان بي سابقه است .

جمالبارك ميفرمایند :

« فوالذى تفرد بالقدرة والاقتدار که در کل ليل وال
ايان مثل آن که معلمين اطفال را حروف هجائيه
تعليم مینمایند بهمان قسم در تعليمش جهد بليغ
مبذول شد »

(جزء اول از مجلد ثانی مانده آسماني صفحه ۸۲)
در كتاب مستطاب اقدس او را مطلع اعراض لقب
داده و فرموده اند :

جالب آن که دو پسر یحیی ازل از پدرشان تبری
کرده و لااقل ظاهراً و موقتاً اظهار ایمان بجملبارک
نمودند در لوحی میفرماید :

» در خصوص ابن یحیی مرقوم نموده بودید مشرك
بالله را همین دليل بطلان کفایت که دو پرسش در
این ارض حاضر شدند و از او تبری جستند و
ثانی رساله در اثبات امرالله مرقوم نمود فی الحقیقہ
در رساله بقدر خوبیش کوشش کرد و اگر چنانچه
در باطن سری دارد خود میداند. ما نظر باین
شنون نداریم و سببی ندارد که سری داشته باشد
چون کسی او را دلالت ننمود و اصرار نکرد و خود
بنوشتمن پرداخت و بحسب ظاهر از برای او فایده
نداشت اگر چنانچه ثابت و راسخ نگردد باز خود
میداند. اما تابحال جز آثار اقرار از او امری ظاهر
نگشت و چند روز در اینجا بود و بقیرس مراجعت
نمود و متصل اظهار ایمان و ایقان مینماید فمن
شاء فلیؤمن و من شاء فلیعرض ان الله غنی عن
العالیین «

(اقتباس از محاضرات جلد دوم صفحه ۱۰۶)

دیگر از سران ناقضین عهد اعلی حاجی محمد
کریم خان ابراهیمی کرمانی است که با حضرت نقطه
اولی مخالفت نموده و خود را باب امام و رکن رابع و
جانشین سید کاظم رشتی نامیده و در کرمان از هر
نوع تهمت و افتراء و مخالفت با امر ابھی کوتاهی
نکرد .

در کتاب مستطاب اقدس درباره او چنین نازل شده :

(حضور جمالبارک) میایستادی و آنچه را از آیات
خداآوند مهیمن و قادر بتتو القاء مینمودیم می
نوشتی مبادا اینکه نخوت و نادانی تو را از توجه
بسی خداوند یکتا باز دارد باو توجه نما و از
اعمال خود مترس خداوند هرکه را بخواهد بفضل
خود می بخشد نیست خدائی مگر او که غفور و
کریم است ، ما تو را محض خدا نصیحت میکنیم
اگر پذیرفتی برای خودت است و اگر اعتراض کنی
پروردگار تو از تو و کسانی که از روی گمان تو را
پیروی میکنند بی نیاز است . خداوند کسی را که
تو را فریب میداد گرفته است (سید محمد
اصفهانی = دجال) پس در حال خضوع و خشوع و
تذلل بسوی خدا برگرد خداوند گناهانت را خواهد
بخشید بدرستیکه خداوند تو هر آینه تواب و عزیز
و رحیم است .

در یکی از الواح از لسان خادم الله میفرماید :

» علت و سبب اعظم کدورت جمال ابھی از میرزا
یحیی و الله الذي لا اله الا هو این بوده که در حرم
نقطه اولی (حرم ثانی که گویا تصرف نشده بود)
روح ماسواه فدah تصرف نموده با این که در کل
کتب سماوی حرام . و بی شرمی او بمقامی رسیده
که مخصوص زوجات خود را در مکتوبات خود حرام
نموده معذلك دست تعدی بحرم مظهر ملیک علام
گشوده فاف له و لوفائه و کاش بنفس خود قناعت
مینمود بلکه او را بعد ارتکاب خود وقف مشرکین
نموده (بسید محمد بخشید) «

(کتاب امر و خلق جلد اول صفحه ۵۷۲)

حضرت اعلیٰ نیز توقیعی برای او ارسال و او را بحق دعوت فرمودند که ابا و استکبار کرد و ذکر مفصل مطالب مربوط باو و پیروان و همدستان او از حوصله این مقال خارج است . بطور خلاصه در بررسی آثار حضرت نقطه اولی میتوان منابع زیر را بدست آورد .

اول - آثار حضرت نقطه بر پایه معارف اثنی عشر بنا شده و بتهنایی مصدق کامل نبوت گذشته و کافل احتیاجات حال و آینده دنیا نیست .

دوم - بیان دارای احکام غیر قابل اجرای زیادی است که جنبه تخریبی اوهام و خرافات و تشبات قبل را دارد و همان طوری که برای تجدید بنای یک خانه و قصر ابتدا تراکتورها و وسائل تخریبی لازم است تا زمین را برای پی ریزی و ساختمان جدید آماده کند احکام بیان نیز همان جنبه تخریب را داشته و زمینه ذهنی بابیها را برای پذیرفتن قصر مشید احکام جمال اقدس ابهی آماده کرده است .

سوم - بیان صراحتاً قرب ظهور من يظهره الله را بشارت داده (دستور تقدیم شیشه عطر بمن یظهر - خالی گذاردن صدر مجلس و غیره)

چهارم - بیان رسمًا بشارت به بهاء الله داده .

پنجم - در بشارات ادیان قبل وعده دو ظهور پشت سر یکدیگر داده شد و زمان و مکان و سایر مشخصات آنرا تعیین نموده اند .

ششم - ناقضین عهد بیان و موعد بیان جملگی خائب و خاسر گشته و از آنان اسم و رسمی باقی

« اذکروا الكَرِيمُ اذْ دَعَونَاهُ إِلَى اللَّهِ إِنَّهُ اسْتَكْبَرَ بِمَا اتَّبَعَ هُوَيْهِ بَعْدَ اذْ ارْسَلْنَا إِلَيْهِ مَا قَرَّتْ بِهِ عَيْنُ الْبَرْهَانِ فِي الْإِمْكَانِ وَ تَمَّتْ حِجَّةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ . اتَّا امْرَنَاهُ بِالْأَقْبَالِ فَضْلًا مِنَ الْغَنَّى الْمُتَعَالِ اَنَّهُ وَلَئِنْ مَدِرَّاً اَلِّيْ اَنْ اَخْذَنَهُ زِيَانِيَّةُ الْعَذَابِ عَدْلًا مِنَ اللَّهِ اَنَّا كَنَّا شَاهِدِينَ »

یعنی بیاد آورید کریم را هنگامی که او را بسوی خداوند دعوت نمودیم از هوای خود پیروی کرده و استکبار نمود بعد از آن که برای او فرستادیم آنچه را که بآن چشم برهان روشن شده و حجت خداوند بر اهل زمین و آسمان کامل میگردد، ما او را محض فضل خداوند غنی متعال امر باقبال کردیم ولی او پشت بحق کرد تا این که آتش عذاب او را اخذ نمود . این عدل الهی بود که ما شاهد آن بودیم .

در لوحی از قول خادم میفرماید :

« در کاف و راء (کرمان) نعیق مرتفع و مطلع ظنون و نفاق بکمال مکر و حیله و کلمات جعلیه نفوس ضعیفه را از مالک احادیه منع نموده و بنایه کذبه دعوت مینمایند و مع آنکه ابدآ از این امر اطلاع نداشته و ندارند محض هوی از مالک اسماء اعتراض جسته و در تیه اوهام سرگردان »

(مانده آسانی جلد ۷ صفحه ۱۷۷)

این شخص خود را عبد اثیم کریم بن ابراهیم مینامید و جمالبارک در ایقان شریف آیات سوره دخان از قرآن مجید را « شجرة الذقوم طعام الاثیم » در وصف الحال او ذکر میفرمایند .

نمانده است ،

تنها شامل احکام و قواعد و حدود و فرانضی است که نظم بدیع الهی بر آن قائم و مؤسس است بلکه وظیفه مقدسه تبیین و تفسیر آیات را که بمرجع منصوص و مبین مخصوص محل گردیده هم چنین مؤسسات ضروریه ای را که حافظ وحدت و جامعیت امر الهی است تعیین و تنصیص می نماید . . . در آن سفر کریم مؤسسه عظیم الشأن بیت العدل را انشاء و وظائف مخصوصه آنرا تعیین و واردات آنرا مشخص و اعضاء آنرا بعنوان « رجال عدل » و « وكلاء الله » و « امناء الرحمن » تسمیه میفرماید و همچنین مقر امر و مرکز عهد و پیمان خویش را تلویحاً تعیین و اختیار تبیین آیات و تفسیر کلمات کتاب را بفرع منشعب از اصل قدیم مفهوض مینماید و نیز مؤسسه ولایت امر را با اشاره ضمنی پیش بینی و قوه نافذه و دافعه نظم بدیعش را تبشير و مقام عظیم و منبع « عصمت کبری » را توضیح و اختصاص و تعلق آنرا بمنظار مقدسه الهیه تشریح و عدم امکان ظهور مظهر امر و شارع جدیدی را قبل از اتمام الف سنه کامله تصویر میفرماید .

(کتاب بدیع - اقتباس از حدائق میثاق صفحه ۶۱)

جمالبارک در چهار موضع از کتاب مستطاب اقدس مستقیماً اشاره به صعود عنصری مبارک فرموده اند که بترتیب نزولی ذیلاً ذکر می شود :

اول - « يا اهل الارض اذا غربت شمسَ جمالٍ و سترت سماء هیکلی لا تضطربوا قوموا على نصرت امری و ارتفاع کلمتی بین العالمین ، انا معکم فی كل

۴ - عهد ابھی :

حضرت بهاء الله جل اسمه الابھی در مورد عهد و میثاق خویش کوچکترین جای ابهامی باقی نگذاشتند و از همین لحاظ است که میثاق مبارک به میثاق وثیق ، قویم ، شدید ، غلیظ و غیره منسوب شده است . حضرت ولی عزیز امralله در اینمورد چنین فرموده اند :

« این سفر کریم (کتاب اقدس) مخزن لنالی الهیه و منبع فیوضات سبحانیه نظر بوضع اصول و تعالیم مقدسه مرجوعه بجانشینی شارع قدیر در بین صحف و اسفار سماویه بی نظیر و مثیل و عدیل است زیرا بر خلاف تورات و سایر زبر الهیه که قبل از آن کتاب نازل و در هیچیک اوامر و دستورات شارع شریعت و عامل رسالت ربانية بتحولی که خود بیان فرموده مدون و مسطور نیست و برخلاف انجیل که در آن کلمات و بیانات محدودی که بحضرت مسیح نسبت داده شده هیچیک حائز دستور صریح و روشنی نسبت بطرز اداره امور آتیه آن دیانت نمیباشد و حتی بر خلاف قرآن که باوجود صراحت و قطعیت احکام و حدود منزله از لسان پیغمبر اکرم در مسئله خطیر و مهم خلافت ساکت و صامت باقی مانده ، کتاب مستطاب اقدس من البدو الى الختم از قلم شارع مقدس این دور اعظم تنظیم و تدوین گشته و این سفر قویم نه

اول در آخر جاری شود (کتاب حیات عنصری من بسته شود) به من اراده الله که ازاین اصل قدیم منشعب شده توجه کنید .

چهارم - « يا اهل الانشاء اذا طارت الورقا عن ايك الثناء و قصدت المقصد الاقصى الاخفى ارجعوا ما عرفتموه من الكتاب الى الفرع المنشعب من هذا الاصل القويم »

(اقدس چاپ طهران صفحه ۱۶۴)

يعنى اى مردم هنگامی که کبوتر از آشیانه ثنا پرواز کند و قصد مقصد الاقصای پنهان را نماید آنچه را که از کتاب نمیدانید بفرع منشعب از اصل قويم رجوع کنید .

سپس در کتاب عهدی يعني وصیت نامه مبارک میفرمایند :

« وصیت الله آن که باید اغصان و افنان و منتسبین طرراً به غصن اعظم ناظر باشند . انظروا ما انزلناه فی كتابی القدس اذا غیض بحر الوصال مقصود از این آیه غصن اعظم بوده كذلك اظهرا نا الامر فضلاً من عندنا وانا الفضال الکریم ، قدقدتر الله مقام الغصن الاکبر بعد مقامه انه هو الامر الحکیم ، قد اصطفینا الاکبر بعد الاعظم امراً من لدن علیم خبیر »

متاسفانه بلافاصله پس از اعلام لوح عهدی غصن اکبر مخالفت خود را با حق شروع کرده و ازاین امتحان بزرگ الهی رفوزه و مخدول و مغبون گردید .

جمالبارک در یکی از الواح راجع بمیزا محمد علی ناقض اکبر چنین فرموده اند :

« انا انطقتنا النبیل قبل علی (محمد علی) فی صغره

الاحوال و ننصرکم بالحق انا کتا قادرین »

(کتاب اقدس چاپ طهران صفحه ۲۶)

يعنى اى اهل زمین هرگاه خورشید جمال من غروب نماید و آسمان هیکل من پنهان شود مضطرب نشوید ، بر نصرت امر و ارتفاع کلمه من ما بین جهانیان قیام نماید ، ما در جميع احوال با شما بوده و شما را بحق یاری خواهیم نمود ، ما بهمه چیز تواناییم .

دوم - « يا قوم لا يا خذکم الاضطراب اذاغاب ملکوت ظهوری و سکنت امواج بحر بیانی انَّ فی ظهوری لحكمة و فی غیبتی حکمة أخرى ما اطلع بها الا الله الفرد الخبیر ، و نریکم من افقی الابھی و تنصر من قام علی نصرت امری بجنود من الملائکة الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین »

(اقدس چاپ طهران صفحه ۵۲)

يعنى اى قوم هنگامی که ملکوت ظهور من غایب شود و امواج دریای بیان من ساکن گردد مضطرب نشوید زیرا در ظهور من حکمتی است و در غیبت من حکمتی دیگر وهیچکس بجز خداوند یکتا و آکاه از آن (حکمت) مطلع نمیباشد و ما شما را از افق ابھی می بینیم و کسانی را که بر نصرت امر من قیام میکنند با لشکریانی از ملء اعلی و گروھی از ملائکه مقریین یاری میکنیم .

سوم - « اذا غیض بحر الوصال و قُضى كتاب المبدء فی المال توجھوا الى من اراده الله الذى انشعب من هذا الاصل القديم » (اقدس چاپ طهران صفحه ۱۱۴)

يعنى هنگامی که دریای وصال فرو رود و کتاب

آورد ، دوستان جمالبارک را سرشک خوینی از دیده
جاری کرد و دشمنان حق را خوشنود و شادمان
نمود بسا طالبان حقیقت را بنقض عهد از امرالله
بیزار کرد و امت مایوس یحیی را امیدوار نمود
خویشتن را منفور کرد و دشمنان اسم اعظم را
جری و جسور نمود . آیات محکمات را بگذاشت و
القاء شباهات کرد و اگر تأییدات موعدوده جمالقدم
پی در پی باین لاشیئ نیرسید بلکه امرالله را محو
ونابود می نمود و بنیان رحمانی را از اساس بر
میانداخت . »

(الواح وصایا)

ناقض اکبر بقدرتی در مخالفت و جسارت نسبت
بحضرت عبدالبهاء و ایجاد رخنه در امر مبارک
زیاده روی کرد که پس از مرگش حضرت
ولی امرالله آن مظهر رافت و رحمت فرمودند :
« یا نصراء الرحمن مرکز نقض و قطب شقاق پس
از آن که مدت ۴۰ سال در گوشه خزیده بود و از
حضیض ذلت بروق اشعه تائید را که بر چهل اقلیم
از اقالیم عالم پرتو افکننده مشاهده می نمود عاقبت با
دستی تھی و قلبی پرآه خائناً خاسراً متاسفاً
متسرساً بمقر خود راجع گشت فتبدل الغصن الاکبر
بالخطب الاکبر اذا تراه فی قعر الحجیم قد اخذته
زبانیة القهر من لدن منتقم قهار هذا ما و عدنا مولانا
فی الستر و الاجهار فتعالی و عده الصادق المقدس
البدیع ، حقیقت معدومه که بفرموده جمالقدم جل
اسمہ الاعظم اگر آنی از ظل امر منحرف شود معدوم
صرف خواهد بود بظاهر ظاهر نیز معدوم گشت و

لیشّهدن الناس قدرتی و سلطنتی ثمّ عظمتی و
کبریانی و لكن احبانی الجھلاء اتخاذوه شریکا
لنفسی و فسدوا فی البلاد و كانوا من المفسدين .
ملحظه نما که چقدر ناس جاھلند ، نفوسي که
تلقاء حضورند معذلك رفته اند و چنین سخناها
انتشار داده اند ، قل اَنَّهُ عَبْدٌ مِّنْ عَبَادِيْ قَدْ خَلَقْنَا
بِقَدْرَتِيْ وَ اَنْطَقْنَا لِثَنَاءَ نَفْسِيْ بَيْنَ الْعَالَمِيْنَ وَ اَنْكَرْ آنِيْ
اَنْ ظَلَّ اَمْرٌ مُنْحَرِفٌ شُوِّدَ مَعْدُومٌ صَرَفَ خَوَاهِدَ بُوْدَ «
(مانده آسمانی جلد چهارم صفحه ۲۶۱)

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه در مورد ناقض اکبر
چنین فرموده اند :

« ای ثابتان بر پیمان مرکز نقض و قطب شقاق
میرزا محمد علی چون منحرف از ظل امر شد و
نقض میثاق نمود و تحریف آیات کتاب کرد و
خلل عظیم در دین الله انداخت و تشییت حزب الله
نمود و ببعضاً عظیم قیام بر اذیت عبدالبهاء کرد
و بعداًوت بی نهایت بر این عبد آستان مقدس
هجوم کرد تیری نماند که بر سینه این مظوم
نینداخت و زخمی نماند که روا نداشت زهری نماند
که در کام این ناکام نریخت. قسم بجمال اقدس
ابھی و نور مُشرق از حضرت اعلی روحی لارقانهما
الفدا که ازاین ظلم اهل سرادق ملکوت ابھی
گریستند و ملاء اعلی نوحه و ندبہ نمایند و
حوریات فردوس بجزع و فزع آمدند و طلعت
مقدسه ناله و افغان کنند ، ظلم و اعتساف این بی
انصاف بدرجه ای رسید که تیشه بر ریشه شجره
مبارکه زد و ضربت شدید بر هیكل امرالله وارد

تحت طبقات عمق ارض مقر گزید ”

(مانده آسمانی جلد ۶ صفحه ۵۶)

۵ - عهد میثاق :

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه در الواح مبارکه وصایا بصریح بیان و با تاکید تمام نوه ارشد خود حضرت شوقی افندی ربانی را جانشین خویش قرار داده و لقب ولی امرالله را بر ایشان مخصوص نمودند چنانچه میفرمایند :

« ای یاران مهریان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه وایادی امرالله و احبابی جمال ابھی توجه بفرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوچه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند. زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء الله است و مبین آیات الله و من بعده بکرا بعد بکرا یعنی در سلاله او و فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود ، در تحت حفظ و صیانت جمال ابھی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است آنچه قرار دهنده من عند الله است »
(الواح وصایا)

میدانیم که در نبوات اشعیا از حضرت ولی عزیز امرالله به صبی یاد شده . در سفر یازدهم اشعیاء نبی مذکور است :

« و نهالی از تنہ یسئی بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ... و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید ... و طفل کوچک آنها را خواهد راند » دراین رؤیا تنہ یسئی اشاره بحضرت بهاء الله و شاخه اشاره بحضرت عبدالبهاء و طفل اشاره بحضرت ولی امرالله است . شیخ محی الدین عربی نیز پس از بشارت بظهور جمالبارک و حضرت عبدالبهاء میگوید « ثم يحكم الصبى صاحب وجه البهى و ويجلس على السرير حرف الشين »

مرکز میثاق چندین سال قبل از صعود در لوحیکه بافتخار سه نفر از احبابی ایران که در خصوص مرجع اهل بها پس از صعود مبارک سنوال کرده بودند میفرماید :

« ان هذا السر مصون في صدف الامر المختوم كاللؤلؤ المكنون و سيلوح انواره و يشرق آثاره و يظهر اسراره » این سه نفر عبارت بودند از آقا میرزا حیدرعلی اسکوئی و آقا میرعلی اصغر فربدی اسکوئی و آقا حاجی عباس اسکوئی .

حضرت عبدالبهاء انگشتی فیروزه جناب قدوس را بسیرزا هادی افنان (ابوی حضرت ولی امرالله) عنایت میفرمایند که بحضرت شوقی افندی بسپارند و آن انگشتی الان در محفظه آثار موجود است .

(این شخص مطروح زمان حضرت عبدالبهاء هم بوده) و تعداد زیادی از خاندان خود آنحضرت سریچی نموده و بالاخره خائب و خاسر گشتند که شرح اعمال و حرکات آنان مایه ملال است .

۶ - عهد ولایت و تأسیس بیت العدل اعظم : صعود ناگهانی حضرت ولی عزیز امرالله در انگلستان و عدم وجود وصیت نامه و جانشین مبارک جانگدازترین و نکان دهنده ترین و حیرت آورترین واقعه ای بود که در تاریخ امر بهانی اتفاق افتاد . این واقعه باعث امتحان و افتتان نفوس زیادی گردید و مصدق بیان مبارک « لهذا امتحان بمیان آید و افتتان رخ بگشاید تا صادق از کاذب ممتاز گردد » شد .

میتوان گفت که نقطه عطف تحول اساسی بعد از صعود حضرت ولی امرالله که باعث جلوگیری از انحراف و حفظ و نگهداری سیر ترقی امرالله در مسیر و جاده اصلی تکامل خود گردید ، ابلاغیه حضرات ایادی امرالله علیهم بھاء الابھی بوده است که در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ د قصر بهجی آنرا تهیه و هر ۲۶ نفر امضاء نموده و بعالم امر ارسال فرمودند آنان با ارسال این ابلاغیه و اقدامات مدبرانه و ملهمانه بعدی تا تشکیل بیت العدل اعظم الهی عملأ ثابت نمودند همانطوری که مولای محبوشان فرموده « حارسان مدنیت جهانی حضرت بھاء اللہ که در مرحله چنین است » میباشند ، قسمتهایی از آن ابلاغیه چنین است :

بقیه در شماره آینده

حضرت عبدالبهاء مکاتیبی را که میخواستند توسط شاه خلیل الله بایران بفرستند چون راه امن نبود شوقی را صدا میزنند که با دست خود نامه ها را در جیب شاه خلیل الله بگذارد و او فهمید که آنحضرت ولی امر آینده است .

جرح سبزواری نیز از ولایت آنحضرت قبل اگاه بوده و حضرت عبدالبهاء باو میفرمایند : خوب فهمیده ای قدر خود را بدان ولی باحدی ابراز منما . قضیه خانم آمریکانی و سنوال از حضرت عبدالبهاء و صدور الواح مبارک « یا امة الله ان ذلك الطفل مولود و موجود » را همه میدانید .

پدر جناب دکتر مؤید جناب خدابخش هم که مدتی در بیروت در خدمت حضرت ولی امرالله بودند از مقام حضرت اطلاع داشتند و بجناب دکتر هم گفته بودند .

یک خانم آلمانی مستخدمه بیت مبارک نیز از حضرت عبدالبهاء شنیده بود که فرمودند شوقی جانشین من است و در مجله شمس حقیقت چاپ آلمان سابقاً منتشر شده است .

حضرت عبدالبهاء قبل از صعود به محفل روحانی طهران امر میفرمایند که املاک امری را باسم شوقی ریانی نمایند .

با وجودی که اکثریت احباء پس از زیارت الواح وصایا بولایت حضرت ولی امرالله گردن نهاده و اطاعت نمودند معذلك تاریک دلانی چون آواره و صبحی و میرزا احمد سهراب و دکتر امین فرید

تضمین از غزل حافظ

شمس توحید در خشان به جهان خواهد شد
نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عال پیر دگر باره جوان خواهد شد
شجر روح به آفاق ثمر خواهد داد
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقاچ نگران خواهد شد
گلعداران به تماشا شده با صد عشرت
گل عزیز است غنیمت شمریدش صحبت
که باغ آمد ازاین راه وازان خواهد شد
فاخته نعره زنان آمده ، نالان صلصل
این تطاول که کشید از غم هجران بلبل
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد
رحمت عبد بهاء هست کنون نا محدود
مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود
چندگوئی که چنین است و چنان خواهد شد
جز تمنای تماشای جمال تو نبود
« حافظ » از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود
قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد

دور میثاق و جهان رشك جنان خواهد شد
سر مخفی همه مکشوف و عیان خواهد شد
شاهد بخت دگر باره ز رخ پرده گشاد
دل عالم شود از درد و غم و رنج آزاد
نویهار است وجهان شد چو ریاض جنت
همه شادان و غزلخوان به هزاران عزت
به چمن رخ زده با جعد پریشان سنبل
باغ افروخته از طلعت بی پرده گل
مه اردی شده عیداست و مقام محمود
رسد از غیب بقا برهمه پیغام درود
دلبرا مقصد « لیلا » به مه غیب و شهود
به خیالم همه این است و همین گفت وشنود

* همشیره جناب بصtar و مادر میرزا جلال شهید عین جمله ای است که ایشان در تمام مکاتبات و اشعارشان به کار میبردند محض اطلاع سردبیر گرامی عرض شد .

تاریخ زرین شهادت



جناب صابریان در تاریخ نهم فوریه ۱۹۸۲ میلادی توسط پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر و زندانی می شود و چون حاضر به تبریز از انتصاب به دیانت بهائی نگردید پس از دو سال و دو ماه زندانی بودن در تاریخ ۱۲ آپریل ۱۹۸۴ به رتبه پر افتخار شهادت فائز و بدون اطلاع خانواده و بدون اجرای مراسم بهائی دفن میگردد . روح پاکش در عالم بالا قرین بهجت و سرور باد . علیه رحمة الله و بهائه .

از ایشان دو پسر و یک دختر بنام های فرامرز ، فواد ، و ریلا باقی است که بحمد الله کل در ظل امر ثابت و مستقیم میباشند .



شرح حال شهید مجید

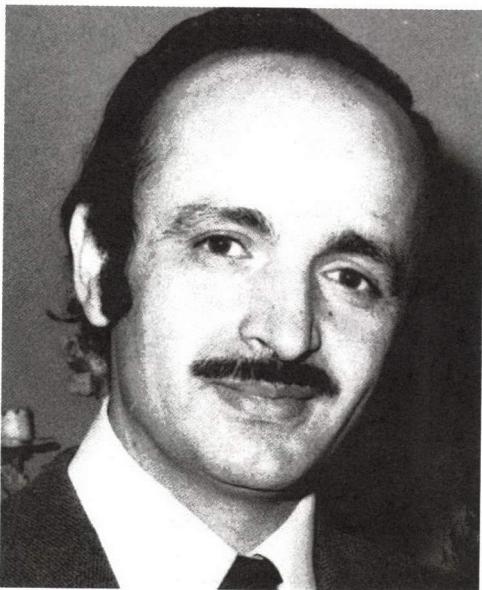
جناب یدالله صابریان علیه رضوان الله

یکی از شهدای امر در سالهای اول انقلاب اسلامی ایران جناب یدالله صابریان می باشد . پدر بزرگوارشان که از متمولین و ثرومندان سمنان و فردی مسلمان بوده با یکی از احباء بنام مفتون آشنا گشته تا اینکه بواسطه پاکی طینت و حسن طویلت مفتون جمال حضرت احادیث گردیده بجمع بهائیان می پیوندد . ایشان در سال ۱۳۹۹ شمسی صاحب فرزندی میشوند که نام او را « یدالله » می گذارند .

جناب یدالله صابریان پس از وصول به سن بلوغ شخصاً در صدد تحقیق برآمده و به امر مبارک مؤمن و در سلک خادمین آئین مقدس بهائی در میآید . چند سال بعد سمنان را به قصد طهران ترک و در آنجا مقیم گشته . در سن ۲۱ سالگی با صیبیه جناب آزادگان از احبائی کاشان ازدواج مینماید .

جناب صابریان حدود ده سال در سمت منشی محفل مقدس روحانی « نارمک » (حومه طهران) به خدمت مشغول و در اواخر ایام حیات پرافتخارش عضو لجنة تبلیغ منطقه ای و مدیر چاپخانه بدیع طهران بوده اند .

دکتر خلیل نامی



نمايند و به خانواده اش بسپارند . روزها در جوار يكديگر بودند و شب ها مشغول راز و نياز بدرگاه حضرت بي انباز . عزيز از كثرت مصائب متزلزل نگشت و در کمال ثبوت واستقامت مفترضين و معتبرضين را مقاومت نمود . قریب يکسال در زندان بسر برد و در این مدت دوستان و همكاران غير بهائي بدفعات و وسائل مختلفه به زندان مراجعه وقصد داشتند که ايشان را راضي نمايند که کلمه بر خلاف ايمانش بر زبان راند و از زندان رهائي يابد اما به مقصد نرسيدند زيرا عزيز از باده محبت جمال قدم و اسم اعظم سرمست بود و هرگز حالت تسلیم و رضا از قیافه محبوش دور نرفت . نگارنده بعد از صعود روح پاکش بملکوت ابهی دفترچه بغلی و تقویمش را

شرح حال شهید مجید يدالله محبوبیان عليه رضوان الله

روح مجردی بملکوت ابهی پرواز نمود . انسانی والا مقام و گرامی متواضع و فروتن با تدبیر وی ریا با خلوص نیت و صداقت ذاتی . جهای معروف به علم او را از ما گرفتند و داغ ننگ ابدی بر پیشانی خود باقی گذاشتند . همگان او را عزیز خطاب مینمودند . حقیقته عزیز و کم نظیر بود دوستان و همكاران بسياری داشت . از صفات عالی و انسانی او احترام به ديگران و مصاحبته با يار و اغيار و توجه به نيازها و خواسته های آنها بود .

بدین سبب همه او را محترم میداشتند حتی حسودان و دشمنان . صدیق و راستگو بود و همت عالی داشت و مقامی سامي قلبی پاک و روانی تابناک . باراده و امر جمال اقدس ابهی جل کبریانه در بوته امتحان و افتتان افتاد و با رخی تابناک موفق و پیروز سریلنگ و الامقام از عالم خاک به جهان افلاک تافت و به ملکوت اسرار پرواز نمود .

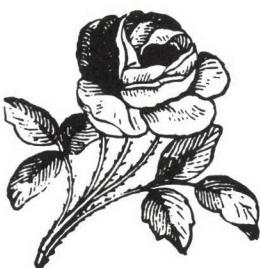
ايامي که در زندان اوين طهران بسر ميبرد . اييس و نديم جناب دکتور مسيح فرهنگي آن عاشق بي پاک امر بهاء بود . نامه اقرار و اعتراف به مظہريت جمال اقدس ابهی و متدين بودن به ديانات مقدس بهائي را باو سپرد که بوسيله اي از زندان خارج

صعود جناب محمد علی فیضی

نفس نفیس فاضل ارجمند جناب محمد علی فیضی
از عالم خاک بعال پاک صعود نمود و خادمان عنديب
را از داشتن همکاری بسيار گرامی محروم ساخت .
این هيئت در نهايَت تأسف صعود ايشان را
بخانواده جليله و احباء عزيز که با آثار بسيار
گرانبهای ايشان آشنا ميباشند تسليت گفته علو
درجات از برای آن مبلغ شهير در عالم بالا مستلت
مینماید .

صعود جناب نصرالله عرفان

ضمن اطلاع واصله شاعر گرانمايه جناب نصرالله
عرفان روی در نقاب خاک کشیده و بجهان جاودان
شتافت . مشاراليه از شعرای خوب عصر حاضر بود
که « گلبرگ عرفان » يادگاري از اوست .
روحش شاد و روانش تابنك باد .



زيارت نمودم اذکاري از حضرت رب اعلى و
مناجاتي چند از حضرت بهاء الله و حضرت
عبدالبهاء بخط زيباي خود نگاشته بود که در اثر
زيارت متولي کناره صفحات پاره و جدا شده بود .
عزيز در شهر همدان در خانواده اصيل و پاک
متولد و پس از طي مدارج تحصيلي به طهران نقل
مكان نمود .

در اندك مدتی بعلت تدبیر و پشت کار که از
صفات بارز عزيز بود در کسب و کار پيشرفت
قابل ملاحظه نمود و چون انساني راستگو و نجيب
و انسان دوست بود مشار بالبنان يار و اغيار
گردید . در سفر و حضر دوست نديم کم نظيري
بود . پس از ازدواج با خانم پري ارجمند زندگي
بس شيرين و نيكوئي را شروع نمودند .

ثمرة اين ازدواج دو دختر محجوب به نامهای شيوها
و نيكو هستند که يادگاري بس گرامي از پدر
مهرپرورشان محسوب و باتفاق مادر عزيزان
مصدر خدمات امري می باشند .

خون پاک و مطهر عزيز (يدالله محبوبيان) و
ساير شهدای امر حضرت رحمن در راه عظمت
آنين مقدس و جهانگير بهائي ريخته شد و بيان
مبارك حضرت سرالله الاعظم که ميفرمائيند « نصيب
عاشقان روی دوست جام بلا است نه جای صفا جان
باختن است نه علم افراختن » تحقق پيدا نمود .
زيرا به يقين ميدانيم که عزيز عاشق روی دوست بود .

ای ذبيح الله ز قربانگاه عشق

بر مگرد و جان بده در راه عشق

امروز یوم ۲۲ نوامبر ۱۹۹۲ است مدینه نیویورک به
قدوم عاشقان و شیدائیان و یاران و یاوران جمال
جانان از ابعد نقاط دنیا متجاوز از ۱۸۰ کشور
مختلف جهان مبارک است در حدود ۳۰ هزار نفر از
محبتان جمال قدم عزم مدینه میثاق نموده اند تا
بفرموده معهد اعلی « بنایندگی خواهران و برادران
روحانی خود در سراسر عالم وفاداری خویش را به
عهد و پیمانی که حضرت بهاء الله به میراث
گذاشته‌اند ابراز دارند . اینان خاطره نفس مقدسی
را احیاء خواهند نمود که بعنوان مرکز میثاق
منصوب گردیده و آن مدینه را بقدوم خود مزین
داشته و آنرا بنام « مدینه میثاق » تسمیه فرمود .
یاران مجتمع در این کنگره نیروی وحدت و
یگانگی را که تأمین آن برای جمیع مردم جهان
هدف چنین عهد و میثاقی است به منصه ظهور و
بروز خواهند رساند این اجتماع فرصتی است که
حائز اهمیت شایان برای جامعه بهائی در انتظار
جهانیان خواهد بود . ”

با چنین روحانیت و محبتی عزیزان جمال جانان در
یوم معهود در محل معقود حضور یافتند جای همه
دوستان خالی بود . غریو شادی و مسرت باوج
آسمانی میرسید . وقت مقرر فرا رسید محل کنگره
« جاکوب جاویتز سنتر » مملو از احباء عزیز بود .
کل مزین به کارت هائی بود که نام پیروان و
حامیان امر مبارکش در آن نقش بسته بود . ورود

گزارش دومین کنگره جهانی بهائی

« نیویورک »

« الیوم کل اشیاء از کلمه مالک اسماء در شوق و
اشتیاقند و از عرف نسمة الله در اهتزاز »

« حضرت بهاء الله »

« من منتظر آنم که نیویورک مبروك گردد و آوازه
ثبت بر عهد و میثاق از آن شهر باافق رسد »

« حضرت عبدالبهاء »

در این ایام کوتاه و رهیب است که عاشقان رسم
وفداداری به جهانیان می‌آموزند .

در فرودگاه‌های شهر بزرگ ممالک دنیا غوغائی بر پا
است ، احبا از هرگوش و کنار جهان دسته دسته
وارد می‌شوند قیافه‌ها همگی شاد و خندان سرمست
و سرخوش از باده پیمان سینه‌ها ملامال از محبت و
عشق و دلدادگی نسبت به یکدیگر . « خدایا این
چه فضی است که عنایت فرمودی و این چه
احسانی است که ارزان داشتی قلوب را حکم قلب
واحد دادی و نفوس را رابطه شخص منفرد » در
هر لحظه و آن دیده بدیدار عزیزی روشن می‌شد ،
جان تازه در کالبد افسرده میدمید . خاطرات محبت
های گذشته زنده می‌شد ، اشک شوق از دیده‌ها
روان می‌گشت آغوش گرم محبت باز می‌شد ، قلب
ها در محبت یکدیگر می‌طپید و هریک در ابراز
عشق دیگری پیشی می‌گرفت .

بلي اولين جلسه با تلاوت مناجاتهای پیاپی بزیانهای مختلف آغاز گردید . تو خود مفصل بخوان از این مجمل که در اثر تلاوت ادعیه مقدسه مبارکه آن منجی ام و محیی عالم به الحان خوش چه روحانیتی و نورانیتی دست داد . گروه موسیقی کُر که شامل ۴۰۰ نفر بودند اشعار امری بزیان های مختلف قرائت نمودند و گرمی بخش انجمن یاران شدند . سکوت آمیخته با احترام زاید الوصفی جمع را فرا گرفته بود . دیده ها مترصد ، قلبها در هیجان اشکها چون سیل از دیده ها روان بود آیا این روح مقدس حضرت عبدالبهاء من طاف حوله الاسماء نبود که با قلوب عاشقانش در این لحظه شور و نشور و تجدید عهد بندگی سخن میگفت ؟ لحظاتی چند گذشت ، پرگرام جلسه آغاز شد :

هاتف غیب چو گلبانک دلم را بشنید

ارمنغان لعبت زیبای گل اندام داد
هیکل زیبای ملکه عالم حضرت امة البهاء روحیه
خانم نماینده بیت العدل اعظم الهی رفع الله بنیانه
المشید در نهایت ایهت و جلال بر روی صحنه ظاهر
شد تعداد ۱۵ هزار نفر باحترام آن حضرت از جای
برخاستند و ادای احترام بوجود عزیزی نمودند که
یگانه یادگاری مولای مهریانشان در عالم ادنی بود .
کف زنهای ممتد نشانی از ابراز عشق و محبت
درون بآن خانم اهل بهاء بود . پیام جانبخش معهد
اقوم افخم یگانه حامی و پشتیبان مظلومان جهان در
نهایت ایهت و جلال و روحانیت توسط خانم اهل
بهاء قرائت شد که میفرمایند « اجتماع نفوسي از

تعداد متجاوز از پانزده هزار نفر بسالن مذکور با هلله و شادی منظره ای بسیار با شکوه داشت . حرکت قدم های عزیزان با نهایت ثبات و استقامت و امیدواری منظره ای بس زیبا و فراموش نشدنی بوجود آورده بود در چنین حالی بیان مبارک مرکز عهد و پیمانش بخاطر رسید و لسان جان و قلب به آن ناطق « رب اجعلنى غباراً فى ممر الاحباء و اجعلنى فداءً للارض التي وطنتها اقدام الاصفاء فى سبیلک » ایکاش جمال مبارک تن ضعیف این فانی را فدای اقدام پر هیمنه عاشقانش مینمود در آن اوقات احساسی دست داده بود که هرگز قادر بوصف آن نبوده و نیستم .

تعداد جمعیت در نهایت سکوت و آرامش و نظم و اتقان در سالن بزرگ مخصوص جای گرفتند اگر بخواهم از عظمت و جلال دکور صحنه کنفرانس سخن بگویم مثنوی هفتاد من کاغذ شود .

اگر عشق و محبت نبود چه کسی قادر بود اینهمه زیبائی و جلال و روحانیت و نورانیت را با نظم و دقیقت در هم آمیزد حاشا و کلا ، فقط معجزه عشق است که میتواند چنین خلقت بدیعی را بوجود آرد . در آغاز جلسه این دویت شعر بخاطر آمد .

این چه مجلس ، چه بهشت این چه مقام است اینجا
می باقی رخ ساقی لب جام است اینجا
گر در آئی بطری خانه ما با غم دل
همه گویند مخور غم که حرام است اینجا

و جلال یکی پس از دیگری همراه با تلاوت ادعیه و مناجات و اشعار روح و روان یاران را تسخیر کرده بود . تشریف فرمائی سه تن از ایادی معزّز امرالله حضرت امة البهاء روحیه خانم ، جناب علی اکبر فروتن ، جناب دکتر علی محمد ورقا یکی پس از دیگر بر روی صحنه سبب مزید هیجان روحانی گردید . یگانه یادگارهای مولای مهریان حضرت ولی محبوب امرالله ، حراس مدنیت نظم جنینی حضرت بهاء الله . خدایا این چه نعمتی است که عنایت فرمودی که باری دیگر دیده اهل بهاء به دیدار این عزیز ان روشن گردید . مظہر خضوع و خشوع و لطافت و روحانیت ، وجود عزیزان ، رفتار و سکناتشان ، بیانات شیرینشان از خاطرات ایام حضرت عبدالبهاء ، مرکز عهد و میثاق و فروتنی و احترام آنان بحضور ساحت امنع بیت العدل اعظم الهی کل درسی بزرگ جهت حاضرین بود .

دیگر از لحظات پرشور و هیجان این ایام قرائت پیام ریاست جمهوری کشوری که میفرمایند مهد نظم است یعنی ایالات متحده امریکا توسط جناب نلسن (قاضی) قرائت که قسمتی از آن درج میگردد « تعالیم بهائی در باره مدارای دینی و وحدت عالم انسانی و ترك تعصبات و تساوی حقوق زن و مرد و صلح عمومی اصولی را در بر دارد که تمامی مردمان خیر آن را میستایند و از آن پشتیبانی میکنند » بلي بیانات ایشان اولین فقره پیام مهیمن صلح جهانی را که توسط ساحت اقدس در

ملل و اقوام گوناگون که نماینده کثرت تنوع نژاد بشری است بخودی خود واقعه ای تاریخی و براستی نشان دهنده سطوت و توانائی و قوای مکنونه عهد و میثاق الهی است . این عهد و میثاق بحقیقت وسیله ایست که رب العالمین برای استقرار صلح و یگانگی بین ملل و اقوام روی زمین ابداع نموده است . . . »

بلي اینست ابداع جمال اقدس ابهی روح العالمین لترابه المقدسه الفدا . موجی از محبت و روحانیت و رقت و لطافت قلوب عزیزان را بحرکت آورد . این لحظات تجدید عهد بندگی و خدمت بود . این لحظات اتخاذ عزمی جزم جهت اثبات این بیان معهد اعلی بود که می فرمایند « امر بهائی دیانتی است جهانی و لایق و شایسته آنست که آنچه را مدعی است مورد شناسانی قوم قرار گیرد . » بلي این لحظات تجدید عهد محبت و اتحاد و هم بستگی کامل فیما بین یاران جمال جانان بود . این لحظات تجدید عهد جهت تبلیغ و ابلاغ این تعالیم جانبخش به عالیان بود . « خدایا قوتی ده تا مقاومت قبایل بسیط زمین نمائیم و قدرتی بخش تا چون بحر محیط موج بر ساحل شرق و غرب زنیم » « پروردگارا کل را تائید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گرددند و . . . خادم نوع بشر شوند . »

بلي ، دقایق و لحظات ایام پر عظمت کنگره بر خلاف میل و آرزو چون برق میگذشت . روزها پی در پی سپری میشد . برنامه های روحانی و پر ابهت

بستایشت گشایم . . . تقریر عین تقصیر است و
تحریر دلیل نادانی در این امر عسیر «
خطابه بیت العدل اعظم الهی ، آن رق منشور و
صحیفه نور توسط جناب دکتر دیوید روح قرائت
گردید .

رفت از سرم اندیشه هر فکر و خیال
ای جای تو خالی ای جای تو خالی

در این پیام آسمانی حجت به عالمیان اکمال گردید
و بیان مبارک کلمات مکنونه تحقق یافت که
میفرمایند :

« شهادت میدهم ای دوستان که نعمت تمام و حجت
کامل و برهان ظاهر و دلیل ثابت آمد تا همت شما
از مراتب انقطاع چه ظاهر نماید کذلک تمت النعمة
علیکم و علی من فی السموات و الارض و الحمد لله
رب العالمین .

دیگر از دقایق جانبیخش آن ایام بیاد احباب ایران
بود . عزیزانی که با ایثار جان و مال و زن و
فرزند نام نامی جمال مبارک را به آذان اهل عالم
رسانیدند . با ایثار قطرات پاک خون خویش و عود
حتمیه الهیه را تحقق بخشیدند . « ای پروردگار
این عزیزان ذلیل سبیل تو گشتند و این مه
رویان در راه محبتت بخون آغشته ، هر سینه ای
مانند آینه پاره پاره گشتند » « حنجر نورانی به
حنجر ظلمانی آزرده گشت و قلوب رحمانی بسهام
شیطانی خسته گردید ». همگان بپاس احترام به
آن جانبازان راه محبت و حقیقت بپا خاستند . کف

بقیه در صفحه ۵۴

اکتبر ۸۵ صادر گردیده بخاطر آورد . سپس پیام
فرماندار ایالت نیویورک و سخنان شهردار نیویورک
که رسماً و شخصاً در جلسه ایراد نمودند بیش از
حدّ بر ابهت و عظمت چنین اجتماع تاریخی بیفزود .
سپس پیام فرماندار ایالت نیویورک و پس از آن
سخنان شهردار نیویورک که رسماً و شخصاً در
جلسه ایراد نمودند بیش از حدّ بر ابهت و عظمت
چنین اجتماع جهانی بیفزود .

دیگر از آن لحظات زیبا و فراموش نشدنی برنامه
پر عظمت و جلال اتصال عالم بهانی بیکدیگر از
خلال ماهواره ها بود که ۹ نقطه جهان پیروان جمال
جانان با هم ارتباط یافتد . محبت و هم بستگی و
اتحاد را با یکدیگر مبادله نمودند و بشارات خوش
مراسم کنفرانسها در مناطق خویش را باطلاع
یکدیگر رسانیدند و بیان مبارک سلطان جهانیان
جمال اقدس ابھی را که در زندان عکا فرمود « این
یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است » را به
ظاهر ظاهر به عالمیان نمایاندند .

خدایا مددی فرما تا شرح عظمت و جلال آن معهد
معصوم توانم بیان کرد .

« بیت العدل الذى جعله الله مصدر كل الخير »
حامیان اهل بهاء ، مصدر مصون از خطأ ، بروی
صحنه ماهواره ظاهر شدند . عالمی از عظمت و وقار
و هیمنه و جلال ، خضوع و فروتنی ، خداوندا
چگونه میشود این همه تضادها را بصورتی چنین
زیبا در هم آمیخت . آنچه ازاین مقوله سخن رانم
صدق این بیان مبارک است « چگونه زبان

سنگ میخ ت

منتشر سازند و جمیع در آمد را بنفع اینیه قوس
کرمل گذارند و از این راه تبرعمی شایسته تقدیم
نمایند این نیت والا نیز سبب سرور معهد اعلی
گردید . *

در مکتوب دیگری خطاب به یکی از یاران در
خصوص این مشروع چنین اشاره شده است :
« آنجناب در صددند در خدمت گرانبهائی که
جناب سیحون تعهد نموده اند شرکت جویند و در
طبع و انتشار طراحیهای ایشان از اماکن متبرکه و
تاریخیه این شطر به صورت کتاب و غیره اقدام به
همکاری نموده تا نیت ایشان از در آمد کتاب
منتشره جهت اینیه حول قوس کوه کرمل جامه
عمل پوشد . چون این خدمت بصرافت طبع آنجناب
تعهد گردیده ... مراتب تقدیر و امتنان آن ساحت
رفع ابلاغ میگردد و اطمینان میدهد که در بقاع
متبرکه نوراء آنجناب را به ادعیه قلبیه یاد خواهند
فرمود تا ان شاء الله با معارضت هنرمند ارجمند
جناب هوشنگ سیحون اثر تاریخی نفیسی بوجود
آید و فوائد تاریخیه این تصاویر پایدار بماند . »
حضرت حرم امة البهاء طی شرحی از ملاحظه
مجموعه مزبور ابراز رضایت و سرور نموده احباء را
به تهیه و استفاده از آن تبریک گفته و اظهار
امیدواری فرموده اند که دوستان بتوانند بدینوسیله
به تقدیم تبرعماتی ارزنده برای اینیه قوس کرمل
موفق گردند .

متن کتاب مناظر متنوعی از اماکن متبرک و تاریخی
ارض اقدس است که با روشنی جدید نقاشی شده و روح

از جلوه های سال مقدس قرن صعود جمال اقدس
ابهی و استقرار عهد و میثاق . آثار هنری عده ای
از صاحبان ذوق است که از فیض امر الهی بارور
شده آثار بسیار زیبا و جانفزا آفریده اند .
اخیراً هنرمند ارجمند جناب مهندس هوشنگ
سیحون مجموعه ای از طرح ها و تصاویر قلمی از
اماکن متبرکه عکا و حیفا نقاشی نموده و به ساحت
معهد اعلی تقدیم نموده اند و نیت طبع و نشر آن
و تقدیم کلیه عوائد حاصله از آن را برای بنای
قوس کرمل معروض داشته اند . این مقصد شریف
مورد قبول ساحت اقدس واقع و در مکتوبی از
طرف دارالانشاء محترم بیت العدل اعظم چنین ابلاغ
شده است :

« طراحی و نقاشی هایی که از اماکن متبرکه و
تاریخیه عکا و حیفا نموده اند تا حدی نمودار
وضع و شکل آنها در عصر رسولی دور بهانی است
و از این جهت بسیار ذی قیمت است . تعداد چهل
و چهار قطعه * از آن طراحی های بدیع که در
این شطر ملاحظه شد بسیار موجب مسرت گردید
فی الحقيقة دست هنرمند آن یار ارجمند آثار
نفیسه ای بر جای نهاده که در قرون و اعصار
موجب استفاده اولوالابصار خواهد بود . »

نیت اصلی آن جناب چنین بود که این نقاشی ها را
با همکاری سایر یاران و مؤسسات امریه طبع و

مهندس سعید معتمد انجام گرفته و مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی در کانادا مسنولیت توزیع و نشر آن را متعهد گشته و قیمت آن نیز بعنوان تبع و تقدیم به صندوق مشروعات قوس کرمل به مبلغ یکهزار دلار آمریکانی (\$ 1000) تعیین شده است . تعداد ۱۲ قطعه از آثار مزبور نیز به صورت جداگانه و مستقل (به قطع ۶۸ در ۴۸ سانتیمتر) تهیه شده و ارزش هریک ۱۰۰ دلار میباشد . علاقمندان باید به آدرس ذیل مراجعه فرمایند :

در امریکا و کانادا :

Persin Institute for Baha'i Studies
P.O. Box 65600
Dundas, Ontario L9H 6Y6
Canada
Tel. : (426) 628 - 3040
Fax : (416) 628-3040

در اروپا و انگلستان :

National Spiritual Assembly of the Baha'is
of the United Kingdom
1/3 Ashbourne Parade
Ealing, London W53QS
United Kingdom
Te. : 81-566-9991
Fax. : 81-556-9994

بقیه در صفحه ۴۵

بدیع آن اماکن مصفای روحانی بنحوی بسیار زیبا جلوه ای شایسته نموده است .

مقدمه کتاب در معرفی استاد سیحون بقلم دکتر دیوید روح عضو محترم معهد اعلی است که قدر این هنرمند ارجمند را بشایستگی بیان داشته اند . معرفی اصل اثر را نقاش عالیقدر شخصاً به عهده گرفته و با اشاراتی هنرمندانه و مشتاقانه از احساسات روحانی خود که به خلق چنین اثری انجامیده یاد نموده و در خاتمه از سرکار خانم شفیقه فتح اعظم که مستقرآ در این کوشش و آزمایش ذوق و هنر ایشان را مساعدت کرده و جناب کامران صحیحی که به دست همت و فتوت وسائل نشر آن را فراهم ساخته اظهار امتنان کرده اند . مجموعه مزبور در محفظه زیبای مخصوصی عرضه شده و قطع آن ۳۰ در ۲۰ سانتیمتر است .

در خاتمه مطلب ، نکته ظریفی را که همه دست اندرکاران نشر این مجموعه در نظر داشته اند باید بیاد آورد که تنها مقصد از تهیه و نشر آن نوازش دل و دیده مشتاقان و هدف از فروش و توزیع آن تعهد سهی شایسته در کمک به صندوق مشروعات مبارکه قوس کرم است و دیناری از حاصل فروش بهیج کسی جز صندوق مزبور عائد نخواهد شد و کلیه مخارج اولیه نیز تبرعی برای تهیه مقدمات چاپ مجموعه بوده تا قیمت فروش همه مجلدات کلأ و یکجا با آن صندوق مبارک تسليم و تقدیم شود .

چاپ این کتاب در آلمان تحت نظارت خیرانه

فرهمند مقبلین (الہام)

" بعد از مراجعت از مرقد مطهر

حضرت ولی عزیز امرالله در هتل سروده شده "

بر آرامگاه حضرت شوقي

(جاي پاي بوسه ها)

يا پاي بسته اي که برون آرنش زيند
پاي دل فسرده من واشد از کمند

چون خسته مرغکي و رها سازنش زدام
جان من از اسارت هر دام شد رها

يا صبح روشنی که فراز آمده زراه
لبریز از نیاز و گریزنده از گناه

با عطر سوستني که فروخته در نسيم
من باز گشته ام ز ديار فرشتگان

جائی که عشق و جذبه گرفتست آشیان
وانجا که قصه گوی ملک مانده بی زبان

من باز گشته ام ز سرا پرده ای بزرگ
زانجا که نفمه ساز از ل رفته از خروش

آن ساعتی که دوش در آن لامکان گذشت
مزد دمی که بر من شوریده جام گذشت

آري زمان زنده دلي بود و خرمی
بالله که گنجهای جهان را نمی دهم

دل در فضای سینه من سخت می طهد
بس قصه ها که از درود دیوار می شنید

آنجا در آن سکوت سخنگوی رازدار
گوشم که بود تشهه افسانه های شوق

ياد آور شکوه و جلال فرشته بود
با خط تابناك چه زیبا نوشته بود

تصویر آن عقاب نشسته بر آن ستون
بر مرمر سپید ستون دست اوستاد

کو رفته این جهان سوی افلک جاودان
آرامگاه حضرت شوقی در این مکان

ممتاز غصن حضرت عبدالبهاست این
زنهر با ادب بزمین پا نهی که هست

اشگی که شوق دردل من آفریده است
چون خاک کوی دوست مرانوردیده است

ای چشمهاي من از اشک پر شويد
زبید که از غبار رهش توتیا کنید

تا روی بندگی بزمین آشنا کنم
مولای مهربان خودم را صدا کنم

سر می نهم بمرمر خوشرنگ پله ها
وز ماورای پرده آن سنگهاي سخت

تا ریزم این غبار قدم را بپای تو
ای شوقی عزیز وجودم فدای تو

من آمدستم از ره دوری باین امید
باری قبول کن که مرانیست بیش این

دارم بلب ز شوق وصالش حماسه ها
جا پای بوسه ها به سرو روی ماسه ها

اینك که باز آمده ام من ز کوي او
ماندست زان نياز مقدس در آن مقام

روح الله سخنور

نقل از صفحه ۴۳

سنگهاي گويا

با چنین تصویرهائی خلق رؤیا کرده ای
یاد او را در دل احباب احیاء کرده ای
هرچه گل در بوستان بودست رسوا کرده ای
کعبه مقصود را صحن تماشا کرده ای
مردگان را زنده ، بهتر از مسیحا کرده ای
کعبه را در خانه احباب بر پا کرده ای
ارض اقدس را بمنزل ها مهیا کرده ای
جای او رابی تمنائی تو افشا کرده ای
چونکه با دستان جادو سنگ گویا کرده ای

دیدم ای استاد سیحون باز غوغای کرده ای
آفریدی با هنر از کوی جانان نقش ها
باغی از گل آفریدی در حریم دوستان
نقش هایت نقش روی یار را آرد بیاد
با هنر جان آفریدی در درون سنگ و خاک
عاکفان کعبه را کردنی ز ماندن بی نیاز
هم نمودی زائران را فارغ از رنج و سفر
خلق میگشتند عمری در پی رب الجنود
آفرین بر ذوق پر بار و هنرمندانه ات

برگ درخواست خرید کتاب سال مقدس ۱۹۹۲

مجله عنديليب

نام

نام خانوادگی

آدرس كامل (الгин)

با قيد کد پستي

قيمت کتاب در کانادا ۸۰ دلار کانادا و در سایر کشورها ۸۰ دلار آمریکائی
(هرزئین پست و میلیات نیز شامل می باشد)

----- مبلغ ارسال ----- شماره چك -----

لطفاً این ورق را تکمیل و با چک معادل قیمت کتابهای مورد تقاضاً مرجع دارید.

از باران منیز تقاضاً داریم بغير از کشورهای کانادا و امریکا چک های ارسال را بصورت

چک بین اللل هاکی (Andalib) (Money order) در وجه (مرحومت فرموده و ۷۴

آدرس ذیل ارسال دارد.

Andalib

7200 Leslie Street
Thornhill, Ontario
Canada L3T 6L8

R is odd L is even

پاسخ

دکتر هوشنگ طراز

دیگر با اینکه پستانداران از خزندگان منشق گردیده اند آیا اصالت نوع دارندیا نه ؟ دنبال بحث به آنجا کشیده شد که انسان هم که ازیک رده حیوانی بوجود آمده و در اثر موتاسیون خصائی اضافی متعددی پیداکرده که در آن رده حیوانی این خصائی وجود ندارد آیا اصالت نوعی دارد یا یک حیوان دویاست ؟ برای آنها تشریح کردم که ناخن انگشت ماهم از طریق گوشت و خون انگشت ما بوجود می آید اما اصالت دارد و متمایز از گوشت و خون است . موی سر و بدن ما از طریق سلولهای پوست و گوشت و خون بوجود آمده اند اما اصالت دارند و مو هستند نه گوشت و خون . شاخ گاو هم نتیجه تکامل استخوان جمجمه گاو نیست . قاطر از امتزاج اسب و الاغ بوجود می آید اما نه اسب است نه الاغ بلکه یک نوع حیوان خاص یعنی قاطراست و اصالت نوعی دارد . یک گل و گلبرگ های لطیف آن از طریق شاخه خشن نبات بوجود می آید اما شاخه ویرگ نیست بلکه گل است و اصالت نوعی دارد . بهمین قیاس میوه یک نبات که از طریق تحولات خاص در مواد متخلکه و مواد محموله در عروق نباتی ریشه ساقه برگ و گل بوجود می آید هیچکدام از اینها نیست نه ساقه است نه برگ و نه گل بلکه میوه است و اصالت نوعی دارد . انسان هم از طریق یک رده حیوانی بوجود آمده اما اصالت انسانی دارد و حیوان نیست همه اینها طبق طرح

نامه سیزدهم

سرور گرام - نامه اخیر شما رسید و طبق معمول لطف و محبت فراوان بهمراه داشت . علاوه بر آن متنضم نکاتی جالب و تازه بود . اجتماع را به محاکمه کشیده بودی واژ روال و گردش اوضاع در ایران فعلی وزمان سابق یادکرده بودید و خدمات گذشته خودرا بر بادرفتہ شمرده و مرقوم فرموده بودید که رضایت خاطری از اوضاع ندارید و روزهای زندگی بی حاصل و بی ثمر در گذران است . در مقابل آنهمه فدکاری و خدمت فعلاً در این شرایط ناهنجار هستیم و گفته سعدی که بنی آدم اعضاء یکدیگرند بیشتر در مقام پند و اندرز بوده و نه بیان واقعیات . اشاراتی هم به تنازع بقاء ضعف اخلاق در اجتماع و حیوان منشی انسانها فرموده بودید معلوم شدکه بحث اصالت انسانی وجود استعدادهای روحانی در انسان که در مکاتبات گذشته بین ما مطرح بوده برای شما قانع کننده نبود و هنوز تمايل دارید که انسان را حیوان دو پا بدانید واژ رفتارش گله کنید . چند روز پیش وقتی سرکلاس درباره فرضیه داروین واصل و انواع Evoluion که آنرا بغلط تکامل معنی کرده اند صحبت میکردم بیادشما بودم و ذکر شما کردم . صحبت سرایین بود که انشقاق پستانداران از خزندگان آیا معنی اش این است که پستاندار یکنوع خزنده است یا اینکه پستاندار است بعبارت

بحث میکنید و من به جستجوی راه چاره هستم . شما راه چاره نمی شناسید وبالطبع تمام عوامل مؤثر در این فاجعه را محکوم میکنید من بازهم بدنیال راه چاره میگردم از نظر من مسئله این نیست که چرا ماشین شکسته و پنجر است و کی مسئول است . مسئله این است که چگونه این ماشین شکسته و پنجر را باید درست کرد و جان سالم بدربرد و بعد چه باید کرد که در آتیه چنین فاجعه ای برای ما رخ ندهد . راه علاج باید پیدا کرد ذکر مصیبت که دردی دوانی کند .

میگویند که زندگی ما ایرانیها عبارتست از حسرت بر گذشته و وحشت از آینده - و راست میگویند . علاوه بر این اصولاً زندگی را فقط محرومیت و دردسر می بینیم ترضیه خاطری نداریم و روای دنیا مارا رنج میدهد از رفتار وکردار خودمان ناراحتیم . اشتباهات گذشته و جاری ، کور خواندن در زندگی ، ندیدن و نفهمیدن واقعیات حیات آدمی ناخودآگاه مورث رنج و عذاب ماست . از رفتار وکردار دیگران هم رنج میکشیم چرا دیگران ما را استثمار میکنند چرا برای تامین منافع خودشان مارا لگدمال میکنند . چرا دیگران کارنکرده وزحمت نکشیده استفاده میکنند و ما نمیکنیم . چرا روابط اجتماعی مردم حالت رابط سوهان و آهن بخود گرفته و همه هم دیگر را رنج میدهیم . چرا - چرا - چرا !!! چقدر در این قدر قضاوت حق داریم بماند . مسئله آن است که با تمام این احوال از روای زندگی موجود نباید نالید . عطف به مشخصات اخلاقی

های بسیار دقیق و منظم از طریق عضو یا اعضاء دیگر بوجود می آیند و با تغییر و تحول در مواد قبلی مشخصات تازه پیدا میکنند و مشخصات قبلی را از دست میدهند و با این ترتیب انواع خاصی بوجود می آید که اصالت نوعی دارند و با آن مشخصات نو ظهور مامور انجام وظیفه مخصوص هستند . بعد ذکر کردم که سرور واستاد عزیزی دارم که معتقد است خیر انسان یک حیوان دوپا است ! و بعد مؤکداً متذکر شدم که نه به حرف من گوش کنید و نه حرف استاد من . عقل و فهم و شعور خودتان را قاضی کنید و آنچه را که شعور و فهم شما تصویب میکنند پذیرید .

اما در عین حال بدانید که علیرغم فلاسفه مادی و طبیعی ، دنیای علم در همه رشته ها اصالت انسانی را قبول دارد . سرور من شما هم اگر تصمیم گرفته اید که انسان فقط یک حیوان دوپا است مختارید تحمل عقیده در میان نیست موفق باشید . به نامه شما برگردم . قسمت عده آن برای من حالت ذکر مصیبت داشت . ایکاش راهنمائی میفرمودید که با این آدم ها با این حیوان های دو پا چه باید کرد . اعتراض به شرایط محیط که دوای درد نیست . کویر لوت دریک بعد از ظهر روزی از روزهای مردادماه جلو چشمانم می آید که ماشین حامل من و شما در آنجا شکسته و پنجر شده و میان بیابان سرگردان هستیم شما از نامرغوبی نوع ماشین و بدی جنس آهن آلات و بی لیاقتی سازندگان آن ماشین و خرابی وضع و ناهمواری جاده و بیابان

فرض بفرماییدکه در یک صف بیست نفری من نفر هفتم هستم . اتوبوس میرسد فقط چهار نفر اول صف که جلوتر سوار میشوند. دراین موقع نفرات پنجم و هفتم و هشتم با الحاج و اصرار هرچه تمامتر به مسافرین داخل اتوبوس که سریا ایستاده بودند تذکر میدادندکه آقایان - خانمهای - عقب اتوبوس جاهست لطفاً پیش بروید تا ماهم سوار بشویم . تلاش در آن بود که آنها را قانع کنیم که اتوبوس جادارد و میتواند مسافر بیشتر سوارکند. اغلب اوقات بهرنحوی بود باشار دادن مسافرها بداخل اتوبوس نفر پنجم و ششم سوار میشدند و من که هفتمی بودم بزور خودم راروی پله اتوبوس میرساندم و نیمی از بدنم خارج و نیمه دیگر داخل به نفرات قبلی که سوارشده بودند تاکیدمیکردم که اتوبوس جادارد جلوبروید. امادر همان حال به نفر هشتم که مرا به داخل اتوبوس زورمیداد تا سوار شود میگفتمن که آقا جا نیست . یک واقعیت روش را دریک زمان واحد با کمال دورنی دوچور ارانه میدادم . به مسافر قبل از خودم یعنی نفر ششم صف میگفتمن که اتوبوس جادارد و به مسافر بعداز خودم یعنی نفر هشتم صف میگفتمن که اتوبوس جاندارد. معیار این گفتار خودخواهی و منافع شخصی من بود. محور این عمل احتیاج و تمایلات شخص من بود. اتوبوس تا آنجا جا دارد و باید جاداشته باشد که شخص مرا سوار کند ولو مسافرها از شدت شلوغی و نبودن جادرجان حفه شدن باشند. و البته برای کسی که پشت سرمن ایستاده جا نیست چون سوارشدن او

جامعه ما این دقیقاً همان طوری است که باید باشد. از ماست که برماست .

باید بفکر راهی بود که زندگی بهمود پیداکند. وقتی که افراد بشر از استعدادها و مشخصات انسانی درروحانی خود غافلند و به مشخصات حیوانی خود تکیه دارند جز همین نوع زندگی که الان داریم واژ آن مینالیم چیزدیگری بوجود نمی آورند . باهم چون حیوان معامله و پراساس قانون جنگل زندگی میکنند. در چنین طرز زندگی اصل اساسی آن است که حق باقی است و همانگونه که در زنجیره غذائی در طبیعت حیوان ضعیفتر غذای حیوان قوی تراست میان حیوان های دوپای آدم نامه ضعیف ها کارمیکنند و قویترها بهره میبرند. این اصل حاکم بر اجتماع آنهاست و اعتراض باین اصل همانند آن است که به سردی یخ و سوزان بودن خورشید معتبر باشیم . در چنین اجتماعی عدالت و انصاف مفهومی ندارد. معیار سنجش اعمال و ارزیابی روابط قضاؤت شخصی، افراد است و نحوه حل مسائل در ارتباط با قدرت مادی آنها. همه آنها هم آکاهانه رُل مسافر آخر اتوبوس را بازی میکنند و غافل از استعدادهای روحانی خود فقط ذات حیوانی خودرا تبعیت مینمایند. در اینجا منظور از مسافر آخر اتوبوس موجودی شبیه خودم است و احتیاج به توضیح دارد.

در طهران ک بودم تقریباً همیشه برای رفتن به محل کار از اتوبوس شهری استفاده میکردم و در صفات های طولانی بانتظار اتوبوس میایستادم .

اتوبوس هستم . در معیار من حق بامن است . حالا به اجتماع من نگاه کنید . واقعیت وحشتناک آن است که دیگران هم همه مسافر آخر اتوبوس هستند در معیار آنها در اتوبوس پست سر آنهاست هر کس قبول کرده و فکر میکند که قطعاً فقط خودش حق دارد . نتیجه آن است که همه حق دارند و همه خود را پاک و منزه و بی عیب میدانند . طرز تفکر اجتماعی ما آن است که خط و مرز بین خوبی و بدی - مابین شرافت و رذالت مابین عقل و بی عقلی - مابین مفید و مضر بودن همیشه و ناخودآکاه براساس معیار خصوصی ما که حاکم بر رفتار ما است که پشت سر ماست باین ترتیب معیار سنجش اعمال و ارزیابی روابط اجتماعی قضاؤت شخصی ما است و نحوه حل مسائل در ارتباط با قدرت مادی ما اینگونه است مشخصات اجتماعی که افرادش از خصائص روحانی نهفته در ضمیرشان غافلند و فقط از ذات حیوانی خود تبعیت میکنند .

باتوجه باین مراتب تمام فرمایشات شما را درباره شرایط اجتماعی محیط مان صدرصد تصدیق میکنم و بخوبی وقف هستم که چگونه شما و دیگران را غارت کرده اند و چگونه زندگی ها را بباد داده اند . مسئله اصلی برای من این نیست که چرا کسی به من ظلم کرده است . مسئله اصلی برای من آن است که آیا هر کسی میتواند باتکاء فهم و شعور شخصی و منافع خصوصی اش خط تمایز بین خوبی و بدی را که همیشه پشت سر اوست تعیین کند

مستلزم ناراحتی من است . قانون تا آنجا محترم است که منافع شخص من را تامین کند . اخلاق تا آنجا مفهوم دارد که مشخصات مراجزو خوش اخلاقها منظور دارد . دروغ گفتن زشت است اما تا آن حد که من در زندگی بر حسب احتیاج و اقتضاء دروغ میگویم عیبی ندارد هر کس بیشتر از من دروغ میگوید . آدم بسیار بدی است . به زیر دستانم زور میگفتم و از بالا دستم زور میشنیدم و همیشه قبل داشتم که مقداری که من زور میگویم عیبی ندارد هر کس بیشتر از من زور میگوید آدم بسیار بدی است . در حالیکه سطح متوسط در آمد کسانیکه هم رتبه و هم سطح من بودند حداقل چند صد تومان از من پائین تر بود هر کس را که ده تومان بیش از من در می آورد . نامرد ، تجاوز و فاسد اخلاق میشمردم ام ام ام ام تمام این جریانها خودم را پاک - خوب و مستحق مزايا میدانستم . در اتوبوس همیشه پشت سر من است .

خطی که بین آدم خوب و بد باید کشید همیشه پشت سر من است آن مقدار پستی اخلاق ، نامردی ، دروغ گوئی ، ریاکاری ، تجاوز ، خودخواهی و رذالتی که من در زندگی بکار میبرم عیبی ندارد و مجاز است چون من آدم بدی نیستم و فکر و عقل و فهم من که معیار زندگی من است این اندازه را تجویز میکند . آنها که بیش از من دروغ میگویند بیش از من تجاوز میکنند و بیش از من خودخواهند مقصوتند و باید مثل آن مسافر هشتمی پشت سر من جا بمانند و تنبیه شوند . من مسافر آخر

کرد وادعای اصلاح اجتماع را با تکای دانش و بینش شخصی بکناری گذاشت و بدنبال معیار صحیح گشت.

در این میان موضوع بسیار جالب آن است که در همین اجتماع فعلی بشری هر کدام از این افراد نادان خودخواه و بی خبراز انسانیت که کوچکترین و کمترین توجهی به مشخصات روحانی نهفته که در ضمیر خود پیدا می‌کنند و احساسات انسانی و تمایلات آدمی در آنها ظهرور و بروز پیدا می‌کند بلطفاصله از اولویت وارجحیت خود عدول می‌کنند - عشق همنوع را جایگزین خودخواهی خود کرده خدمت بدیگران را بلاعوض بر می‌گزینند و از یک عامل مولد رنج و ناراحتی به یک عامل تسلي دهنده و بی آزار که آرامی می‌بخشد و آماده فداکاری است تبدیل می‌گرددند.

از یک مرتبه حیوانی گذر کرده به انسانی والا تبدیل می‌شوند و گاهی به مقام فرشتگان میرسند. سنگ بی حاصلی هستند که صیقل می‌خورند و قابل انعکاس انوار رحمانی می‌شوند برای این تبدیل و تقلیل امثال فراوان داریم که ذکر آنها در اینجا زائد است اگر تمایل دارید که شرح حالی از آنها برایتان بنویسم مرقوم فرمائید.

در قسمت دیگری از نامه نوشته بودید که (چطور است فقط من و شما واقلیت انگشت شماری مأموریت داشتیم یک عمر قبول مسئولیت کنیم و بدیگران آزاد بودند که نکنند)

قریانت گردم . من و شما مأموریتی نداشتیم که یک

و بر آن اساس عمل نماید یاد راجتمع به یک معیار سنجش روابط اجتماعی که معلول عقاید شخصی و منافع خصوصی نباشد احتیاج هست . تمام بدبهختی های ما از آن است که هر کسی می‌خواهد خط تمایز بین مفید و مضر یا خوب و بد را طبق تمایلات و منافع خودش رسم کند. در نتیجه آنچه که زید خوب میداند در معیار عمرو زشت و ناپسند است و آنچه عمرو می‌پسندد زید رد می‌کند وبالطبع این تضادهای عصیان و قیام و جنگ و خونریزی و در بدی و نابسامانی و هزار درد بیدرمان دیگر می‌انجامد. دنیائیکه به تعداد آدمهای فکور و منطقی خط تمایز بین خوبی و بدی داشته باشد جزاین نخواهد بود. اینجاست که ناچاریم قبول کنیم که در اجتماع به یک معیار واحد که معلول عقاید شخصی و منافع خصوصی افراد نبوده و ناظم روابط انسانها باشد احتیاج هست . به عاملی که تشریح کننده روابط ضروری منبعث از حقایق اشیاء باشد و دست آورد افکار سقیم بشری نباشد احتیاج هست به دین احتیاج هست . ومن سعی می‌کنم تمام قوایم رادر جستجوی چنین معیاری بکار اندازم . عبث است اگر بخواهم از سردى یخ و سوزان بودن آفتاب بحث کنم . بقول معروف چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است وحیف است اگر بخواهم در تشریح عوارض حاصله از تمایلات فردی در اجتماع وقت صرف کنم همه مردم این عوارض را احساس می‌کنند و با نهاده واقع هستند. چیزی که نمیدانند آن است که باید به نقصان درک و فهم بشری اذعان

مغزما را آنچنان آفریده است که رنج دیگران را رنج میدهد و شادی دیگران را شاد میکند. اگر توضیع بیشتری بخواهید متاسفانه باید بگوییم که بیش از این چیزی نمیدانم . مرقوم فرموده ایدکه مرام جاری من بطور خلاصه این مصرع است که دلاخونکن به تنها که از تن ها بلا خیرد.

امیدوارم دراین تنهائی شاد و مسرور باشید. کیست که بلای حاصل ازتن ها را نچشیده باشد وکی میتواند این واقعیت را که روابط حیوانی آدم هابلاخیزاست انکارکند. بدبختی آنجاست که اجتماعی آفریده شده ایم و مجبوریم با اجتماع مردم درتماس باشیم مجبوریم باخوب و بدمدم کنار آئیم و بنچار مجبوریم تلاش کنیم تاخوی های مردم از دیادیابدویدی ها تخفیف پیدا کندا شاید زندگی راحت ترگردد. مجبوریم دربیدار کردن وجدان خفته مردم بخاطر راحتی خودمان تلاش کنیم . مجبوریم به آنها بفهمانیم که شما غیر از حیوان بودن میتوانید و باید آدم باشید و در این راه مجبوریم با آنها محشور باشیم و از آنها باکی نداشته باشیم . از نیش زهرآگین گرزه مارهای داشت مغان بیش از بلا یعنی مرگ بر میخیزید اما بخاطر انجام وظیفه چهل روز تمام در آن منطقه پیاده راه رفتم و کارکردم و شبها در چادر بیوته نمودم . این تن های بلاخیز از گرزه مار بدتر نیستند. برانگیختن احساسات انسانی و روحانی در افراد غافل و بقول شما حیوانهای دوپای آدم نمکار مشکلی است امامحال و ممتنع نیست . دره رحال

عمر قبول مسئولیت کنیم . وجودان بیدارشما به شما میگفت که فداکاری برخودخواهی ارجحیت دارد و انسان بودن بهتراز حیوان بودن است . حافظ میگوید :

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه بنام من بیچاره زدند

آن امانتی که او ذکر میکند من و شما و هرانسانی حامل آن است همین خصیصه انسان بودن واستعداد داشتن وجودان بیدار انسانی و روح ملکوتی است که ارزش های مادی را تحت الشعاع ارزش های معنوی قرار میدهد و بدون اجر و پاداش فداکاری و گذشت را تجویز میکند. بعدهم میپرسید که (چه مقامی به من و شما و امثال ما که اعضای کوچک اجتماع هستیم رسالت داده که فداکار باشیم و دنیای گمراه خودخواه را به راه راست هدایت کنیم ؟) اگر جد من و پدر بزرگ من چنین سوالی میکردند به آنها میگفتم (من) چون اگر آنها فداکاری بیشتری کرده بودند واقع بین تربودند اجتماع بهتری آفریده بودند و من الان در بدبندی و اگر من الان تلاش نکنم و در راه یگانگی آدم ها نکوش نوی و نبیره های من صد سال دیگر خواهند گفت که چرا وظیفه ات را درک نکردی. اما حالا در جواب سوال شما فقط معرض میدارم همان مقامی که به سوزن مغناطیس رسالت داده است که در میدان مغناطیسی مجدوب آهن ربا باشد و همان مقامی که به مادر رسالت داده است که بچه اش را حفاظت کند و همان مقامی که سلوهای

امیدوارم درگوشه انزوا و دوری ازتن ها احساس
بطالت نکنید.

درنامه شما اشاره به تغییر محل و انتخاب
وانکوور کانادا برای فرار از غوغای زندگی در لندن
فرموده بودید. افکار و اعمال شما برای شاگردان
وشیفتگان شما حجت است و منم به تبعیت از شما
گاهی آرزو میکنم که کاش به گوش دنجی میرفتم
ودور از غوغای روزگار بامید رفاه و آسایش و سکوت
بقیه عمر را میگذراندم. اما باور نمیکنم که این کار
بسهولت امکان پذیر باشد چه که آموخته ام و قبول
کرده ام که آسایش و خوشبختی فرد در آسایش
و خوشبختی اجتماع است. کناره گیری از اجتماع
آسایش و رفاه مراتامین نمیکند. گردها به کسی که
در رختخواب می میرد میگویند هدر شد. بقول

شاعر :

مرد آنست که در کشاکش دهر

سنگ زیرین آسیا باشد

و بیاد حافظ میافتم که خطاب به من و امثال من
میگوید:

بجان دوست که غم پرده برشما ندرد

گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید

هرآنکسی که در این حلقه نیست زنده بعض

برونمده بقوای من نماز کنید

و بدون اینکه توضیح دهد که خلوتگه خورشید چگونه
جائی است. من اشاره میکنم که :

کمتر از ذره نه پست مشومه بورز

تا بخلوتگه خورشید رسی چرخ زنان

و شما که با افکار عارفانه یا صوفیانه او آشنایی
بیشتری دارید خوب میدانید که منظورش مهر
ورزیدن به همنوع و عشق به بشریت است و اینکار
در خلوت و گوشه گیری و عزلت امکان ندارد.
هنرزندگی کردن در زیستن میان اجتماع و کوشیدن
در بیهود اوضاع آن است. آتش نشانه‌ham برای
فرونشاندن آتش به کانون اصلی در میان آتش رو
می‌آورند و با آن مبارزه میکنند. از اینها گذشته
وقتی به ونکور یا جانی شبیه آن برای اقامت و
راحت زندگی کردن فکر میکنم آنوقت سوالی که
برایم مطرح میشود آن است که در میان یک عدد
مردم رنجور و محروم آیامیشود خوشبخت و معمور
زندگی کردیانه؟ میان یک مشت مردم گرسنه آیا
میشود سیرخورد و احساس رضایت کردیانه؟ آیا
در خانه که آتش گرفته است و نیمی از آن میان
شعله‌ها در حال سوختن است در نیمه دیگر شع
در اطاق آتش نگرفته میشود با خیال راحت خوابید
و استراحت کرد یا نه؟ اینها همه سوالاتی است
که برای من مطرح میشود. واقعاً مسئله ونکور
رفتن مطرح نیست در این دنیانی که شباخت کاملی
به یک خانه آتش گرفته دارد ونکور کانادا و کان
فرانسه و پرت استرالیا و دوندین نیوزیلند همه یکسان
است چگونه میشود به یکی از این نقاط پناه برد
بفکر آنها که در آتش میسوزند نبود و فارغ از
مسائل و مشکلات دیگران خوش زندگی کرد. در
اینجا البته مسئله آن مبنای پیش ساخته فکری
طرح است. بعضی‌ها فکر میکنند که وظیفه آنها

فقط دراین میان یک نکته توجه مرا جلب میکند و آن این استکه شاید برخلاف تصور و انتظار ما روال صحیح همین حرکت لاک پشتی است . شاید روال طبیعت و اساس دنیا همین تحول در زمان بسیار طولانی است زیرا مشاهدات روزمره ما تا حدودی مؤید این مطلب است . غنچه یکباره و در طی چند ثانیه ظاهر نمیشود و طی چند دقیقه به گل تبدیل نمیگردد . رسیدن میوه ها صبر و حوصله میخواهد و مدتی طولانی لازم است تا غوره انگور شود . طفل نوزاد یک شب جوان بالغ نمیشود در تاریخ گذشته زمین حدود یک هزار میلیون سال طول کشیده تا از تجمع مولکولهای آلی یک سلول حیاتی بوجود آید و شواهد حاکی است که حداقل صد میلیون سال طول کشیده تا از تجمع سلولهای حیاتی یک نسج حیاتی فعال و بعد یک موجود زنده بوجود آید . پس تا آنجا که روند اوضاع جهان قدمی به سمت جلو دارد شاید انتظار مابرای تسریع در فعل و افعال اجتماعی خلاف روال طبیعت و انتظار نایجایی است . شاید آنچه که با عجله و سریع بوجود می آید شایسته دوام نیست . شاعر میگوید :

ای خوشاباده آن عشق که آهسته کند میست
ورنه هر زود رسی در دل و جان دیر نپاید
نازم آن شعله شوقی که بتدریج بگیرد
بر زند بر دل و سر بر فلك زهره بساید
اگر روال طبیعت هم چنین باشد که احتمال آن کم
نیست پس چرا ما اینقدر عجول و بی حوصله

در زندگی کمک به پیشرفت اجتماع و تامین سعادت اجتماعی است . فکر میکنند که در شرایط فعلی انسان کسی است که خودش را وقف سعادت نوع بشرکنند . سعدی هم باین طرز تفکر اشاره کرده و میگوید :

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقه
 بشکست عهد صحبت اهل طریق را
 گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
 تا اختیار کردی از آن این فریق را
 گفت آن گلیم خوبیش بدر میبرد زموج
 وین جهد میکنکه بگیرد غریق را
 شما بخوبی با این طرز تفکر آشنائی دارید . برای
 کسی که اینگونه فکر کند و نکور و لندن و طهران
 چه فرقی دارند در هر حال امیدواریم در این اقدام
 موفق و کامیاب باشید .

اشاره فرموده بودید که با اینکه واقعیت جاری دنیا و تغییرات اخیر در وضع اروپای شرقی در مسیر مثبت در حال تغییر است اما سرعت این تغییر و تحول بسیار آهسته ولاک پشتی است و امیدی به آن ندارم . من از زاویه دیگری باین واقعیت نگاه میکنم و احساس میکنم که خواب آلدگی اجتماعی و سیاسی مردم جهان به یک نوعی دارد به هشیاری و بیداری تبدیل می شود و واقعیت جاری دنیا روزنه های امیدی هستند که بشریت هنوز بسمت جلو گام بر میدارد اما البته بقول شما خیلی به تأثی و آهستگی - نه آنگونه که من و شما انتظار داریم .

« آگهی »

جناب دکتر مهدی سمندری در نظر دارند مقاله‌ای جامع در باره اسفار پر ثمر ایادی عزیز امراهه جناب طراز الله سمندری بصفحات آمریکا و کانادا برشته تحریر در آورند. لذا از احبابی الهی تقاضا می‌شود چنانکه عکس، اسلاید و یا خاطراتی جالب از این اسفار دارند مراتب را با آدرس زیر بنام « آقای امین نشاط جذاب » ارسال دارند.

آدرس :

Dr. & Mrs. A. Jazab
10204 Butterfly Dr. NW
Albuquerque, NM 87114
U.S.A.

آگهی

آقای رشید گشتاسب تایپیست مجله عنده‌لیب آماده برای انجام هرگونه خدمات تایپی می‌باشد. احبابیکه کتاب و یا جزوایتی بزیان فارسی نوشته و مایل بتایپ آن هستند می‌توانند با آدرس زیر با مشارالیه مکاتبه نموده و اطلاعات لازمه را تحصیل نمایند.

RASHID GOSHTASB
2053 Hertel Ave.
Buffalo N.Y 14214
U.S.A.

شده‌ایم. تاینجا مطالعات زیست شناسی هیج دلیل و شاهد قطعی ارائه نمیدهد که انسان بطور غریزی و ذاتی متجاوز و جنگ طلب آفریده شده است پس چرا خوشبین نباشیم و همین حرکت لاک پشتی اجتماع را تحسین نکنیم. چرا بیان غوغای اجتماع نرویم و با صبر و حوصله هرچه تمام‌تر این روند آهسته را محافظه و تشویق نکنیم. خیلی احتمال هست که به تسریع آنها موفق گردیم. سرور گرامی - ببخشید که سرتان را درد آوردم. اختیار کلام یک وقت‌ها از دست انسان بدر می‌رود. امیدغفارم.

بقیه از صفحه ۴۱

زدنی‌های متند سالن را بلرژه در آورده بود. دقایق متتمادی این امر ادامه داشت. بنا بدهستور ناظم محترم سبدهای گلی که از طرف یاران ستمدیده ایران تقدیم کنگره جهانی گردیده بود یکی پس از دیگری بسالن آورده شد و در محل مقرر جایگزین گردیده، بر زبانی و جمال صحنه کنفرانس دو صد چندان بیفزود و کف زدنها بیاد بود ایشار و وفای بعد آن یاران مهریان هم چنان ادامه داشت. سیل اشک از دیده‌ها جاری بود و لسان جان باین بیان ناطق « ای خداوند یکتا این نفوس مطمئنه را جام عطا بخش و این قلب و راضیه مرضیه را نشنه صهبا احسان کن تا با کمال و جمالت باده گردد و به نغمه و ترانه پردازند و سامعین را فرح و وله بخشنند و طالبان را به جذب و طرب آرند جام عشق بدور آرند و باده سرور و شادمانی ابدی بنوشنند و بنوشنند ». .

کشورهای مختلف شوروی بود . بعضی از موضعیں
مورد تدریس عبارتند از نظم اداری بهائی ،
روحانیات ، عهد و میثاق ، تبلیغ و اقتصاد از نظر
امر بهائی ، مدیریت انسیتوهای امری ، راهنمایی
برای تشکیل کلاس‌های درس اخلاق و آموزش
بمنظور تهیه و انتشار مجلات امری .

قبل از اتمام دوره مزبور ۵۵ نفر از شرکت کنندگان
آمادگی خود را در گروه‌های پنج نفری برای سفر
تبلیغی به نقاط مختلف ایالت « ماهاراشترا » اعلام
داشتند که نتیجه این سفر پر شر اقبال ۲۰۰ نفر
به امر مبارک بود . هدف دیگر این گروه انعقاد
احتفالی بمنظور تقویت صندوق ساختمانهای قوس
کوه کرمل بود که مبلغ قابل ملاحظه‌ای جمع آوری
گردید .

موضوع جالب توجه آنکه تعدادی از شرکت کنندگان
اشتیاق خود را در فراگیری زبان وحی (فارسی و
عربی) اعلام داشتند و بدین منظور کلاس‌هایی
تشکیل گردید که عده‌ای مناجات‌های عربی و
فارسی را آموخته و بطور مستجمعی تلاوت
مینمودند . عکسی که مؤسسه آکادمی پنج گنج گذشت
ارسال داشته اند در قسمت پشت جلد گزارو
میگردد .

از مؤسسه آکادمی نهایت تشکر را با ارسال این
خبر مهم داریم .

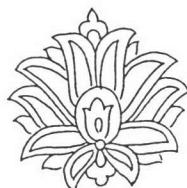
یک خبر از آکادمی بهائی پنج گنج :

آکادمی بهائی هندوستان یک دوره مطالعات امری
بمدت ۲۴ روز از تاریخ ۱۴ آگوست تا ششم
سپتامبر ۹۲ در پنج گنج تشکیل داد که در این
دوره تعداد ۷۴ نفر از احبابی کشورهای جدید
الاستقلال آذربایجان ، قزاقستان ، ترکمنستان ،
ساخالین ، تاجیکستان و ازبکستان در آن شرکت
کردند . اکثر شرکت کنندگان در این کلاسها نفوس
تازه تصدیق بودند که احساسات روحانی و
فداکاری آنها هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار
میداد که چگونه نفوسی که سالها دور از مراحل
روحانی بوده بدینگونه تقلیب شده و درخشش پیدا
نموده اند .

بیت العدل اعظم در پیامی خطاب به شرکت
کنندگان دوره مزبور از آکادمی بهائی پنج گنج
بخاطر این دوره سودمند اظهار قدردانی فرموده و
مرقوم داشته اند که هدف از این دوره مطالعات
آماده کردن افرادی است که نور هدایت از آنها
خواهد تایید .

از طرف آکادمی بهریک از شرکت کنندگان نسخه‌ای
از پیام مزبور و ترجمه آن به زبان روسی هدیه شد
که این امر موجب تشویق بی حد آنان گردید .

مباحث مطروحه در این کلاسها شامل مطالب
روحانی و احتیاجات عملی جوامع در حال رشد در



ذرّه

«فرستنده دکتر علی تو اگر»

ذرّه گشته ملّتی نور ترا
تابتا بد بر روی افضل بها

«مشونی جال قدم»

ذرا تیم ولی در هوای تو اوج گرفته ایم، قطراتیم ولی در موج یم تو شتا فیم

«حضرت عبدالبهاء»

آفتابیش در میان بینی
تفاصیلی

خلل یا بد به عالم سه اپای
 محمود شیری

اور هر ذره ببیند آفتاب
مولوی

تابنگره که خورشید رکی پرح زنان
حافظ

عالی ذره است ذره عالم است
شیخ عطار

ذرّه ای غیبت که خورشید آن پیدا است
چشم اکن اگر دیده بینایی هست
مخدوبلی شاه

دل هر ذره را که بشکافی

اگر یک ذره را بگزینی از جای

هر که را باشد زینه فتح باب

کمتر از ذره نمی پست مشهود بوز

و چنین بجزی که بحر عظم است

شناسانی و بشارت حضرت ادريس (ع)

بظهور اعظم الٰهی

از: نصرت الله مجدوب عليه رضوان الله

هزار و دویست و ده‌سال بوده چنانچه میفرمایند.
قوله تعالیٰ :

« اذمن ظهور آدم الى اول ظهور البيان از عمر این
عال نگذشته الا دوازده هزار و دویست و ده‌سال و
قبل از این شکی نیست که از برای خداوند عوالم و
اوادم ملانهایه بوده و غیر از خداوند کسی محسن
آنها بوده و نیست . »

(باب سیزدهم از واحد سوم بیان فارسی)
و این بیان محکم متین حدیث سنتی پارسیان و
زردشتیان را در خاطر زنده مینماید که معتقدند
خداوند عالم را در چهار دوره سه هزار ساله بوجود
آورده است و گمان دارند کور حضرت آدم از
دوازده هزار سال قبل شروع گردیده و شش هزار
سال قبل را زمان حضرت گلشاه یا کیومرث
شناسند که اولین پادشاهی را در روی زمین بوجود
آورده بود .

حضرت ادريس پیغمبر در میان ۹ تا ۱۲ هزار
سال قبل - قرنها پیش از طوفان نوح میزیسته و
مبعوث بررسالت گردیده است . و محل تولد
آنحضرت را در نام هرمس در کیلنه در ناحیه
آرکادین (دریونان) میانه راه آتن به پاتراس
نوشته اند و صعود آنحضرت بنوعیکه از آثار بدست
آمده در موطن آن حضرت در آخوزان مرقوم
داشته اند .

حضرت ادريس پیغمبر که غریبها او را هرمس
نامند و در کتاب عهد عتیق بنام خنوج هفتمن پشت
حضرت آدم معرفی گردیده ولی خبر قوم آنحضرت
منقطع گشته است . حضرتش قرن ها قبل از طوفان
نوح به سفارت الٰهی و پیغمبری مبعوث گردیده بود
و زمان آنحضرت از ما بسیار دور بوده است و این
دوری چنین است .

چه که پس از فرو نشستن آبی که بعد از طوفان
مزبور جریان و سریان داشت و حضرت نوح و
افراد خانواده اش پا بر خاک زمین گذاشتند قربانی
سلامتی و شکر بجا آوردند و هریک بجهتی رهسپار
شدند حضرت نوح بجانب غرب عزیمت نمودند
جنوب شرقی بحراللات رسیده و در الكراك وفات
یافتندو مقبره ایشان در آنجا هنوز برپاست . از
اولاد حضرتش حام و خانواده اش بطرف مصر
حالیه رفتهند و آن سرزمین بنام حام و خصوصاً
مصر مشتق از لفظ مصرایم دومنی پسر او نامیده
شد و در اولاد مصرایم کاهنان قدیم مصری بودند
که آنها طوفان مزبور را نه هزار سال پیش از این
مذکور داشته اند . و این قول را دانشمندان دائرة
المعارف آلمانی (۲۴ جلدی) موسوم به برکه‌اویس
انسکلوپدی اعتماد نموده و انتشار داده اند .
اما بنابرآیات حضرت اعلی روح ما سواه فداء چون
ظهور حضرت آدم تا زمان ظهور آنحضرت دوازده

حضرت ادریس پس از بعثت بهجهت نشر تعالیم و هدایت نفوس پیاده سفر میفرمود و با ممالک یونان و سوریه و مصر و حبشه مراوده داشته است و قسمتی از تعالیم و نصایح ووصایای آنحضرت که در طوفان نوح محفوظ مانده و بدست آمده بزبان حبسی و اسلوی در کتابخانه های بلگراد و لینینگراد محفوظ گشته است و بواسطه گ. ناتانائل- بن وج بالانی ترجمه و در لبزیک بسال ۱۹۲۲ طبع و انتشار یافته بود و پس از دو مرتبه اصطلاحات در ترجمه ها بدست ما رسیده است در این ترجمه ها ذکر است تولد حضرتش در روز ششم ماه شیوان (تقویم عبرانی) و صعود مبارکش پس از سیصد و شصت و پنجسال عمر که در عهد عتیق نیز مذکور است در روز اوّل ماه نیسان بوده است.

و البته باین نکته توجه مینماییم که در زمان حضرت نوح و قبل آن - سال ۲۹/۵ روزه قمر که یک دوازدهم سال قمری است متداول بوده است و میرساند که عمر حضرتش بسال قمری در قرب سی سال و پنجماه و بسال شمسی در جوار ۲۹ سال و شش ماه قرار داشته است . ”

اما حضرت ادریس پیغمبر بظهور اعظم الهی چنین بشارت داده است که از بدو ایجاد در کره زمین اکواری و ادواری بوده است . کور گذشته را دوازدهم و کور خلقت ذکر نموده و آنرا کور دردنانک ظلمت نامیده است تا آنکه در میقات معین خود کور مزبور خاتمه پذیرد و کور جدید نور و عدالت شروع گردد . و از حصار و باره نی خراب نشدنی

سخن رانده که مابین دو کور مزبور قرار دارد و آندو را زماناً و صفاتاً از یکدیگر جدا میسازد . در میقات معین و اختلاف رفتار و کردار و صفات مشخص مردمان چنانچه میفرماید . قوله تعالی : بشنوید فرزندان من پیش از آنکه همه چیز باشد و پیش از آنکه همه مخلوقات ایجاد شود پروردگار در کور خلقت نشست و بعد از آن تمام دیدنی ها و نادیدنی ها را ایجاد نمود و بعد از همه اینها او آدم را خلق نمود و بصورت و شکل خودش و پروردگار باو چشم داد برای دیدن و گوش داد برای شنیدن و قلب داد برای فکر کردن و عقل داد برای مشورت ... و پروردگار آن کور را (کور خلقت) ختم کرد بخاطر خواست مردمان و تمام خلقت را ایجاد نمود بخاطر آدمیان و بادوار قسمت نمود و از این کور سالها درست کرد و از سالها ماهها درست کرد و از ماهها روزها درست کرد و هفت روز (هفته) درست کرد و از آنها ساعتها درست کرد و ساعتها را دقیق قسمت نمود . بجهت آنکه بشر آن ادوار را بسنجد و بجهت آنکه سالها را بشمارد و ماهها روزها و ساعتها و هر چیزی که تغییر میکند (عوض میشود) و اوّلها و آخرها را و بجهت آنکه زندگانیش را از ابتدا تا مرگ بشمارد و بجهت اینکه بگناهان خویش فکر کند و بجهت اینکه کارهای خوب و بد خود را بنویسد .

و چون هیچ عملی در نظر پروردگار مخفی نیست بجهت آنست که هرکس عمل خود را بشناسد و بجهت آنست که هیچ کس از قوانین تخطی نکند و

چیز را می بیند از آنچه کسی در دل خود فکر میکند و از آنچه عقل باو پیشنهاد مینماید زیرا هر فکری در حضور پروردگار پایداری دارد ...
(الى آخر)

حضرت بهاء الله جل جلاله رسالت حضرت ادريس را تائید فرموده اند و آنحضرت را از پیغمبران صاحب کتاب معرفی نموده اند چنانچه میفرمایند .
قوله تعالی :

« سبحان الله حضرت آدم را فرستاد باو صحيفه عنایت فرمود و همچنین شیث و ادريس و ابراهیم علیهم صلوات الله و رحمته و سایر انبیاء هم هریک را عطا نمود آنچه را اراده فرمود الى آخر »

(صفحه ۲۵۰ جلد چهارم استنساخ آثار قلم اعلی)

البته غرض از نقل بیان مبارک فوق این بود که مقام رسالت حضرت ادريس (خنوج) شناخته شود ولی از آنجاییکه زمان ظهور حضرتش در میان ظهور حضرت آدم و حضرت نوح در زمانی بوده که اطلاع صحیحی از آن ازمنه بما نرسیده و تاریخ آن ایام تاریک است ایجاب مینماید قدری در آن برده از زمان کنگکاوی و تفحص نمانیم و حقایق شایان توجهی بدست آورده بقدر امکان از تاریکی تاریخ آن ایام کسر نمانیم .

باعتقد علمای یهود حضرت آدم قریب بشش هزار سال پیش از این ظهور فرموده و تقویم یهودی از مبداء ظهور حضرت آدم (ع) سال ۱۹۹۱ میلادی را ۵۷۵۲ عبرانی نشان میدهد .

حال چون حضرت نوح نبی علیه السلام قرنها بعد از

جهت اینکه دستخط مرا نسلاً بعد نسل محکم نگاهدارد .

هنگامیکه تمام خلقتی که پروردگار خلق نموده از آنچه دیدنی و نادیدنی است تمام میشود هرکس بقیامت پروردگار میرود آنوقت تمام ادوار از بین برده میشود و سالها دیگر وجود ندارد و نه ماهها و نه روزها و نه ساعتها تمام اینها محو میشود و دیگر حساب نمیشود بلکه : این Aon (۱) (کورجديد) شروع میشود و تمام کسانی که عادلند و از قضاوت بزرگ پروردگار دوری جسته اند در این کور عظیم جمع میشوند و کور عظیم عادلان شروع میشود که برای ابد آنها میباشد .

و ازاین به بعد در میانشان نه زحمت است و نه درد و نه غصه است و نه درنگ و نه بیچارگی است و نه ظلم نه شب است و نه تاریکی بلکه یک نور عظیم برای اینهاست و کور اعظم دارای دیواریست خراب نشدنی (۲) و بهشت است و برای آنها خانه ابدیست .

خوشابحال عادلانی که از قضاوت بزرگ پروردگار دوری میکنند زیرا سورتشان مانند خورشید نور میافشنند .

و حالا فرزندان من ارواح خود را حفظ کنید و از هر بی عدالتی که پروردگار نفرت میکند و در حضور او با ترس و لرز پروردگار حقیقی را عبادت کنید نه بُت بی زبان را ، و قربانی هر شخص عادلی را بحضور پروردگار بیاورید اما آنکه عادل نیست پروردگار از او نفرت مینماید ، زیرا پروردگار همه

و سرهابل (زن) تمام نفوس در آن دور بدنهاشان از هم تفکیک خواهد شد و به نور صعود خواهند کرد زیرا تعلیم اول را خراب نکرده تغییر نداده اند و اوّلین بیان را عوض نکرده اند ، بعد دنیا بار دیگر بیدار خواهد شد و جمعیت خواهد یافت و از رام ورود (زوج و زوجه) تا سوریای و سرهابل (مرد و زن) ۲۵ نسل میباشد .

بعد از سوریای و سرهابل (مرد و زن) دنیا با آب و سیل خراب خواهد شد باقی میماند نوح و کشتی او وسام پسر حضرت نوح تمام دنیا با آب از بین میرود زیرا برای آنها نوشته شده است که نفس ها در آن تفکیک (قبض روح) از بدن جدا شده و بطرف نور صعود خواهند کرد .

از عصر سوریای و سرهابل تا عصر حضرت نوح ۱۵ نسل میباشد (الی آخر)

در کتاب گنج پروردگار از امت حضرت یحیی معتمدان ما بین حضرت آدم و نوح دو ظهرور دیگر نشان داده میشود که نظراً بفاصله هزار سال از یکدیگر و دارای اسمی دیگرند . این فاصله در میان ظهورات الهی را جمال مبارک در کتاب مستطاب ایقان چنین تأیید نموده ، میفرمایند .

قوله تعالی :

« و این مدینه در رأس هزار سنه او ازيد اوّل تجدید شود و تزئین یابد »

(صفحه ۱۶۶ چاپ اول)

از اینرو اگر در کتاب گنج پروردگار صحابان دو ظهور الهی باسم دیگر و رسم دیگر مذکور اند همانا مراد حضرت شیث و حضرت ادريس

ظهور حضرت آدم ظهور فرموده و چنانچه آوردهم طوفانی که در زمان آنحضرت بوقوع پیوسته حسب اطلاعی که دانشمندان و محققین مؤسسه برکهاوی انسیکلوپدی از کاهنان قدیم مصر بدست آورده مورد اعتماد قرار داده منتشر ساخته اند حدود نه هزار سال قبل از ظهور اعظم الهی بوده است و نیز حسب باب پنجم سفر پیدایش کتاب عهد عتیق که اسمی ده تن اجداد حضرت نوح نبی و مدت حیات هریک را تا رسیدن بایاتم ظهور حضرت آدم مرقوم داشته اند باین نتیجه میرسمیم که ظهور حضرت آدم قرنهای بسیار پیش از ده هزار سال بوده است .

بنابراین چنانچه پیش ازین از بیان مبارک حضرت اعلی روح ما سواه فداه نقل نمودیم یقین است از ظهور حضرت آدم الی فجر ظهور اعظم یعنی زمان اظهار امر حضرت باب اعظم (۲۲ می ۱۸۴۴) مدت دوازده هزار سال و دویست و ده سال (۱۲۲۱۰) بوده است .

علمای امت حضرت یحیی بن ذکریا در کتابی که بنام گنج پروردگار تالیف نموده اند در شماره های ۱۸۲ الی ۱۸۷ مرقوم داشته اند :

آدم که (مرد) است قرار است هزار سال بماند از آدم تا رام ورود (زوج و زوجه) سی نسل میباشد آنها همه در یک صعود بطرف نور خواهند رفت زیرا در یک تعلیم ایستاده اند (تعلیم واحد یافته اند) و در یک بیان حرکت مینمایند و در یک ستایش شهادت میدهند بعد دنیا با یک آتشی نابود خواهد شد باقی خواهد ماند سوریای (مرد)

جناب عزرا سوfer ماخوذ از تمدن باقی مرقوم داشته که در آن تمدن رشد و نموده بود و نوشته او بوحی الهی نبوده و از آیات الهی نیباشد سوءتفاهم بزرگی تولید نموده و بعد نویسندگان دیگر برای اساس مطالبی نوشته و انتشار داده و سوءتفاهم مزبور را بزرگ و بزرگتر نموده اند.

و همانگونه که ظهور حضرت آدم در شش هزار سال قبل حقیقت ندارد پسر بلافصل بودن حضرت شیث نیز نسبت بحضرت آدم عاری از حقیقت است ولو در کتب تاریخ و دائرة المعارفهای بزرگ بر پایه و اساس مزبور نوشته باشند.

از صحیفه حضرت شیث تاکنون اثری بدست نیامده و در قرآن مجید نیز ذکری از آنحضرت نازل نگشته است و چون در کتاب عهد عتیق ذکر آنحضرت است تنها چیزی که ما از باب پنجم سفر پیدایش و سایر مرقومات آن کتاب بدست آورده مورد اعتماد قرار میدهیم همانا ترتیب ظهورات الهی از حضرت آدم تا حضرت نوح پیغمبر است که چنین میباشد:

۱ - ظهور حضرت آدم (ع) پیش ازدوازده هزار سال قبل.

۲ - ظهور حضرت شیث (ع) حدود ۱۱ هزار سال پیش از این.

۳ - ظهور حضرت ادريس (خنون) یا هرمس کمی کمتر از ۱۰ هزار سال قبل.

۴ - ظهور حضرت نوح نبی که طوفان زمان حضرتش را ۹ هزار سال قبل دانسته اند.

و فواصل ظهورات مزبور را علمای امت یحیا

علیهم السلام میباشند که بفرموده جمال مبارک آنها نیز صاحب صحیفه و کتاب بوده اند.

اما حضرت شیث صاحب صحیفه که بفرموده مبارک رسالت او ثابت و محقق است نیتواند ولد بلافصل حضرت آدم باشد بلکه او ظهور بلافصل بعد از ظهور آنحضرت و اولاد روحانی در نسل حضرت آدم بوده است. زیرا ممکن نیست دو ظهور الهی بی در پی هر دو صاحب کتاب آسمانی و هر دو مأمور بیک وظیفه باشند که بفرموده مبارک در کتاب مستطاب ایقان برای تغییر و تبدیل و ترقی عالم انسانی مبعوث شده باشند و پدر و پسر بلافصل شدند مگر آنکه در وظیفه مختلف باشند مانند حضرت یوحنا معمدان قبل از حضرت مسیح که در وظیفه الهی مبشر حضرت روح الله واقع شد و نیز بمثابه حضرت اعلی که در ظهور اعظم الهی مبشر جمال اقدس ابھی واقع گشت.

و یا در مکان انجام وظیفه در میان قوم معینه مختلف باشند چنانچه حضرت شعیب پدر صفوره زوجه حضرت موسی پیغمبری بسرا در زمان حضرت موسی بود و لکن وظیفه آنحضرت هدایت قوم ایکه در سرزمین مدبیان و جدا از مأموریت حضرت موسی بوده است چه که حضرت موسی با مر پروردگار برای نجات بنی اسرائیل از مصر قیام فرموده بود. از اینرو حضرت شیث نیز ظهوری مستقل و بلافصل بعد از ظهور حضرت آدم بوده اند نه پسر بلافصل آنحضرت و این مطلب نشانی از آنست که در هنگام تجدید تحریر تورات مقدمه نی که بنام کتاب اول موسی (سفر پیدایش)

ترجمه و بنام Ginza منتشر ساخته اند و بعضی از آیات کتاب مزبور را که منسوب بحضرت آدم داشته اند قبلاً باین گزارش نقل گردیده است.

در خاتمه اذعان میشود که اگر بعلل مختلفه از جمله موجود نبودن لغات هم معنی در زبان های مختلفه لفزشانی بوجود میآید شکی نیست که ترجمه روی ترجمه قطعاً این لفزها بیشتر و عمیق تر میشود و بدین جهت گزارش دهنده این سطور معدور میباشد.

۱ - جوهر مطلب در باره Aon سیزدهم را « جایگاه عدل » زیرنویس نموده و مینویسد :

در انجیل گنوسیس (Gnosis) او را (Pitis Sophia) نامیده اند و برکهای انسیکلوبدی این نام را در زبان یونانی عرفان و شناسانی و ایمان ارائه میدهد . و البته مورد نظر از جایگاه عدل همانا مقرب بیت العدل اعظم الهی است که بفرموده مبارک حضرت شوقی ربیانی « ابدی القرآن و سرمدی الکتاب » است *

۲ - در سوره ۵۷ قرآن مجید موسوم به حدید آیه ۱۲ راجع بدیوار بین کور (۱۲) قدیم و ظلمت و کور (۱۲) جدید و عدالت چنین بشارت است . قوله تعالی :

قَيْلَ ارْجُمُوا وَرَانِكُمْ فَالْتَّسِّعُوا نُورًا فَضِّرِبَتِ يَنَّهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ
باطِئَةٌ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرَهُ مِنْ قِبْلَةِ الْعَذَابِ
يعني : گفته شد باز گردید به پشت‌های خودتان پس بجنوید نوری را پس زده شود میان آنها دیواری که مر آنراست دری که درونش در آن رحمت است و برونش از جانب آن شکنجه و عذاب .



معمدان بنام صانبین برحسب تعداد نسل ذکر نموده بودند و ما آنرا در بالا آورده ایم در اینجا تکرار نمیشود .

اما ظهور حضرت ادريس (ع) قرنها پیش از طوفان نوح بوده و قوم آنحضرت اولاً بواسطه طوفان و ثانیاً در مدي زمان محو و يا در سایر اقوام منحل شده اند بنوعی که اکنون در عالم قومی بنام آنحضرت وجود نداشته و خبر قوم مزبور کاملاً منقطع شده است و از آثار آنحضرت جز بعضی که با آن اشاره نموده ایم چیزی بزمان ما نرسیده است .

این قوم که تقریباً ده هزار سال قبل وجود داشتند بکلی جدا بوده اند از قوم حضرت یحیی بن ذکریا مبشر فرید حضرت مسیح روح الله که در جوار دو هزار سال قبل نزدیک به ظهور حضرت مسیح در سواحل نهر اردن میزیستند و حضرت یحیی پیروان را تعمید داده بقرب ظهور مسیحانی بشارت میداده است در قرآن مجید در سوره دوم بقره آیه (۶۲) و سوره پنجم مانده آیه (۶۹) و سوره بیست و دوم حج آیه (۱۷) نام قوم حضرت یحیی صانبین نازل شده است و از پیروان آنحضرت اکنون قریب شش هزار نفر موجودند و نظر به تعمید و دسترسی بآب در سواحل رودهای دجله و شعباتش زندگی میکنند و دارای چند کتاب میباشند که آنها را مقدس و معزز داشته مخفی و محفوظ میدارند . جناب اشراق خاوری قسمتی از شرح احوال صانبان را در جلد سوم درج لنالی هدایت مرقوم داشته اند و اروپائیان قوم مزبور را ماندثر Mandaer نامند و اعظم کتاب آنان موسوم به گنج پروردگار را بالمانی

قسمت جوانان

نامه ای از مهد امرالله

فرستنده: خانم طاهره ایزدی نیا

ای یار زندانی من، بیا تا سبک همچون غبار شویم .
تا که هر پروازی را سزاوار شویم . راهی دیار
خداؤندگار شویم . بیا تا چون غبار از ثقل خاک
پاک شویم تا قابل درگاه خداوند افلاک شویم .

ای یار زندانی من ای دوست جاودانی من ، اگر از
سنگینی خاک عربیان شویم چرخ زنان راهی بلندی
آسمان شویم . بnde بندگان حضرت یزدان شویم
عبد عبید عباد حضرت سبحان شویم . تا که
شاید لایق آستان رب منان شویم .

ای یار زندانی من . ای دوست رضوانی من اگر
عنقا شویم دیگر باره جوان شویم . بقا یابیم ره
سوی بها یابیم . فانی شویم همه در او وفا یابیم .
صفا یابیم . اگر بنار عشقش بسوزیم جسم و تن
بگذاریم و روح و جان راهی اوج سماء سازیم . بنار
عشقش هستی بسوزانیم جملگی جان فدای جمال
بهاء سازیم .

ای یار زندانی من . آن پگاهی که برخاستم و گوش
و جان به آوای مرغان سپردم و آواز شادمانه شان
شنیدم و پرواز شان بدیدم بی اختیار یاد همه
یاران در بند افتادم که هرچند جسمشان در بند
است لکن روح و جانشان همانند آن پرنده‌گان در
پروازی پر رمز و راز است و همگی این ندای رب
ابهی را شنیده اند که : قفس بشکن و چون
همای عشق به هوای قدس پرواز کن .

قفس بشکن و چون همای عشق به
هوای قدس پرواز کن

ای یار زندانی من ، سحرگاهان که بر میخزی و
آوای دلنواز پرنده‌گان در پرواز را از ورای پنجره‌ها
میشنوی و پرواز زیبای آنها را به تماشا می‌نشینی
و این راز و رمز سبکی و پیراستگی را می‌بینی
طیر روحت به طیران می‌آید و به اندیشه اصل و
ریشه اش میافتد - به مبداء خود و منشاء خویش
به آنجا که از آن پدید آمد و با پیکر عنصری
مربط شد . پر میکشد تا همچون پرنده‌گان بی
اندیشه این جهان بال ، و پر بگشاید و آهنگ
آسمان کند .

ای یار زندانی، من اگر جسد در زندان است چه
باک که روح در اوج افلاک است و اندر تکاپوی
رسیدن به جهان پاک . جهانی آنده از محبتها
خوبیها جهانی از پیراستگی و وارستگی . اگر هزار
دستان هزار دستان ساز میکند . بیا تا صد هزار
نغمه را ساز کنیم . بیا تاجهان پر از سرود و آواز
کنیم . بیا تا رو بسوی خدای بی انباز کنیم . شکر
آن مهریان بnde نواز کنیم . بیا تا اندر رسیدن
عشقش تاخت و تاز کنیم .

حمل و نقل ، مبارزه با قاچاق مواد مخدر ، امداد و پناهندگی پیشرفت قابل ملاحظه ای نمود . از اقدامات جامعه ملل تشکیل اتحادیه جهانی پست و سازمان بین المللی کار و ایجاد دادگاه بین المللی عدالت میباشد . بسیاری از هیئت هایی که توسط جامعه ملل تشکیل شد الگو و اساس کار کمیسیون های بعدی سازمان ملل قرار گرفت مانند کمیسیون مشاوره برای حفظ و رفاه کودکان که مقدمه تشکیل یونیسف (Unicef) میباشد . مع الوصف جامعه ملل فاقد حمایت عمومی ملل بود بطوریکه نتوانست از بحران شدید اقتصادی جهان در سالهای ۳۱ - ۱۹۲۹ جلوگیری نماید و دیری نپائید که اعتبار و کارآئی خود را از دست داد . در مورد تحاوز ژاپن به منچوری و اشغال حبشه توسط ایتالیا قادر نبود ممانعتی بعمل آورد ، در حالیکه از ابتدا بلحاظ عدم عضویت ایالات متحده از قدرت کافی بر خوردار نبود وقتیکه اتحاد شوروی هم بخاطر حمله اش به فنلاند از عضویت اخراج شد دچار ضعف بیشتری گردید و نتیجتاً فاقد قدرتی بود که بتواند از وقوع جنگ جهانی دوم جلوگیری نماید . باین ترتیب در سال ۱۹۴۵ جامعه ملل منحل اعلام گردید و مایملکش به سازمان ملل انتقال یافت . بلافاصله پس از جنگ جهان دوم رهبران نیروهای متفق بمنظور تأسیس سازمان بین المللی دیگری که بتواند نسلهای بعدی را از آسیب جنگ برهاند

بسوی یک اتحاد جهانی

در میان آشوب و اضطراباتی که سالهای آخر قرن بیستم را در بر گرفته اهل نظر شاهد جلوه تازه ای از اندیشه و هدف هستند که در یک مقیاس جهانی در حال شکل گرفتن و گسترش میباشد . پس از هزاران سال دشمنی و تفرقه طلبی ملل و اقوام شروع بکاشتن بذر اتحاد نموده اند . اتحادی که در طول قرنها بتدریج سیر تکاملی طی میگردد حدود ۲۰۰ سال پیش با تشکیل ایالات متحده آمریکا در مقیاسی ملی سرعت بیشتری گرفت . در ابتدای این قرن با تشکیل جامعه ملل اولین قدم بسوی ایجاد نظمی جهانی برداشته شد .

جامعه ملل پس از وحشت جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ بمنظور ترویج همکاریهای بین المللی و رسیدن به امنیت و صلح جهانی تشکیل گردید . در دفتر مرکزی آن در ژنو نمایندگان دول از ۶۰ کشور بصورت اتحادیه ای سمت تشکیل جلسه میدادند تا سازمانی بوجود بیاورند که بتواند به امور اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی وقت رسیدگی نماید . جامعه ملل در سالهای اولیه تشکیل در زمینه تأسیس کمیسیون های مشاوره ای و سازمان دهی در مسائل مالی و اقتصادی ، بهداشت ، ارتباطات و

یکبار توسط مجمع عمومی انتخاب میشوند . این شورا با اختلافات بین المللی رسیدگی نموده و برای برطرف کردن آن پیشنهاداتی ارائه مینماید ، از اعضای خود میخواهد که با اجرای تحریم اقتصادی و سایر اقدامات از تجاوز جلوگیری بعمل آورده و یا علیه متتجاوز دست بعملیات نظامی بزنند . تهیه برنامه‌ای برای کنترل تسلیحات ، پیشنهاد اعضای جدید و اخراج اعضای قدیم همچنین انتخاب دبیر کل نیز از وظائف این شورا است .

دادگاه بین المللی عدالت تشکیلات اصلی قضائی سازمان ملل بشمار میرود . این دادگاه از ۱۵ قاضی که توسط شورای امنیت و مجمع عمومی انتخاب میشوند تشکیل شده است قضاط مذکور از ۱۵ کشور متفاوت انتخاب میشوند . در حالیکه دادگاه قادر است اختلافات دولی را که خود مایل بهذیرفتن تصمیمش باشند حل نماید نیتواند از دولت ها بخواهد دعاوی خود را باو ارجاع نمایند همچنین در مورد تصمیمات خود فاقد قدرت اجرائی است .

شورای اقتصادی و اجتماعی مرکز اصلی بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی در سطح بین المللی میباشد . این شورا علاوه بر اداره مرکزیش در نیویورک دارای پنج کمیسیون منطقه‌ای در آفریقا ، آسیا ، منطقه پاسیفیک ، اروپا ، آمریکای لاتین و غرب آسیا میباشد . این شورا همچنین سرپرستی و مسئولیت هم آهنگی ۲۰ شورا ، انسیتو و آژانس را

اجتماع نمودند . ابتدا سعی شد که جامعه ملل را از نو سازمان بدنه‌ند ولی اتحاد شوروی از شرکت اجتناب ورزید .

نمایندگان ۵۰ کشور در سانفرانسیسکو برای تنظیم یک منشور جدید اجتماع نمودند و سازمان ملل متحد با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی ، ایجاد روابط دوستانه بین ملت ها ، همکاری در سطح بین المللی بنظرور حل مشکلات اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و انسانی ، ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی های فردی و ایجاد مرکزی برای هم آهنگ نمودن اقدامات ملت ها در مسائلی که احتیاجات مشترک ایجاب نماید رسماً در ۲۹ اکتبر ۱۹۴۵ تشکیل گردید .

سازمان ملل از مجمع عمومی ، شورای امنیت ، شورای قیومیت ، دادگاه بین المللی عدالت ، شورای اقتصادی و اجتماعی و دبیرخانه تشکیل شده است . مجمع عمومی ارگان اصلی مشورتی سازمان ملل میباشد و در کلیه مسائل مندرج در منشور سازمان ملل حق بحث و پیشنهاد دارد ولی فاقد قدرتی است که بتواند دولتی را وادار به اجرای تصمیمات خود نماید . اما پیشنهاداتش بمنزله یک نظریه جهانی معتبر میباشد .

اولین مسئولیت شورای امنیت حفظ صلح بین المللی است . این شورا دارای پنج عضو دائمی میباشد که عبارتند از : چین ، فرانسه ، اتحاد شوروی (روسیه فعلی) ، انگلیس و ایالات متحده که همه آنان حق وتو دارند . ده عضو غیر دائمی آن هر دو سال

مختلف ملاقات و مذاکره نموده و مسائل مشکلی را که بدون توسل به چنین روش مسالت آمیزی برطرف کردنش بسیار دشوار می بود حل و فصل نموده اند .

همانند همه تاسیسات بشری سازمان ملل هم در جوئی آمیخته از افکار و احساسات عالی ، علاقه و اشتیاق از یک طرف و کوتاه بینی و غرور از طرف دیگر ایجاد و گسترش یافته است . هرچند این سازمان قادر نیست همه مشکلات ما را برطرف نماید ولی با اینحال موسسه ایست که ما و نسل آینده از طریق آن میتوانیم در جهت پیشرفت تمدن کوشش نمائیم .

سازمان ملل در طول حیات خود با ایجاد تغییرات اساسی در امور بشری اعتباری برای خود کسب نموده اما علیرغم همه موفقیت هایش در زمینه اجتماعی و انسانی قادر نبوده است در انجام امور محوله از قبیل حفظ صلح ، ایجاد یک سیستم اقتصادی مناسب ، ترغیب دولت های عضو برعایت حقوق بشر و حفاظت محیط زیست وظیفه خود را بطور کامل و شایسته اینفاء نماید .

بعضی از دولت ها که همبستگی بین المللی را بعنوان یک واقعیت پذیرفته اند تمايل به همکاری بیشتری با سازمان ملل دارند ولی موانع و نارسانی هائی که در این سیستم وجود دارد مانع از انجام این امر میشود .

سازمان ملل نشان دهنده تلاش بشریت در سنین نوجوانی خود بوده و جهان را بسوی بلوغ سیاسی

بعهده دارد . بعضی از این آژانس ها و سازمانها در زمینه بهداشت و مبارزه با بیماریها موفقیت های قابل توجهی کسب کرده اند . بسیاری از بیماریهای واگیر دار ریشه کن شده و یا بنحو قابل ملاحظه ای کاهش یافته است . برنامه طرح شده از طرف سازمان بهداشت جهانی مبنی بر کوشش در جهت مبارزه با بیماریهای مهم کودکان و برنامه مشابهی بنظر رساندن آب سالم و تصفیه شده به اکثر مردم جهان تا سال ۲۰۰۰ از نشانه های این پیشرفت میباشد .

یونیسف میلیونها مادر و کودک را در اموری از قبیل پرورش کودکان ، دادن اطلاعاتی در مورد تغذیه همچنین برنامه های آموزشی کمک و یاری نموده است .

برنامه توسعه سازمان ملل با طرح هایی مبنی بر آشنایی کارگران کشورهای در حال توسعه با صنایع کشورهای پیشرفته موجب اصلاح و بهبود کیفیت زندگی در کشورهای متعدد شده است . سازمان ملل همچنین در زمینه حیات خانواده ، مواد مخدر و برنامه های کنترل جمعیت نقش مؤثری داشته است .

کارمندان سازمان ملل که حدود ۱۵۰۰ نفر و از بیش از ۱۶۰ کشور جهان میباشند زیر نظر دبیر کل سازمان انجام وظیفه مینمایند . این گروه منزله خانواده ای از ملل مختلف هستند که برای پیشرفت جهان دوش بدوش یکدیگر کار میکنند . بارها دبیر کل سازمان یا نماینده او با دولت های

ورزش‌های بین المللی را میلیونها نفر در سراسر جهان هم زمان در منازل خود تماشا میکنند . باین ترتیب بنحو روز افزونی ثابت میشود که تنها راه پیشرفت بشریت اتحاد ملل و دول جهان است . علیرغم این واقعیت هنوز ما بسیاری از تعصبات کنه خود را حفظ کرده ایم .

مادامیکه نشانی از تعصب نژادی وجود داشته باشد هیچ پیشرفت واقعی برای بشریت امکان پذیر نیست سرعت و سهولت رفت و آمد مردم جهان جنبه های مختلف زندگی را بنحو هیجان انگیزی تغییر داده است . آشنائی و آمیزش فرهنگها با یکدیگر رنگ تاره ای به حیات بشر بخشیده ولی هنوز نفرت و تعصباتی وجود دارد که می باید برطرف گردد .

در طول چند دهه گذشته این آگاهی افزایش یافته است که رعایت حقوق بشر برای پیشرفت اخلاقی بشریت اهمیت بسزا دارد ولی هنوز موارد نقض حقوق بشر در سراسر جهان بوفور دیده میشود . در بسیاری از کشورها در جهت تساوی حقوق زن و مرد اقدامات مهمی صورت گرفته ولی عدم تساوی جنسی ، نژادی و قومی هنوز در قلب بسیاری از ابناء بشر وحشت ایجاد مینماید . حقوق افراد معلول و یا گروههای اقلیت متعدد هنوز بنحو مؤثر شناخته نشده است . بزرگترین مورد انکار حقوق بشر خود از ادامه نظام اجتماعی و اقتصادی غیر عادلانه جهان ناشی میشود که میلیونها انسان را به گرسنگی ، سوء تغذیه ، بیسوادی ، بیکاری ،

سوق میدهد ولی هر یک از افراد بشر نیز مسئولیتی در قبال اصلاح عالم دارند .

نظریه دیانت بهائی در باره یک جهان متحد جزئیات و عناصری را در بر دارد که نمیتوان آنرا در چهارچوب فعلی سازمان ملل پیاده نمود . نظری به حیات فردی و جمعی مؤید این است که فقط آگاهی و اراده میتواند ما را به آینده ای متحد رهنمون باشد .

میلیونها نفر امروز بخوبی دریافتہ اند که یک زنجیر پر قدرت همه ما را بیکدیگر مربوط ساخته است و اینکه هر عمل ما میتواند در وضع زندگی دیگران و کلاً جهان مؤثر واقع شود . در سال ۱۹۶۹ وقتی « نیل آرمسترانگ » بعنوان اولین انسان بکره ماه قدم گذاشت و زمین را از فضا نظاره نمود این پدیده و یا احساس جدید وحدت جهانی در ذهن بشر به بهترین وجهی ترسیم گردید و تا حدی جو را برای هدایت بشریت بسوی یک بینش متحد جهانی آماده نمود .

همراه با این تصویر ذهنی موارد متعددی وجود دارد که همبستگی ما را عملأ نشان میدهد کوشش در جهت ریشه کنی بیماریهایی که در طول قرنها نوع بشررا مبتلا نموده و شیوع بیماری « ایدز » این واقعیت را نشان میدهد که میکرها مرزی نسی شناسند . پیدایش شرکت های چند ملیتی و پیشرفت‌های دیگر در سیستم تجارت جهانی انجام معاملات متعددی را در سطح جهان در عرض چند دقیقه امکان پذیر ساخته است . بازیهای المپیک و

یکی از موانعی که بر سر این راه قرار دارد اعتقاد سرسختانه عده بسیاری است که تشکیل حکومت جهانی را هدفی غیر قابل وصول میدانند . عده ای دیگر از بوجود آمدن یک دیکتاتوری بین المللی وحشت دارند . ولی بهر حال حرکت تاریخ در جهت تشکیل اجتناب ناپذیر و مطلوب چنین حکومتی میباشد . رشد تمدن بطور پیوسته از فرد بخانواده و قبیله انجامیده و سپس با تشکیل تدریجی دهکده ، شهر ، ایالت و مملکت ادامه یافته است . حال سئوال بزرگی که پیش میآید اینست که اگر ملت گرانی به جهان گرانی نیانجامد مردم جهان در مرحله بعدی تکامل خود چه نوع ترکیب سیاسی را پذیرا خواهند شد ؟

کاملاً واضح و روشن است که سیستم فعلی جهان در حال فرو ریختن است . کاپیتالیسم و کمونیسم هر دو در جهت افراط گرانی نفائص بزرگی از خود نشان داده اند حتی در کشورهای دموکراتیک مردم بنحو روز افزونی بی علاقگی و عدم اعتماد خود را نسبت به دسته بندی های حزبی و سیاسی متداوله نشان میدهند .

بهانیان معتقدند که تعالیم دیانت بهائی سازمان و تشکیلاتی را در بر دارد که پیشرفت تمدن بشری را در سطح جهانی تضمین مینماید . نظمی که توسط حضرت بهاء الله ظاهر شده با ایجاد ایمان در قلوب افراد بشر موجب میگردد که امور جامعه خویش را با روح مشورت و خدمت خالصانه به بشریت و بروز از منافع شخصی و غرور اداره

بقیه در صفحه ۷۲

نداشتن مسکن مناسب ، فقدان بهداشت و درمان و کلأ فقر محکوم مینماید .

در بین جنبه های اصلی وحدت عالم انسانی ، وحدت زبان کتر مورد توجه قرار گرفته است یکی از مشکلاتی که سازمان ملل خود با آن روبروست اینست که همه مذاکرات مهم و نشریات آن می باید به شش زبان که عبارتند از : عربی ، چینی ، انگلیسی ، فرانسه ، روسی و اسپانیولی ترجمه و منتشر شود . مطمئناً زمان آن فرا رسیده که رهبران سیاسی ، اقتصادی و آموزشی جهان اجتماع نموده و یک زبان بین المللی انتخاب و یا ایجاد نمایند که در همه مدارس جهان آموخته شود در این صورت فقط با گذشت یک نسل همه ابناء بشر قادر خواهند بود براحتی با یکدیگر مکالمه نمایند . رنج و المی که بشریت از جهات مختلف متحمل میشود خود موجب تنبه و آکاهی میگردد و لزوم ارزش های روحانی و معنوی را عیقاً به ثبوت میرساند . در حالیکه مردمان در مقابله با این مصائب بخدا رو میآورند و از او مدد میخواهند بوضوح در می یابند که اگر بخاطر دین با یکدیگر بجدال برخیزند خود را از مدد الهی محروم ساخته اند . نیل به صلح و آسایش واقعی در جهان تنها وقتی میسر میشود که مردمان به نیروی خلاقه ای که بآنها هستی بخشیده است رو می آورند . این تجدید حیات روحانی فقط از طریق اتحاد یعنی شناسائی وحدت عالم انسانی تحت تعالیم الهی امکان پذیر است .

اخبار و بشارات امریه

هندوستان :

تشکیل دادنده ضمنانه بدیدن نفوس مهمه رفته بهرکدام یک نسخه « وعده صلح جهانی » دادند . در نتیجه این مساعی دو تن نفوس جدید به امر اقبال کردند .

در کرالا (Kerala) یکی از بلاد جنوب هندوستان ، دولت در ماه سپتامبر یک هفته توریستی تشکیل داد . بهانیان در هفته توریستی شرکت کرده و برای رژه یک قایق ساخته در وسط آن خورشیدی قرار دادند که روی آن نام حضرت بهاء الله با حروف درشت نوشته شده بود . جوانان دست های خود را بعلم اتحاد بهم داده بودند و در اطراف این خورشید ایستاده بودند . تمام قایق از بیرق هائی پوشیده شده بود که روی آن ها قطعاتی از آثار مبارکه چاپ شده بود .

قایق بهائی مورد تمجید و تحسین مطبوعات واقع گردید و در روزنامه محلی با این عبارت تشریح گردید « تصوّر آئین بهائی بر خلاف کمونیسم » .

روز ۲۶ اکتبر نقشه تبلیغی جدیدی توسط احبابی ایالت پاندچری (Pondcerry) شروع شد که در هفته اول ۶۵ نفر مؤمن جدید بامر مبارک اقبال کردند .

در نقشه تبلیغی ایالت راجستان در ماه اکتبر ۲۲۰ نفر بامر مبارک ایمان آوردند و شش محقق روحانی محلی جدید تشکیل گردید .

شاهزاده ای در ژاپن تعالیم حضرت بهاء الله

در روز ششم دسامبر ۱۹۹۲ احبابی شهر گوا (Goa) یکی از بلاد هندوستان بمناسب روز عهد و میثاق مجلس جشنی منعقد کردند . یکی از مهمانان که معلم فلسفه در دانشگاه میباشد نطقی ایراد کرد و یکی از احباء بنام جناب موراجکر (Morajker) راجع به اهمیت عهد و میثاق حضرت بهاء الله صحبت کرد .

محفل روحانی یکی از بلاد هندوستان بنام شیملا (Shimla) دو برنامه جداگانه بیادبود سالروز تولد حضرت بهاء الله اجراء نمودند . برنامه اول در حظیره القدس شیملا بود که یکی از حاضرین پس از صرف ناهار نطق مختصری راجع به تعالیم اساسی امر ایراد کرد .

برنامه دوم یک جلسه رسمی در هتل با حضور هفتاد و پنج نفر بود . نطقی به انگلیسی راجع به مأموریت حضرت بهاء الله توسط یکی از احbab و سپس نطقی به زبان هندو راجع به اهمیت این یوم توسط دکتر فرزین زائر ایراد گردید . در نتیجه این اقدامات چهار نفر ایمان خود را به امر حضرت بهاء الله اظهار داتند .

پنج تن از احبابی جامو و کشمیر & (Jammu & Kashmir) از هفتم تا بیست و هفتم سپتامبر یک برنامه تبلیغی در نقاط بالای جبال هیمالیا اجراء کردند . آنها جلسات تبلیغی در هتل خود

را اعلان میکند :

مسیر شماره ۲ - دانمارک و نروژ و سوئد : که در دانمارک رادیو و تلویزیون با این جوانان مصاحبه هائی انجام داد .

مسیر شماره ۳ - فنلاند و ایالت بالتیک : فقط دو جوان به این کشورها سفر کردند و در خیابان ها و کافه ها و حتی در ترموا به تبلیغ پرداختند که در نتیجه دو نفر تسجیل شدند .

مسیر شماره ۴ - روسیه ، گرجستان و ارمنستان : جوانان در این مسیر به چهار شهر رفتند و لاقل ده نفر در ظل امر در آمدند .

مسیر شماره ۵ - جزائر قناری ، پرتغال و اسپانیا : جوانان در این کشورها در چند مصاحبه رادیویی و تلویزیونی شرکت کردند که بالنتیجه بیست و پنج نفر در ظل امر وارد شدند .

مسیر شماره ۶ - یونان و جنوب جزیره قبرس : در یوتان چند ایستگاه رادیو برنامه هائی هر روز صبح بمدت پازده دقیقه برای این هیئت ترتیب دادند و پنج تن مؤمنین جدید به امر اقبال نمودند .

مسیر شماره ۷ - بلغارستان و شمال جزیره قبرس و ترکیه :

شش تن از جوانان ابتدا به بلغارستان رفتند که در این کشور ۱۷۱ نفر مؤمن جدید به امر اقبال نمودند .

مسیر شماره ۸ - رومانی و مجارستان : پنج جوان بهائی در رومانی با روزنامه محلی شهر تماس گرفتند و قریب بیست نفر در ظل امر وارد

شاهزاده آلفرد (Prince Alfred) که بهائی نیست جدیداً به ژاپن رفت و بیاد بود صدمین سال صعود حضرت بها عالله دوازده نطق در ده شهر ژاپن ایراد کرد . موضوع نطق های شاهزاده آلفرد ، صحت نظری وحی و الهام بها عالله و قابلیت اجراء تعالیم آن حضرت بود . وقتی از سابقه مذهبی شاهزاده سؤال کردند او گفت که در خانواده ای کاتولیک متولد شده اما علاقه ای بمنذهب نداشت تا اینکه به مطالعه آئین بهائی پرداخت . شاهزاده سفر خود را ۲۵ اکتبر از توکیو شروع کرده که برای ناهار مهمان یک بهائی بود که بیش از ده تن از علماء و طرفداران حکمت و فلسفه با همسران خود نیز حضور داشتند .

از دیاد بهائیان جزیره قبرس طی نقشه شش ساله : طی نقشه شش ساله تعداد بهائیان قبرس سه برابر ابتدای نقشه شد .

نقشه تبلیغی جوانان بهائی در اروپا : شورای جوانان بهائی پس از انعقاد کنفرانس تعلیم مبلغین در چکوسلواکی که از ۷ تا ۱۴ اگوست منعقد گردید جوانان را بر شته های مختلف تقسیم کرد که در ۱۴ مسیر به نقاط مختلف اروپا اعزام گردیدند .

مسیر شماره ۱ - جزائر فارو (Faroe) و ایسلند .

شدند .

مسیر شماره ۹ - ایتالیا ، آلبانی ، یوگوسلاوی و کرونا :
جوانان در پارک ها به تبلیغ پرداختند و در خانه های احبابی محلی جلسه تبلیغی تشکیل دادند .

جمعاً بیست و سه نفر به امر اقبال نمودند .
مسیر شماره ۱۰ - فرانسه ، لوکزامبورک و بلژیک و آلمان :
در اثر این سفر تبلیغی پنج نفر در فرانسه و

نفر در آلمان تصدیق کردند .
مسیر شماره ۱۱ - لهستان و آلمان شرقی :
پنج جوان در این مسیر شرکت کردند . اسلاید

امری در تلویزیون نشان داده شد و در ایستگاه قطار ۱۵۰۰ جزوی بهائی توزیع کردند و یک روز در رادیو مصاحبه داشتند هشت نفر به امر اقبال نمودند .

مسیر شماره ۱۲ - چکوسلواکی ، اتریش و سوئیس :
جوانان در این کشورها پنج مصاحبه با روزنامه ها داشتند و به چهار مرکز فرستنده رادیویی رفتند و سبب شدند که تعدادی نفوس با امر اقبال نمایند .

مسیر شماره ۱۳ - انگلیس و ایرلند :
آگهی جلسات تبلیغی جوانان در جزیره مجاناً در رادیو اعلان شد و در جریده هفتگی درج گردید .
دو نفر مؤمن جدید در ظل امر وارد شدند .

مسیر شماره ۱۴ - آلمان شرقی و هلند :
جوانان در آلمان شرقی مدارس رفته و با شاگردان صحبت کردند یک مصاحبه نیز با روزنامه محلی

داشتند .

جشن بمناسبت روز ملل متحده در یکی از ایالات استرالیا :

روز ۲۴ اکتبر بهائیان کوئینزلند (Quinsland) روز ملل متحده را جشن گرفتند . در این جشن بیش از ۹۰۰ نفر که ۸۰۰ نفر آنان غیر بهائی و از نفوس مهمه نمایندگان ملی و ایالتی و محلی دولت ، دکترها و وکلا ، مدیران بانک ها و استادان دانشگاه ها بودند شرکت داشتند .

رئیس تشریفات برنامه راجع به نقش جامعه بین المللی بهائی و ارتباط آن ها با سازمان ملل متحده و یک عضو محفل ملی راجع به نظم اداری بهائی و تاثیر آن در ایجاد اتحاد و یگانگی جامعه صحبت کردند .

سالروز سفر حضرت بهاء الله به ترکیه :
یک احتفال عمومی بیادبود سفر حضرت بهاء الله که در صد و بیست و نه سال قبل انجام گرفت در روز ۱۵ نوامبر در ترکیه منعقد شد . جوانان و نونهالان دعوت نامه ها را توزیع کردند . در این احتفال دویست نفر شرکت کردند که ۷۵ نفر غیر بهائی بودند . موضوعات مورد بحث در این احتفال شامل مقام حضرت بهاء الله ، وحدت ادیان ، و حل مسائل اجتماعی بود . اسلاید هائی نیز از پیشرفت و تکامل اجتماعی و اقتصادی بهائی نشان

نخایند ، در سایه چنین نظامی دیگر محل برای حزب گرانی ، اعمال منافع شخصی ، تعیین کاندیدا و تبلیغات در امر انتخابات باقی نمی مانده . این نظامی است که دیانت بهائی با موفقیت در یک مقیاس جهانی پیاده و اجراء کرده است .

حضرت بهاء الله میفرمایند : « فی الحقیقہ عالم یک وطن است و من علی الارض اهل آن » درک این واقعیت از طرف مردم جهان مطمئناً تلاش عظیم و همه جانبه آنان را در راه نیل به اتحاد بر میانگیرد و در ساختن جهانی که برای پیشرفتهای عظیم نسل آینده مناسب باشد آنان را مدد مینمایند .

اکمی

آکادمی لنک سویس یک دوره مطالعاتی در مورد صلح برای جوانان بهائی و دوستان غیر بهائی آنها تشکیل داده است . این دوره شامل دو ترم (هر ترم دو هفته) میباشد که در تابستان امسال و سال بعد منعقد خواهد گردید . هدف این دوره مطالعاتی آن است که جوانان بتوانند در یک محیط بهائی به بحث و یادگیری و تبادل نظر مسائل مختلفه در باره صلح و پیشبرد آن بپردازنند . زبان این دوره انگلیسی و آلمانی خواهد بود .

آکادمی برای دوره جدید که از ۲ تا ۱۴ آگوست تشکیل میگردد تعداد ۴۰ نفر دانشجو (بین سنین ۱۲ تا ۱۴) میپذیرد . برای نام نویسی و اطلاعات بیشتر لطفا با آکادمی لنک به آدرس زیر مکاتبه کنید .

Landegg Academy
Dep. of Education and family Lile
Ch - 9405 Wienacht / AR. Switzerland

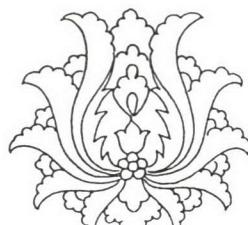
داده شد . یک نفر در این احتفال به امر اقبال نمود .

کنفرانس های مربوط به جشن عهد و میثاق در شهر ترکیه :

در ۲۹ نوامبر در انتالیا (Antalya) (جشن عهد و میثاق منعقد گردید که چهار ناطق در مورد اتحاد نوع بشر ، عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق ، حل مسائل عالم توسط حضرت بهاء الله و موفقیت جامعه بین المللی بهائی صحبت گردید . در اسلامبول یک جلسه احتفال عمومی با حضور ۱۲۰ نفر و در ادرنه یک احتفال عمومی با حضور ۸۰ نفر منعقد گردید .

دعا برای تشکیل چهارمین محل روحاوی در مغولستان :

امرالله بسرعت در مغولستان در حال پیشرفت است زیرا مؤمنین مغولستانی خانواده و دوستان خود را تبلیغ میکنند . فقط یک سال است که اولین محلی در پایتخت مغولستان تشکیل گردیده . در دو شهر دیگر نیز بهمت جوانان محل روحاوی محلی تشکیل شده است و احبابی مغولستان برای تشکیل چهارمین محل روحاوی دعا میکنند .



اخبار مصوّر



کنگره جهانی بهائی ، در روز ۲۴ نوامبر ۱۹۹۲
حضرات ایادی امة البهاء روحیه خانم ، جناب
علی اکبر فروتن و جناب دکتر علیمحمد ورقا در
جاویتز سنتر نیویورک به احباء خوش آمد
میگویند .

متجاوز از ۲۷ هزار نفر از ۱۸۰ مملکت مختلف
جهت شرکت در کنگره جهانی بهائی که از
نوامبر تا ۲۶ در جاویتز سنتر نیویورک تشکیل
گردید شرکت نمودند .



در اولین روز کنگره مراسم یادبود مخصوصی
جهت احباب ایران صورت گرفت و چندین دسته
کل به افتخار ایشان بر روی صحنه آورده شد .

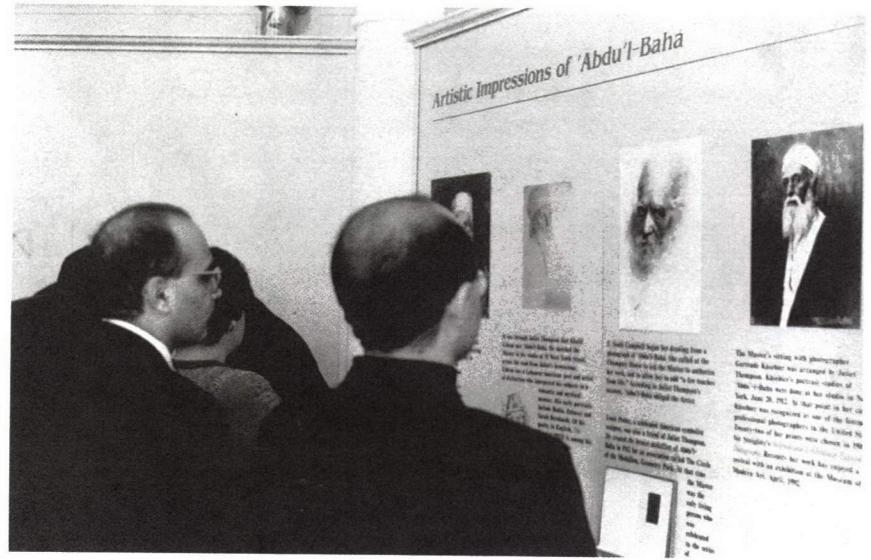


در روز ۲۲ نوامبر شهردار شهر نیویورک جناب دیوید دینکنز (David Dinkins) به شرکت کنندگان کنگره خوش آمد گفت . سواد یکی از الواح قاب شده حضرت عبدالبهاء در مورد شهر نیویورک به ایشان اهدا گردید .



نقاطه اوج کنگره لحظه تماس تلویزیونی کنگره با مرکز جهانی بهائی در حینا و ۹ کنفرانس همزمان در نقاط مختلف دیگر دنیا بود که در ۲۶ نوامبر صورت گرفت .

نمایشگاه مخصوصی بیاد بود دیدار حضرت عبدالبهاء از شهر نیویورک در پنج سالن بزرگ هتل هیلتون ترتیب داده شده بود . تأکید نمایشگاه در خصوص مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز میثاق بود .





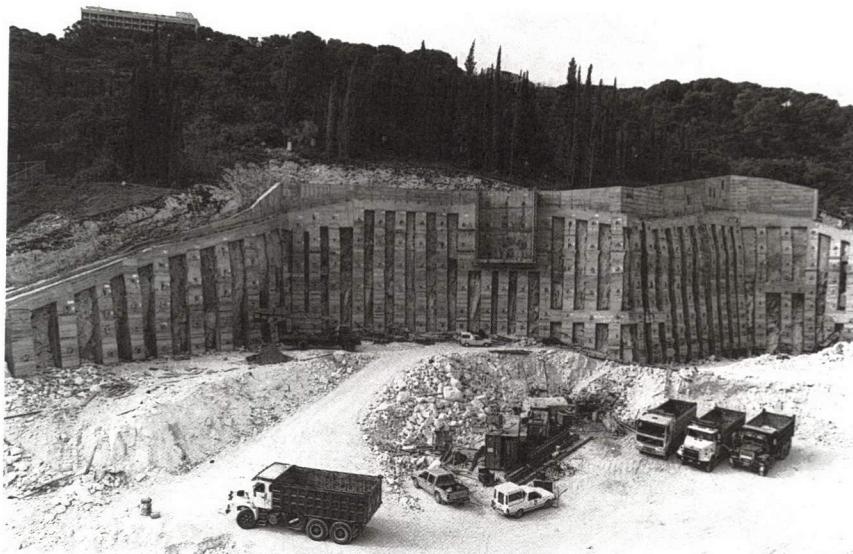
برنامه های مخصوصی برای جوانان ترتیب داده شده بود که همزمان با کنگره جهانی در ماه نوامبر در شهر نیویورک برگزار گردید . تمرکز این برنامه ها بر روی بیان احساسات ایمانی از طریق آواز ، رقص ، تئاتر و سایر هنرها بود .

علاوه بر گروه بی نظیر گر کنگره ، هشت گروه گر کوچک دیگر نیز که نشان دهنده تنوع نژادی و فرهنگی امر بودند در برنامه اصلی و برنامه های جنبی کنگره هنر نمائی کردند .



نخست وزیر هندوستان سری نارسیما رائو (سمت راست) نماینده بهائیان هندوستان را در روز ۱۲ اسپتامبر ۹۳ در قصر خود میپذیرد . عکس بالا جناب دکتر گو هینات (سمت چپ) را در حال تقدیم عکس مشرق الاذکار دهلی به نخست وزیر هندوستان نشان میدهد .

مجمع بهائیان اسپرانتیست در « اسلوواکیا » سیناری در باره « زندگی و رسالت حضرت بهاء الله » بمدت چهار روز از تاریخ ۱۱ تا ۱۵ نوامبر تشکیل دادند . در این سیناری بیست نفر از شش کشور مختلف شرکت کردند . عکس بالا تعدادی از شرکت کنندگان در این سینار را نشان میدهد .



عکس بالا که از پروژه کوه کرمل در تاریخ ۱۲ نوامبر برداشته شده دیوار نیمه تمام حائل را در محل ساختمان مرکز مطالعات الواح و آثار نشان میدهد . بخاطر اینمی بیشتر ، بیش از ۲۰۰ قلاب بزرگ فولادی در دل کوه جا داده شده است .

پروژه کوه کرمل ، در محل مرکز مطالعات الواح و آثار ، دوازده ردیف قلاب بزرگ فولادی در دیوار حائل جا داده میشود . عکس بالا که در تاریخ ۱۲ نوامبر ۹۲ گرفته شده دیوار را در ارتفاع ۲۸ متری نشان میدهد .



نامه هائی از دوستان

زمان بباد فراموشی سپرده شود لهذا هیئت تحریریه عندلیب آماده است که هرگاه دوستان الهی که در دوران اخیر در زندان بوده اند خود و یا منسوبانشان که اطلاع صحیح و کامل از حالات دوران زندانیشان دارند شرح جامعی از رویدادهای دوران زندان نوشه و با عکس بآدرس عندلیب بفرستند. البته در صورت تصویب با حک و اصلاح و عدم استرداد مقالات واردہ در کتابی جمع آوری و در موقع مقتضی باذن مراجع امری مبادرت باتشار آن خواهد شد. ذیلأ عکس این دو بانوی محترمه چاپ میشود.



خانم سرافراز جیوه که مدتی باتفاق مادرشان خانم مروارید که در زندان معاندان امرالله در دوران اخیر بوده اند. شرحی در نهایت سادگی راجع بایام زندانیشان نوشته و در نامه اشاره نموده اند که در احیان جواب به سوالات بازپرسان دادگاه انقلاب و پرسش مأموران زندانیان آنان را به اعتقادات اهل بھاء در مورد حقانیت ادیان الهی و شریعت مقدسه اسلام آشنا ساخته و با مر بھائی خوشبین نموده اند. بعلت تفصیل نامه و صفحات محدود عندلیب درج تمام آن مقدور نیست و از آنجا که اینگونه خاطرات تاریخی و شیرین است و حیف است که بمrorر

★★★★★

۲ - جناب ایرج روحانی شرحی در باره تشکیلات جوانان بھائی در سالهای قبل در مدینة الله شیراز نوشته اند و ضمناً روابط حسنہ محفل مقدس روحانی وقت را با لجنات مربوطه توجیه و اضافه نموده اند که در آن ایام شیراز دارای ۱۵۰ دانشجوی بھائی و ۱۰۰۰ نفر جوان بھائی بود که با لجنہ جوانان همکاری و عدهای از آنان در کمیسیون های مربوطه لجنہ بخدمت مشغول بوده اند از ایشان ممنونیم.

۳ - جناب روح الله ناطق شرحی در باره اهمیت و اهداف سال مقدس ۹۲ - ۱۹۹۳ نوشته اند از لطف و توجه ایشان ممنونیم.

هدم عشاق بی همتأله شد
 حامل اخبار چون ورقای جان
 مژده بخش روح بر جانها چه شد
 چندماهی هست محرومیم از آن
 اینکه ناگه گشته ناپیدا چه شد
 بارها گفتیم با خود میرسد فردا ولیک
 ماهها با انتظار پیشی فردا چه شد
 عندلیب ماکتاب و گوهر پر ارزشی است
 پس بدین شایستگی آن گوهر یکتائجه شد
 بارالها دوستان را از غم دوری او
 باخبر کن حال چونین یاری بر جا چه شد
 مثل مشرف زاده بی تابند به عندلیب
 چند می پرسند این مجموعه گلها چه شد
 دوست عزیز این خادمان به قصور خود واقفند ولی
 با انتشار شماره های ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ تصور
 می روید جبران مافات شده است .
 امیدواریم در سال آینده چهار شماره مورد تعهد
 موقع بdestت یاران و فدار بر سد .
 ۶ - جناب بهمن پیمان قطعه شعر مناسبت کنگره
 نیویورک سروده اند که عیناً نقل میگردد :
 گذشته قرنی و عالم بود رنجور از غفلت
 بود درمان رنجوری ز دستور بهاء الله
 به گلزار بهاء جمعند یاران و فدارش
 شهری کو بود میثاق و منظور بهاء الله
 همایون بخت یارانی که در دنیا بگستردن
 جهان آرا نظامی بعد از نور بهاء الله
 یقین دارم که بعد از انقضای این چنین محفل
 رسید توفیق یاران مهاجر را ز منشور بهاء الله

۴ - آقای محمد رضا عدالتی ضمن نامه ای نسبت
 به مجله عندلیب اظهار محبت و توجه فرموده و
 بضمیمه آن چند قطعه از بیانات مبارکه راجع به
 طهارت قلب و فتوکپی یک قطعه هنری مرحمت
 فرموده اند و از عندلیب خواسته اند که آنرا چاپ
 نمایند . ذیلاً دو قطعه از بیانات مبارکه در صورتی که
 درج و یادآور میشونیم که آثار هنری در صورتی که
 اصل آن واصل شود پس از تصویب قابل چاپ در
 عندلیب میباشد و پس از چاپ نیز اصل آن مسترد
 میگردد .

اینک دو قطعه از بیانات مبارکه مذکور بدین شرح
 است قوله عز بیانه :
 « قلب انسان جز بعبادت رحمن مطمئن نگردد »
 « سرور قلب انسان به محبت الله است »
 حضرت عبدالبهاء

۵ - آقای یدالله مشرف زاده ثانی در نامه شرح
 تصدیق جناب جاویدنیا را نگاشته و دو قطعه شعر
 ایشان را که متضمن شرح تصدیقشان میباشد با
 عکس ضمیمه نموده اند ذیلاً عکس مربوطه گراور
 میشود .

و همچنین جناب مشرف زاده از تأخیر عندلیب در
 سال ۱۹۹۲ با سروdon چند بیت در نهایت لطافت و
 محبت شکوه نموده اند که ذیلاً چند بیت از اشعار
 مزبور درج میگردد :
 کس نداند عندلیب ما چه شد
 عندلیب این مونس دلها چه شد
 عندلیب این مرغ خوش الحان عشق

۷ - جناب عباس بیضائی قطعه شعری بنام « راز و نیاز با خدا » سروده که سه بیت آن ذیلاً چاپ میشود :

« عندلیب »

نشریه محفل روحانی ملی بهانیان کانادا
برزبان فارسی
سال دوازدهم
سالیانه چهار شماره

ای خالق ارض وسما وی چاره سازچاره جو
دائم بذکرت ذاکرم تائید کو
هر صبح و شب خوانم تورادارم دودستی بر دعا
بر ناله های نیمه شب تأثیر کو تأثیر کو
پیری زکار افتاده ام در طاععت شرمنده ام
بخشی زفضلت گر مرا تقصیر کو تقصیر کو

حق اشتراك برای کانادا ۴۰ دلار کانادائی و سایر
کشورها ۴۰ دلار آمریکائی .
نحوه پرداخت : در کانادا و آمریکا چک بانکی و
شخصی و در سایر کشورها فقط چک بانکی
(Money order) یا حواله بانکی .

آدرس برای پرداخت :

ANDALB
7200 LESLIE STREET.
TORONTO . ON. CANADA L3T 6L8
Fax: (416) 889 - 8184
Tel: (416) 889 - 8168

متنی است در تقاضای اشتراك نام و نام خانوادگی
و آدرس کامل خود را بطور خوانا مرقوم فرمائید.

۸ - آقای خسرو آزردگان قطعه شعری در باره
شهادت جناب بهمن سمندری علیه رضوان الله
سروده اند که قسمت اول آن ذیلاً چاپ میشود :

کاش من خاک ره اهل بھاء می بودم
بنده درگه پاک شهدا می بودم
کاش منهم چو شھیدان وفادار بھا
از تعلق به گل وخاک رهامي بودم
لیک افسوس که من بسته دام هوسم
بسته زیب و زرعالم خاک عیشم

از جمیع دوستاییکه با عندلیب مکاتبه نموده اند
متشرکریم ، ضمناً جواب بقیه نامه ها را به بعد
موکول مینماییم .
باتقدیم تحیات بهانی - عندلیب



‘ANDALÍB

